

کارگر، به پیش!

(سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر)

۲۵ فروردین ۱۳۵۸

شماره ۴



۲۴

خجسته باد اول ماه مه روز جهانی همبستگی کارگران

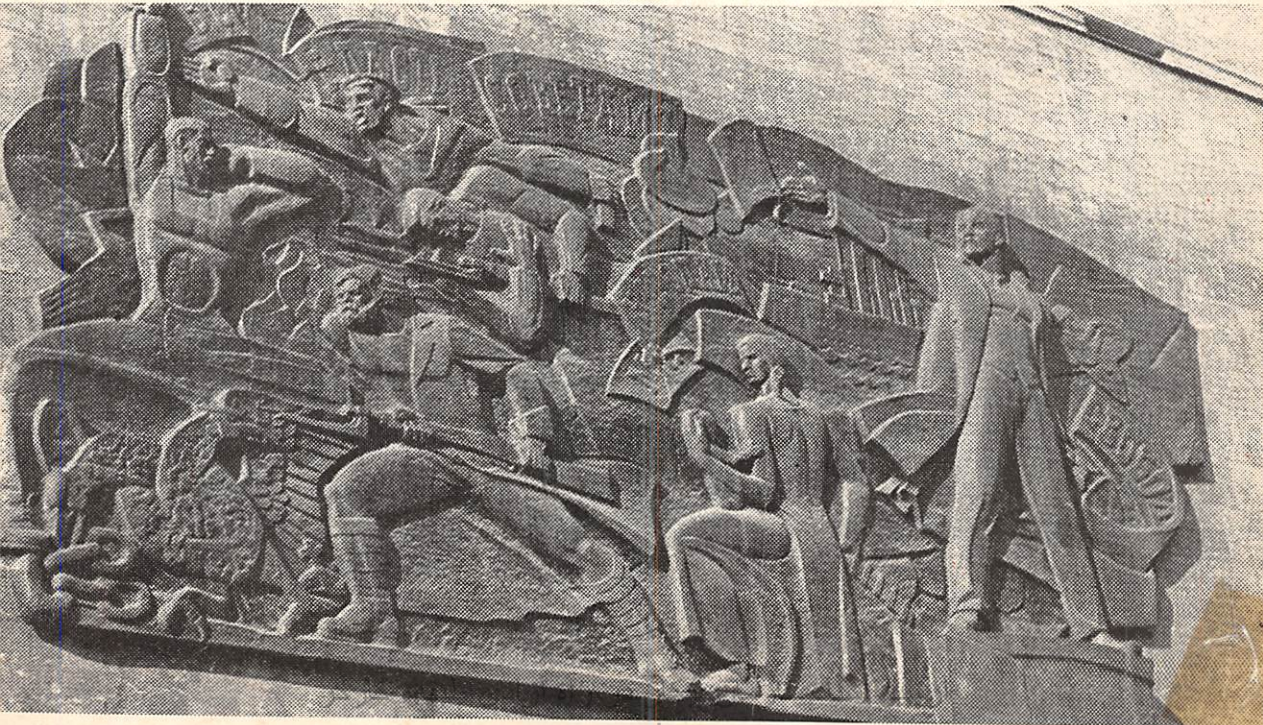
آرشیو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

هما نظور که خوانندگان " کارگر، به پیش " اطلاع دارند، این نشریه تا بحال توسط یکی از حوزه‌های سازمانی انتشار مییافت، از این شماره به بعد این نشریه بعنوان نشریه " کارگری سازمان انتشار مییابد.

در این شماره

- | | |
|--|--|
| ■ ما با زهم مبارزه خواهیم کرد! ۲۸ | ■ سرمقاله (مشکل بیکاری کارگران را، چگونه میتوان حل کرد؟)..... ۳ |
| ■ تجربیاتی از شورای کارکنان ارج ۲۹ | ■ گرامی باد اول ماه مه، روز همبستگی |
| ■ قطعنامه کارگران متحد ذوب آهن ۴۰ | ■ کارگران جهان! |
| ■ چند نکته مهم درباره شوراها و کارگری... ۴۱ | ■ درسهای سازماندهی کارگران (توطئه کارفرما و شرکت تکنوکرا بر علیه شورای کارگری کارخانه) |
| ■ "پیشناز" نشریه کارگران پیشرو صنعت نفت جنوب | ■ درسهای از اکتفا دسوسیا لیستی (تورم و تأثیر آن بر زندگی کارگران) |
| ■ آیا شوراها و کارگری، خلقا لسا عه هستند؟ ... ۴۵ | ■ اعلام همبستگی با "کارگر، به پیش" |
| ■ زد و خورد کارگران و کارفرمای کارخانه ارج ... ۵۰ | ■ قطعنامه کارگران نانوائی های تافتون |
| ■ جواب دندان شکن کارگران جنرال موتورز ... ۵۶ | ■ یز تهران |
| ■ اعتراض روستائیان ساری | |
| ■ افزایش حقوق رتشیان با تصویب دولت بختیار... ۵۹ | |
| ■ اخبار کارگری..... ۶۰ | |





مشکل بکاری کارگران را چگونه می‌توان حل کرد؟

"بیکاری" که امروز دامگیر میلیونها کارگر زحمتکش میهن ما شده است، و خانواده آنها را در خطر گرسنگی قرار داده، یکی از بیهوشی‌های همیشگی نظام سرمایه‌داری است. این مرض دائمی، گاه شدید می‌شود و گاه ضعیف. سود پرستی و ظلم و ستم سرمایه‌داران، و جمع شدن ثروت در دست آنها، و بطور کلی مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، علت اصلی این مرض است. این مرض که امروز در میهن ما، زحمتکشان را در بدترین وضع قرار داده، یا اینکه در شرایط انقلاب بوجود آمده، ولی زهمانقا عدهٔ اقلی سرمایه‌داری خارج نیست.

سیستم نمی‌توانستند بدون وجود آنها کارکنند و سود دلخواه را بدست آورند، با اخراج کارگران شرکتها و کارخانه‌های خود، آنها را تعطیل کردند واضح است که در شرایط انقلاب، شکالاتی نظیر کمبود و نایابی مواد اولیه، نبودن بازار و... به خوابیدن تولید و اقتصاد مملکت کمک می‌کرد. اما آنچه امروز برای هر کارگر مطرح است این است که چه سیاست و چه برنامه‌ای برای حل این مشکل بکار برده می‌شود. کارگران و زحمتکشانی که با اصلی انقلاب را بدوش کشیده‌اند، آنان که بیشترین فداکاریها و جانبازیها را برای رسیدن به خواسته‌های عادلانه خلق کرده‌اند، بحق امروز انتظار دارند که

در دوران ننگین پهلوی، سرمایه‌داران و بانکداران و بزرگانان خارجی بکمک دلالان داخلی خویش مانند خیا میها و رضائیهها و... با استثمار هزاران کارگر زحمتکش در تمام رشته‌های صنعتی، ساختمانی، کشاورزی و خدمات، دسترنج میلیونها کارگر را غارت می‌کردند. اینان مثل همهٔ سرمایه‌دارها فقط به سود فکر می‌کردند. به همین علت هم وقتی سود و منافعیشان در خطر افتاد، سرمایه‌خود را بر داشته و فرار کردند و چون اقتصاد مملکت ما، پایه اش بر وابستگی بخارجی‌ها یعنی همین سرمایه‌داران فراری خارجی و دلالان داخلی آنها بود، اکثریت سرمایه‌داران ملی نیز که در آن

آرشیو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دولت باید طرح پیشنهاد کارگران بیکار را تصویب کند!

زده بود کتک خورده و مجروح شد و... دولت و مسئولین امور از کارگران درخواست صبر و انتظار میکنند، و اعلام میدارند که تصمیمهای لازم را برای آنها خواهند گرفت. آنها خیال میکنند که تنها خودشان بلدند درست ترین و بهترین تصمیمها را بگیرند نه کارگر! ولی آنها فراموش کرده اند که همین توده های کارگر و زحمتکش بودند که تمام حسابهای امپریالیسم آمریکا، دستگاه استبداد رژیم شاه سابق و همینطور حسابهای محافظه کاران و سازشکاران را برهم زدند و سیستم ننگین پهلوی را درهم کوبیدند. مسلم است بدون وجود کارگران و نمایندگان انقلابی آنها در قدرت سیاسی (دولت و...) منافع و مصالح کارگران درک نخواهد شد. کارگران صنعت نفت که پیشروترین کارگران کشور ما هستند، بهمین جهت بودند که از مقامات رهبری انقلاب خواسته بودند تا آنها را در شورای انقلاب شرکت دهند. ولی بدرخواست آنها هیچ توجهی نشد. روشن است که بدون درک دردهای کارگران قدمهای اساسی نیز برای آنها برداشته نخواهد شد. بلکه بسیاری تصمیمات و اعمال و رفتار ضد کارگری نیز مشاهده خواهد شد. و اگر امروز می بینیم با این همه مبارزه و تلاش از جانب کارگران باز هم اینقدر نسبت به مسائل کارگران کم توجهی میشود، یک علتش همین مسئله است.

دردهای کارگران و از جمله اساسی ترین آن یعنی مسئله بیکاری یا درد گرسنگی آنها را چه از لحاظ کوتاه مدت و چه از لحاظ بلند مدت تنها با برخوردی انقلابی میتوان حل کرد. برای اینکار ربهینیم چه باید کرد؟

قبل از هر چیز برای اینکه زندگی میلیون ها زحمتکش بیکار روخا نوا ده آنها را از گرسنگی

مسائل آنها چه در "کوتاه مدت" و چه در "بلند مدت" پاسخ داده شود، میزان و معیار انقلابی بودن هرکس و هر دولتی نیز در همین جاها سنجیده میشود و نه در حرف و وعده و وعید.

کارگران، مبارزه برای گرفتن حقوق عقب افتاده، بازگشت بسرکار و جلوگیری از اخراج خود را از همان روزهای اول بقدرت رسیدن دولت موقت شروع کرده اند. آنان بقدر کافی دردها و مسائل خود را به وزیرکار و مسئولین وزارت کار و دولت و... توضیح داده اند. تجمع در وزارت کار، خانه کارگر، سازمان کارگران (سابق) و... راهپیمایی های مکرر و... همه و همه نشانگر درد بزرگ زحمتکشان است. اما امروز این درد بسا اخراج بازهم بیشتر کارگران از جانب سرمایه داران، بیشتر هم میشود.

در این مدت و در راه نجات از گرسنگی و بیکاری، کارگران با فشارها و تهدیدها و تهمتهای فراوان از جانب دولت و کمیته ها روبرو بوده اند. یک روز آنها را "ضدانقلابی" مینامند! یک روز میگویند کار هست ولی کارگران نمیروند کارکنند! و... در رادیو و تلویزیون، اخبار و دردهای مربوط با این کارگران گفته نمیشود. آنها که وکالتاً خود را حامی "پایرهنما" قلمداد میکنند، حتی حاضر نیستند میل خود صحنه ای از راهپیماییها و تحصنهای این زحمتکشان را در تلویزیون منعکس کنند. و تنها زمانی با اجبار و با اعمال قدرت از جانب کارگران اینکار را کردند که کارگران متحصن شدند و رادیو و تلویزیون را وادار کردند که سخنان آنها را در رادیو و تلویزیون منعکس کند. اما باز هم نگذاشتند تمام حرفهای زده شده آنان بگوش مردم برسد و حرفهای آنها را سانسور کردند، و بعد هم سخنگوی کارگران که در تلویزیون حرف

آرشیو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر



در این مورد دولت بهانه می‌آورد که پول ندارد تا بکارگران بدهد. اما کارگران بدرستی می‌گویند:

«مفتخورها را از کار نجات و موسسات مختلف (اعم از دولتی و خصوصی) بیرون بریزید آنوقت خواهید دید پول هست یا نه»

نه فقط باید مفتخورها را از موسسات دولتی و خصوصی بیرون ریخت، بلکه مردم ما راه حل این مشکلات را هم اکنون بیش از یکسال است که در خیابانها و در جلوتوپ و تانک و مسلسل نشان داده‌اند. مردم ما فریاد زده‌اند:

"نابود با سرمایه داری وابسته"،
 "نابود با دستهای امپریالیسم از مقدرات میهن ما"

مُرک برا امپریالیسم آمریکا،
 وصداها شعار دیگر در همین زمینه در خیابانها و کوچه و بازار داده شده است. پس چرا سرمایه داری وابسته را نابود نمیکنید؟ چرا اموال شرکت‌های امپریالیستی و دلان داخلیشان را بِنفع خلق صادره نمیکنید، تا درد توده‌ها را درمان کنید؟ چرا بانهگام‌ملی نمیشود؟ چرا اینهمه کارخانه و شرکت‌های زراعی امپریالیستی و دلان داخلیشان ملی نمیشود؟ چرا

نجات بدهیم، لازم است وامی که واقعاً بتواند تا زمان اشتغال بکار حداقل زندگی خانواده آنها را تأمین کند، بآنها داده شود. دولت در این مورد طرح بسیار نیم بندی دارد. این طرح - که خودپس از مدت‌ها مبارزه بدولت تحمیل شده است - مورد اعتراض کارگران است. زیرا نه حداقل زندگی آنها را تأمین میکند و نه شامل همه کارگران بیکار میشود. کارگران حق دارند سؤال کنند که با ۷۵۰ تومان وام ماهانه، چگونه میتوان زندگی کرد و دولت چرا اصرار دارد کارگران را بگرفتن همین مقدار وام راضی کند؟ کارگران میپرسند آیا ۹۰۰ تومان وام برای مجردین و ۱۲۰۰ تومان برای متأهلین، در خواست زیادی است؟ همینطور، مگر رژیم ضد کارگری شاه سابق همه کارگران را بیمه کرده بود که حالا برای گرفتن وام، همه کارگران باید دفترچه بیمه را نشان دهند؟! این شرط نیز بحق، مورد اعتراض کارگران است. همینطور شرط پستی گذاشتن برای گرفتن وام نادرست است. مگر کارگر کم سن و سال (کمتر از ۲۱ سال یا حتی ۱۶ سال) و مَسِن (بالتر از ۶۰ سال) نباید زندگی کند، که این شرط سنی از جانب وزارت کار گذاشته شده است؟

آرشیو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

درست پول نفت در راه مصالح زحمتکشان و سر- مایه گذارینهای ملی و ایجادکارا ز این طریق و قطع خرید اسلحه از کشورهای امپریالیستی، یکی از دیگر مسائل مهم است که با مصالح کار- گران را و از جمله مسئله "بیکاری" ارتباط دارد.

دولت موقت وظیفه دارد هر چه سریعتر در مورد مسئله ارضی و کشاورزی سیاست انقلابی پیش گیرد. از جمله در بسیاری از نقاط میهن ما هنوز اصلاحات ارضی نیم بند هم انجام نشده است. عملی کردن اینکار و دادن وام به همه کشاورزان و دامداران در روستاها، هم به بالا رفتن سطح تولید کشاورزی کمک میکند و هم به سطح اشتغال در روستا کمک میکند و از درصد بی کاری بمیزان زیادی میکاهد.

یکی دیگر از موارد مهمی که به بالا بردن سطح اشتغال کمک میکند، حل انقلابی مشکل مسکن است. فرمانی که آیت الله خمینی در این مورد صادر کرده تا حدی چاره ساز است و

همچنان خود را بدهکار مالک امپریالیستی می - دانند؟ ما چه بدهی بآنها داریم؟ مملکت ما دهها سال است که بدست آنها چپاول میشد، حال دیگر چرا باید قرضهائی را که بآنها داریم بدهیم؟... مگر این وظیفه دولت موقت انقلابی نیست که اموال خائنین بخلق را بفتح مردم ضبط کند؟ مگر این وظیفه دولت موقت نیست که از بازپس دادن قرضه ها با امپریالیستها خود- داری کند؟... جالب است که دولت موقت در مقابل این سئوالها جواب میدهد که ما یک "دولت موقت" هستیم و اینها وظیفه ما نیست. جایش اینجا نیست که بحث کنیم که اینها چرا وظیفه دولت موقت است، ولی همینقدر میگوئیم که دولت موقت، وظیفه اش در اطاق دربسته تعیین نمیشود. با گذاشتن "سه وظیفه" من در آوردی برای خودتان، نمیتوانید گریبان خود را از پاسخ به درخواستهای مردم ستمدیده رها سازید. وظیفه دولت موقت انقلابی پاسخ بتمام آن خواسته های پایه ای است که خلقهای ما با

* بازو بر کارگر، ستون انقلاب است

میتواند بحل مسئله بیکاری کمک کند و ما از آن پشتیبانی میکنیم و در این مورد نظرات خود را مطلقاً بیان خواهیم داشت.

لازم میدانیم در رابطه با صحبت های بالا، بیک ایراد که معمولاً از جانب سازشکاران و محافظه کاران گرفته میشود، پاسخ دهم. وقتی گفته میشود: بانگهارا ملی کنید، اموال شر- کتها و کارخانه ها و مزارع امپریالیستی و وابستگان داخلی شان را ملی کنید و... جواب میدهند که اگر اینها ملی شود، مردم باز هم بیکار تر میشوند... در حالیکه این سخنان تا- در دست راستی زیرا همصن خالاهم این سرمایه داران

دادن خون خود خواستار آن شده اند. همانطور که اموال دربار بشفق خلق صادره شد، همانطور نیز سایر خواسته ها را دولت موقت باید در همین مرحله عملی سازد.

بدین ترتیب، حل مسئله "بیکاری" در این مقطع از مرحله انقلاب، در گرو تبدیل اقتصاد وابسته با اقتصاد ملی قرار دارد. یعنی درست است که بیکاری فقط با نابودی سرمایه داری از بین میرود، ولی اینطور نیست که در مرحله فعلی نتوان به میزان زیادی این مسئله را حل کرد. برای اینکار علاوه بر توجیحات بالا، لازم است بیادآوری کنیم که بخرج

ستهای را که شما نخواسته‌اید و نتوانسته‌اید به آن عمل کنید، از شما می‌خواهند. شما وقت نمی‌توانید یا در دست داشتن توان و قدرت میلیونها مردم دست امپریالیست‌ها را قطع کنید، تا مسائل آنها حل شود، مردم بخوابند و خواهند ریخت و از شما راه حل خواهند خواست. این حق مردم است. مردمی که تا دیروز در مقابل توپ و تانک و مسلسل با مشت‌های گره کرده و با خشم خود و سرانجام با قیام مسلحانه خود، ضربات سهمگینی با امپریالیست‌ها زدند و بیساط ننگین پهلوی را درهم کوبیدند، امروز هیچوقت سرشان را پائین نمی‌اندازند تا هراشتباه و انحرافی که در جهت پاک‌داشتن بر روی منافع آنها می‌باشد، انجام بشود... هرکس اینترادراک نکند، یا کوراست یا خود را به کوری زده است.

اینها خلاصه‌ای از نظرات ما در مورد حل مسئله بیکاری بود. می‌بینیم که حل این مسئله، با اساسی‌ترین خواسته‌های خلق‌های ما، یعنی قطع

خارجی و دلان داخلی آنها یا فرار کرده‌اند و یا از ترس عملی شدن درخواستهای انقلابی مردم میلی به سرمایه گذاری ندارند. زیرا که آنها با همه امیدها می‌دانند که از طرف دولت با آنها داده می‌شود، که: "ملی شدن بانکها مطرح نیست" و کمکهای مالی که بصورت وام با آنها داده میشود... هنوز خطر را بدرستی احساس میکنند و میدانند که با این سادگی دیگر قادر به ادامه حیات خود نیستند. و به همین لحاظ بیشتر بفرنگجات سرمایه خود هستند تا راه انداختن "اقتصاد مملکت". بنا بر این این اهراد که در صورت ملی کردن موسسات امپریالیستی و دلان داخلی آنها بیکاری با زهم بیشتر میشود تا درست است برنامهای که کمونیست‌ها واقعی در این مورد داده‌اند، همه جانبه است. آنها معتقدند به محض قطع دستهای امپریالیست‌ها و دلان داخلی آنها، بمحض آنکه کارخانه‌ای که مال یک سر-مایداد خارجی و دلان داخلی است ملی شد، بمحض آنکه فلان کشت و صنعت وابسته با آمریکا...

بیکار کارگر، بزرگترین گناه است *

نفوذ کامل امپریالیست‌ها، ارتباط ناگسستنی دارد. بدون اینکه دست امپریالیسم را کاملاً قطع کنیم، بدون اینکه دست دلان کارخانه داروزمین اروپا نکند، راه را از اقتصاد مملکت کوتاه کنیم، قادر نخواهیم بود مسائل را زقییل بیکاری را حل کنیم.

اما وظایفی که در رابطه با این مشکل و در بزرگ بعدده رفقای کارگر قرار می‌گیرند چیست؟

همانطور که رفقای کارگر تا بحال شاهد بوده‌اند، نیروی اصلی که میتواند در برابر این مشکل چاره‌ساز باشد، نیروی خود آنهاست. آنها

به تصرف دولت درآمد، بلافاصله "شورای کارگری" یا "شورای دهقانی" نظارت و کنترل تولید را در کارخانه و در مزرعه و... بعهده می‌گیرد. این یکی از معنای بسیج زحمتکشان برای قطع نفوذ امپریالیست‌ها و دلان داخلی آنهاست. نه آنچه که کسانی مثل آقای "بنی‌صدر" از بسیج مردم برداشت دارند و فکر میکنند بسیج مردم یعنی ریختن بیخودی مردم به خیابانها و راه انداختن تظاهرات (اشاره به مناظره تلویزیونی ایشان). بلی شما وقتی نخواهید مسائل را از طریق مردم و با پشتیبانی آنها حل کنید، مردم حتماً به خیابانها میریزند و حتماً درخوا-

آرشیو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر



ضمن اینکه با یستی‌پشتیبانی دانشجویی انقلابی و نیروهای دمکرات جامعه را جلبکنند و آنها را با درد "خطرگرستی" و "بیکاری" آشنا سازند، باید به شکل و وحدت خود بیشتر از هر چیز دیگر فکرکنند. برای اینکار بنظر ما باید به مسائل زیر توجه کرد:

۱- کارگران آگاه و مبارز باید به تشکیل هر چه بیشتر شوراهای کارگری در کارخانجات به پرداخت زندو کلیه کارگران هر کارخانه نیز با پشتیبانی از شوراهای کارگری واقعی خود این قدرت را بشورای بخشند تا بتواند در کلیه امور تولیدی و فروش و استخدام کارخانه نظارت داشته باشد و از بیکار شدن کارگران شاغل جلوگیری کند.

۲- ارتباط گرفتن شوراهای کارگری کارخانه جات مختلف با یکدیگر در جهت تشکیل شورای سراسری کارگران ایران که موجب میشود قدرت میلیونها کارگر در یک جهت مشخص متمرکز شده و از این راه کارگران با نیروی بیشتری بتوانند در جهت رسیدن به خواستههایشان بدولت و کارفرمایان فشار بیاورند. و در مرحله فعلی، در مورد یکی از مشکلات اساسی کارگران یعنی "بیکاری" برنامه و اقدام داشته باشند.

۳- طبقه کارگر همگی منافع مشترک دارند و هر کارگری که مشغول بکار است باید این مسئله را درک کند که آن دسته از همکارانش که بیکارند همه با او هم‌درد بوده و زمانی با هم در زیر یک سقف است‌ت‌ما رمی‌شده‌اند. بعلاوه خطر بیکاری، به قول معروف شتری است که دم در خانه هر کارگری ممکن است بنشیند. پس کارگران مشغول به کار هم باید با پشتیبانی از کارگران بیکار، از طریق اعتراضات دستجمعی به دولت، راه پیمائی خیابانی، تحصن‌نشستن و... آنها را در رسیدن به حقشان یاری رسانند. آنها بایستی مبارزه برای ۴۰ ساعت کار در هفته را در این

مرحله شدت بخشند تا ضمن برآورده شدن درخواست عمومی‌شان، امکان استخدام کارگر جدید فراهم گردد.

۴- خودکارگران بیکار نیز باید بیش از پیش متوجه شوند که تنها در سایه شکل و وحدتشان است که میتوانند حق و حقوق از دست رفته خود را از سرمایه داران بازستانند. بقول معروف حق گرفتن است و این گرفتن هم فقط با وجود اتحاد امکان پذیر است. از همین رو کارگران بیکار باید به دورتشکیلات واقعی‌شان جمع شده و با تمام نیرو و هر چه بیشتر خود را متشکل تر کنند.

۵- کارگران بیکار با یستی سیاست فعلی خود، یعنی رفتن به ادارات و مکانهای مختلف (وزارت کار، تحصن در دادگستری و...) را ادامه دهند. و در این مکانها مبارزه عادلانه خود را در سطح گسترده‌تری ادامه دهند.

ارشیو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

گرامی باد اول ماه مه، روز مهمتگی کارگران سراسر جهان



تا آن هنگام که سرمایه و سرمایه داری هست و کارگران در لای چوخی های روابط غیرانسانی سرمایه داری راه می شوند، تا آن هنگام که کارگر عرق میریزد و دسترنج او جیب گشا دسرمایه داران زالو صفت را پر می کند، آری، تا زمانی که طبقه سرمایه دار وجود دارد، کارگران بر علیه آن مبارزه می کنند، پیا می خیزند تا زنجیرهای اسارت و بردگی را پاره کنند و سرمایه داری را نابود کرده و آزادی واقعی را، نه فقط برای خود، بلکه برای همه، زحمتگشان بدست آورند. تاریخ مبارزات کارگری در سراسر جهان، حماسه هایی پر شور از مقاومت، مبارزه و از خود گذشتگی کارگران بر علیه سرمایه داری، این دشمن نوع بشر، آفریده است. روز اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت، یکی از این حماسه های قهرمانی طبقه کارگر است.

★ آرشیو اسناد سازمان پیشروان

متعلق بآنان و در دست آنان بود، ما ننشد همیشه، بسادگی حاضر نبودند که بخواسته شروع کارگران جواب دهند. کارگران مبارز، برای رسیدن باین خواسته شروع خود، کو بنده ترین سلاح خویش یعنی اتحاد را یکسار گرفتند. آنها در روز اول ماه اعلام اعتصاب کردند.

چهل هزار کارگر در چنین روزی دست بسه اعتصاب زدند. اعتصاب و تظاهرات کارگران به وسیله پلیس بگلوله بسته شد و ۴ کارگر به شهادت رسیده و ۵۰ نفر دیگر مجروح شدند. کارگران در پاسخ و اعتراض باین جنایت سرمایه داران، روز بعد با همبستگی بیشتر و شرکت ۸۰ هزار نفر، دست از کار کشیدند. چرا که خوبی دریافته بودند که اعتصاب و دست از کار کشیدن، بیش از آنکه به زندگی خود کارگر

۹۳ سال پیش، در این روز تاریخی، در آمریکا که بتدریج میرفت به بزرگترین کشور سرمایه داری دنیا تبدیل شود - کارگران شهر شیکاگو، آنچنان متحدانه بسه پا خاستند و جنبش کارگری نیرومندی بسراه انداختند که بشت سرمایه داران چپا و لگرا بلرزه در آورد. در آس این مبارزات، یک سازمان واقعی و محکم کارگری قرار داشت که از کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی تشکیل شده بود.

کارگران آمریکائی که در روز ۱۴ - ۱۵ ساعت استراحت می شدند، خواسته بحق هشت ساعت کار در روز را اعلام نمودند. این حق طبیعی کارگران زحمتکش بود که بخواند بهره کشی بی شرمانه و بیحد و حساب سرمایه داران را کاهش دهند. اما سرمایه داران که دولت نیز

از بزرگوارترین جشن اول ماه میشتیائی کنیم!

هم میهمان مسافری!

۱۱ اردیبهشت (اول ماه می) روز جهانی کارگر است. کارگران تمام دنیا در این روز بزرگ با ترتیب دادن میتینگ، راهپیمائی و تظاهرات کارگری، ماهیت استثنائی و گرانه و پالمانه نظام سرمایه داری را فاش ساخته و آنرا محکوم میکنند.

کارگران ایران که در رژیم دیکتاتوری شاه تحت ستم و استثمار ظالمانه سرمایه داران غارتگر داخلی و خارجی بودند، نه تنها یک آن از مبارزه بر علیه ستمگری رژیم و زورگویی سرمایه داران دست بر نداشته اند، بلکه همواره در تمام تاریخ متحد و پشتیبان نیرومند مبارزه ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی نیز بوده اند. خلق ماهر کارگران ایران، بخصوص کارگران صنعت نفت را در سرتنگونی رژیم سابق، فراموش نخواهد کرد.

مردم مبارز ایران!

کارگران کشور ما، امسال در شرایطی که رژیم شاه سرنگون شده است، خود را برای برگزاری جشن اول ماه می، روز جهانی کارگر، آماده میکنند. با پشتیبانی خود از کارگران در روز اول ماه می، اتحاد و همبستگی خود را با کارگران میهمان مستحکمتر و قویتر داریم و بدین ترتیب نیرو و توان خود را در مسافری برای نابودی بقایای ارتجاع و امپریالیسم افزونتر نشانیم.

بایود باد بقایای ارتجاع و امپریالیسم!

"سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

تراکت شماره ۴۲ - ۱۳۵۸/۱/۲۲

آرشیو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

و انقلابی، پرازشور مبارزه و زندگی میشود. یکی از کارگران در دادگاه گفت:

"اگر شما فکر میکنید که با زدن ما میتوانی جنبش کارگران را که میلیونها نفر از مردم زحمتکش و فقیر و ستمدیده، نجات خود را در آن می بینند، از زمین ببری، پس مرا بد از بزنی. ولی بد میدکده شما فقط جرقه ای را با کشتن من خاموش میکنید"

اول ماه مه، روزیاست قدرت زوال ناپذیر کارگران بر علیه سرمایه داران است

همزمان با رشد و گسترش سرمایه داری، جنبش کارگری نیز گسترده تر و سازمان یافته تر شد. و کارگران در کشورهای مختلف در احزاب کارگری خویش متشکل شدند تا در مقابل طبقه سرمایه دار رهبری حزب پیشاهنگ خود، قدم کنند. در سال ۱۸۸۸ کنگره اتحادیه های کارگران آمریکا، بخاطر بزرگداشت مبارزه و شهادت کارگران، در روز اول ماه مه تظاهرات با شکوهی برپا کردند. بعدها در اولین کنفرانس احزاب کارگری در بین الملل دوم روز اول ماه مه را بعنوان روز جهانی همبستگی تمامی کارگران و زحمتکشان جهان اعلام کرده و از آن پس بخاطر گرامی داشت مبارزات خونین کارگران، بخاطر بزرگداشت اتحاد و همبستگی کارگران سراسر جهان و پاس گرامی داشت شهیدان راه آزادی طبقه کارگر، روز اول ماه مه هر سال، "روز کارگر" نام گرفت.

کارگران سراسر جهان، در این روز تاریخی گردهم می آیند و خواسته های برحق خود را مطرح میکنند و با نمایش اتحاد دیرشکوه خود، یکبار دیگر به طبقه سرمایه دار نشان میدهند که کارگران متحد، مبارزات حق طلبانه خود را برای رهایی بشر از قید سرمایه داری، همچنان ادامه خواهند داد.

لطمه بزنند، سرمایه داران ضرر میرساند و آنها را بزانو در میآورد. ابزار ماشین آلات تولیدی که سرمایه داران بناحق آنرا صاحب شده اند، بدون کارگران، آهن پاره های بی بیش نیستند. درست بهمین دلیل سرمایه داران آمریکائی که مثل سرمایه داران همه دنیا، جز در پی سود خود نیستند، از اتحاد و اعتصاب پرشکوه کارگران سخت وحشت کردند.

آری، سرمایه دار بخوبی میدانده که اگر کارگران متحد شوند و تشکیلات واقعی خود را ایجاد کنند، هیچ قدرتی نخواهد توانست آنها را شکست دهد. و امروز، روز مرگ سرمایه داری است. پس سرمایه داران وحش زده آمریکائی که اعتصاب پر قدرت کارگران آنها را فلج کرده بود، بدست و پا افتادند که با حیل و تفرقه افکنی کارگران را از میدان بدرکنند و زمانی که حیلها ایشان با آگاهی کارگران خنثی شد، به آخرین سنگر خود، یعنی نیروی نظامی و اعمال زور و خشونت پناه بردند آنها بیشرمانه کارگران را به کلنوله بستند و بسیاری از کارگران مبارز و رهبران انقلابی آنها را با زداشت نمودند.

طبقه کارگر بر این دیگر دریافت که تا زمانی که دولت و دستگاه دولتی در دست سرمایه داران است، سرمایه داران از تمام دستگاههای دولت (ارتش، پلیس، دادگاهها و...) برای حفظ منافع خود و سرکوب اکثریت زحمتکش استفاده میکنند و خواهند کرد و در این راه از هیچ جنایتی فروگذار نیستند.

رهبران انقلابی کارگران را که با زداشت شده بودند، در دادگاههای دولت سرمایه داری محاکمه و با اعدام محکوم کردند. انقلابیون در دادگاه به دفاعی آتشین، نه از خود، بلکه از طبقه کارگر پرداختند که در واقع سند محکومیت سرمایه داران است. هنگامیکه آنچه را که کارگران انقلابی در دادگاه گفتند، می خوانیم، قلبهایمان از احساس قدرت کارگران آگاه

ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

چنین است که روز اول ماه مه، برای دولتهای سرمایه داری جهان و سرمایه داران روز خوشی نیست. در این روز در سراسر جهان، طبقه کارگر با تظاهرات پرشکوه خود، بر علیه ستم و نابرابری اعتراض میکنند. در اکثر کشورهای سرمایه داری، دولت و پلیس سعی میکنند از برگزاری این روز بزرگ جلوگیری کنند. و یا از طرف خود، مراسمی بنام این روز برگزار کنند و بدین ترتیب با برگزاری واداره این مراسم بدست خود، آن را از معنای واقعی و کارگری خود، خالی کنند. در سرزمین ما، ایران نیز، وضع از این گونه بود. رژیم دیکتاتوری و سرمایه داری وابسته شاه خائن ابتدا از برگزاری شایسته این روز تاریخی جلوگیری میکرد. بعدها از این روز کارگری برای تبلیغات انحرافی خود استفاده میکرد. با وجود این، کارگران آگاه سعی میکردند، این جشن را بطور واقعی برگزار نمایند.

امروز با اتحاد خلق قهرمان ما و پس از مبارزات خونینی که کارگران ایران نقش بسیار مهمی در آن داشتند، رژیم سلطنتی واژگون شده است. اما انقلاب هنوز به پایان نرسیده و امپریالیسم که سالها خون خلق ما را بکمک نوکران داخلی می مکید، باید کاملاً از سرزمین ما ریشه کن شود. هنوز خلق ما برای رسیدن به برابری و برادری، مبارزات طولانی ای در پیش دارد. و تنها این طبقه کارگر قهرمانان است که با سازش ناپذیری و پیگیری خود، این مبارزات را تحت رهبری خود گرفته و به سرانجام خواهد رسانید.

روز اول ماه مه، فرصت دیگری است که کارگران سراسر جهان با برافراشتن پرچم سرخ مبارزه که با خون هزاران کارگر شهید گلگون شده است، با ردیگر قدرت بیکران خود را به نمایش بگذارند. بگذار زمین زیر پای دشمنان طبقه کارگر بلرزد!

ما زده اردیبهشت روز جهانی کارگر را با شکوه هر چه بیشتر برگزار کنیم!

کارگران مبارز!

با نزدیک شدن ۱۱ اردیبهشت، مطابق با اول ماه مه، کارگران سراسر جهان با شور و علاقه کم نظیری خود را برای برگزاری هر چه باشکوهتر این روز بزرگ آماده میکنند. کارگران سراسر جهان توسط دشمن واحدی استعمار میشوند و آن سرمایه داران و دنیای سرمایه داری است. کارگران در اول ماه مه قدرت و اتحاد لشکر عظیم کارگری را در مقابل سرمایه داران بنمایش می گذارند. در این روز کارگران کلیه کشورهای باهزبان، رنگ، مذهب و ملیتی که دارند، عقد اتحاد و همبستگی با یکدیگر میکنند.

ما کارگران ایران امسال در حالی به پیشواز "عید جهانی کارگری" میرسیم که در سایه مبارزه و فدا کاری خلقهای ایران، رژیم منغور سلطنتی را واژگون کردیم. بهمین جهت جشن روز جهانی کارگر "امسال برای کارگران ایران اهمیت خاصی دارد. و در حقیقت دوجن بزرگ را با هم برگزار خواهیم کرد. کارگران ایران!

بکشیم در اولین بهار این پیروزی بزرگ، روز جهانی کارگر را باشکوه هر چه بیشتری برگزار کنیم و صدای اتحاد و همبستگی خود را بکوش کارگران سراسر جهان برسانیم.

ستحکم باد اتحاد و همبستگی کارگران سراسر جهان!

تراکت شماره ۴۱ / ۱۳۵۸ / ۱۲/۲۲

"سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

آرشیو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

توطئه کارفرما شرکت «تکنوکار» بر علیه شورای کارگران کارخانه

■ زندگی و حیات سرمایه داران، وابسته به سودی است که از دسترنج کارگران بجیب میزنند. اصولاً اصلی‌ترین قانون سرمایه‌داری، بدست آوردن سود هرچه بیشتر و بیشتر است. حرص و ولع سرمایه داران در این راه، هیچ پایانی ندارد. کم شدن سود سرمایه داران، یعنی کم سوشن چراغ زندگی این زالومفتان.

اما وقتی ما بتجربه مبارزات کارگران سرتاسر جهان مینگریم، می‌بینیم که این بخطر افتادن منافع سرمایه داران هیچوقت امکان نداشته مگر زمانیکه کارگران لزوم اتحاد را درک کرده و تصمیم گرفته باشند بدور هم جمع شده و خود را سازمان بدهند. تنها در این مواقع بوده که زنگ خطر برای سرمایه داران بصدا درمیآمده و بتدریج که کارگران هرچه بیشتر دور هم جمع میشدند، هرچه بیشتر لزوم وحدت را درک میکردند و سازمان آنان هرچه قویتر و نیرومندتر میشده، بهمان نسبت هم وضع سرمایه داران خراب‌تر شده و قدرشان کمتر میشده. این چیزی است که ما در تجربه مبارزاتی کلیه کارگران جهان و کشور خودمان شاهد بوده‌ایم.

امروزه هم که کارگران میهن ما با کوشش خود و به یاری مبارزات سایر طبقات و اقشار جامعه، آگاهیهای زیادی کسب کرده‌اند و تا حدودی این مسئله را درک کرده‌اند که تنها در سایه اتحاد و تشکل است که میتوان حق و حقوق خود را از سرمایه داران به دست آورد، ب فکر تشکل خود افتاده‌اند.

دهها و دهها نمونه از شوراها و سندیکا‌هایی که در طی ماههای اخیر در کارخانجات و موسسات تولیدی کشور بوسیله کارگران ایجاد شده، نشان‌دهنده قدمهای اولیه‌ایست که طبقه کارگر ایران در راه تشکل خود بر میدارد. این چنین سازمان‌دهی‌هایی تاکنون منافع قابل توجهی برای کارگران داشته و آنها در سایه این تشکل خود توانسته اندگامهای قابل ملاحظه‌ای در کسب حق و حقوق خود از کارفرمایان بردارند.

اما نکته‌ای که مطرح میشود اینست که آیا سرمایه داران در مقابل تشکل کارگران ساکت نشسته و فقط عقب‌نشینی میکنند؟ طبعاً نه. از آنجاکه تمام ثروت و دارایی این انگلها از دسترنج کارگران بدست آمده، طبعاً از این ببعدهم با هر وسیله و از هر طریقیکه شده سعی خواهند کرد منافع خود را همچنان حفظ کنند. در این راه سرمایه داران از هر توطئه و نیرنگ و جنایتی فروگذار نمیکند. از همین روی، کارگران در حین متشکل شدن و سازمان‌دادن به خود باید این مسئله را همیشه در نظر داشته باشند و کاملاً هوشیار باشند که در هر قدم از مبارزاتشان دامی هست که کارفرما برایشان پهن کرده. یکی از این توطئه‌های شرم‌آور کارفرمایان دامیست که آنها بر سر راه ادامه فعالیت شوراهای کارگری بوجود می‌آورند این مسئله اخیراً در چند کارخانه مشاهده شده که ما بعنوان نمونه یکی از آنها یعنی شورای کارگری "تکنوکار" می‌پردازیم.:

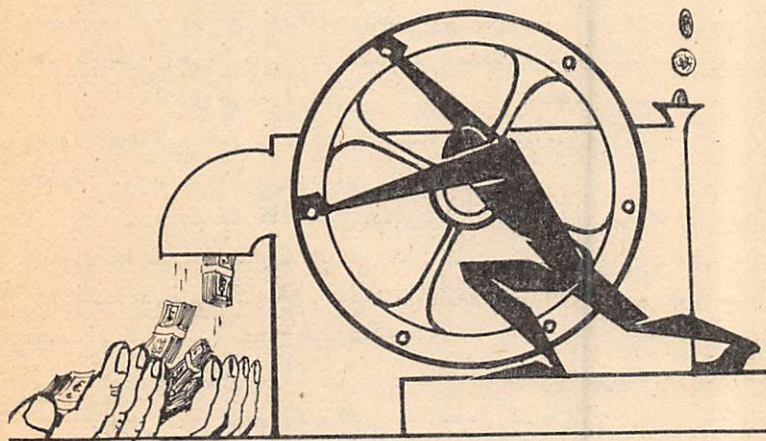


این شرکت درجاده کرج قرار داشته و حدود ۷۰ نفر کارگر دارد. تولید کارخانه تابلوهای کنترل الکتریکی و... میباشد. شعبه‌های دیگر این شرکت در تبریز، اصفهان و... قرار دارند نحوه کار با این صورت است که نیاز پروژه‌های ساختمانی به تابلوهای برق، با این شرکت

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

ساختمانی تیریز است که احتیاج به تابلوی برق دارند. حتی برخی پروژه‌های ساختمانی که خود شرکت در امور ساختمانی آن شریک بود، تعطیل شده است.

۲- مواد اولیه برای تولید کالاهای یافته و تا یکی دو ماه دیگر تمام خواهد شد. لازم به توضیح است که مواد اولیه از خارج از کشور وارد می‌شده و شرکت فقط مونتاژکننده است.



13-9-76

۳- با توجه باینکه تولید کارخانه شدیداً کم می‌شود، شرکت مجبور است تعداد زیادی از کارگران را اخراج کند که در این صورت رودر و ی شورای کارگری کارخانه و وزارت کار قرار می‌گیرد.

با توجه بمشکلات فراوانی که در موارد بالا دیدیم در سر راه کارفرما قرار دارد، کارفرمای حیل‌گر ب فکر توطئه‌ای می‌افتد تا بتواند این مشکلات را بنحو بهتری حل کند. در همین رابطه است که او، شورای کارگری کارخانه را که نماینده واقعی کارگران است، بر سر یک دوراهی قرار می‌دهد: یا تعطیل کارخانه، یا واگذاری اداره کارخانه بخودش و تا آنرا راه بیندازد.

حال ببینیم در صورتی که شورای کارخانه با بدست گرفتن امور کارخانه موافقت کند،

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سفرش داده می‌شود. عمده سفارشات این شرکت از پروژه‌های نیروی دریائی تامین می‌شد. اما از دی ۵۶ که بر نامه‌های ساختمانی نیروی هوائی درینا در مختلف تعطیل شده، اثرات منفی زیادی بر روی تولید این شرکت گذارده است. جریان از این قرار است که در او خراسفند ۵۷، کارفرما اعلام می‌کند که در طول عید کارخانه ۱۵ روز تعطیل است و بعد از ۱۵ روز که کارگران بسرکار باز- گشتند، در مورد خط مشی شرکت با شورای کارگری کارخانه صحبت خواهد کرد. بعد از تعطیلات عید، کارفرما مطرح می‌کند که بعلت فروش نرفتن کالاها، می‌خواهد کارخانه را تا اطلاع بعدی تعطیل کند. این امر با اعتراض شدید کارگران روبرو شده و در نهایت کارفرما پیشنهاد می‌کند که اداره

کارخانه و تولید آن را به دست شورای کارگری کارخانه بسپارد تا خود کارگران آنرا بچرخانند. این مسئله که برای کارگران شدیداً غیرمنتظره بوده، سوءظن آنها را بر میانگیزد و از آنجا که ماهیت دغلی کارخانه و روبه‌صفتانه کارفرمایان را بخوبی شناخته بودند، حدس می‌زدند که باید توطئه‌ای در کار باشد. در همین رابطه، شورای کارگری کارخانه به تحقیق در اطراف این پیشنهاد کارفرما می‌پردازد تا روشن کند که چه مسائلی موجب شده که کارفرما با این آسانی از خیر اداره کارخانه بگذرد و آنرا به شورا واگذار کند. شورا در تحقیقات خود با این نتیجه می‌رسد که:

۱- از آنجا که بیشتر پروژه‌های ساختمانی تعطیل شده، این شرکت منبع عمده فروش کالا- های خود را از دست داده و فقط پروژه‌های

جریان کاربکجا خواهد کشید؟

۱- کارفرما با روبروشدن با کارگران، شورای کارگری و وزارت کار را از روی دوش خود بر داشته و بردوش شورا میگذارد. در چنین حالتی با توجه به کمبود مواد اولیه و همچنین نبودن بازار فروش، تولیدکارخانه در حد کمی بسیار کمتر از گذشته بوده و در نتیجه شورانا چار خواهد شد برای اینکه بتواند کارخانه همچنان بکار ادامه دهد، تعداد زیادی از کارگران را اخراج کند. در صورتی هم که کارخانه ضرر کند و ناچار با تعطیل شود، این شورا است که در مقابل کارگران بیکار قرار گرفته و ناچار است مشکل آنها را حل کند نه کارفرما. باین ترتیب کارفرما ضمن اینکه مالکیت کارخانه را همچنان در دست دارد، مشکلات اداره آنرا عملاً بردوش شورا انداخته است. بعلاوه از پرداخت حقوق بکارگران هم راحت شده، چون این کار بردوش شورا قرار میگیرد.

کارفرما توطئه کنونی کار
تصدیریم پاشنای شورا را داشت.

۲- از یکطرف دولت فعلی طرفدار واقعی منافع کارگران نیست. این را بر ابراحتی میتوان از مخالفت دولت با شوراها و کارگری فهمید * چراکه دولت معتقد است که فقط این سرمایه داران هستند که میتوانند کارخانه را اداره نکنند نه خودکارگران. و درست بهمین دلیل است که از یکطرف با شوراها و نظارت آنها بر

(*) داریوش فروهر، وزیر کار، مهندس بازرگان، نخست وزیر و امیرانتظام سخرگویی دولت بارها و بارها به "شوراها" حمله کرده و آنها را "مسخره" خوانده اند و با طرحهای "خراب کننده" دانسته اند.

امور تولید و ... مخالفت میکنند و از طرف دیگر به سرمایه داران وام میدهد و میخواهد باز تسلط و زورگویی آنها را بر کارگران برقرار سازد. در حالیکه اگر دولت شوراها و نظارت آنها را بر امور تولید و ... کارخانه قبول کند و شوراها را برسمیت بشناسد، با توجه باینکه دولت مجبور است تعداد زیادی از پروژه های ساختمانی و ... را دوباره راه بیندازد، مشکل فروش کالانیز حل خواهد شد.

و از طرف دیگر شوراها و کارگری آنها چنان قدرتی ندارند که بخودی خود بتوانند اداره امور کارخانه را بدون کمک دولت در دست بگیرند. در نتیجه کارفرمای این کارخانه عملاً ناتوانی شورا را بدولت ثابت کرده و در مقابل دولت، خود را حق بجانب نشان میدهد. باین ترتیب کارفرما خواهد توانست دولت را وادار کند تا هرچه بیشتر در جهت هدفهای وی حمایت از وی قدم بردارد و در تدوین "قانون کار" جدید از او در مقابل کارگران حمایت کرده و منافعش را مانند گذشته تضمین کند (**)

۳- با توجه بآنچه که گفتیم، یعنی اینکه تولیدات کارخانه نه از لحاظ مواد اولیه تامین است و نه از لحاظ فروش بازار دارد و نه اینکه شورا میتواند از نظر مالی، کمکی، فروش و ... از طرف دولت حمایت شود، در نتیجه کارفرما با واگذار کردن اداره کارخانه و تولید آن به شورای کارگری، عملاً کارگران و شورا را بجان هم انداخته و موجب تفرقه میان آنها میشود و در نتیجه کارفرما ضمن

(**) وقتی صحبت از طرفداری دولت از این کارفرما و تدوین "قانون کار" جدید بر اساس منافع کارفرما صحبت میکنیم، منظورمان تنها همین کارفرمای تکنوکراتیست، بلکه کلیه کارفرمایان است که در مقابل شوراها و کارگری حربه مشترکی داشته و توطئه چینی میکنند.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دست گرفته و کارخانه "ملی" اعلام شود. سپس شورای کارگری بر تمام امورتولیدی و فروش و مسائل مالی و ... کارخانه نظارت داشته باشد بعبارت دیگر، مسئولیت هرگونه سودیا ضرر و پرداخت حقوق کارگران بعهده هیئت دولت می باشد که کارخانه را در دست دارد. ولی شورای کارگری کارخانه بر امور نظارت میکند و حتی بسته به قدرتی که میتواند داشته باشد، در قیمت گذاری کالا، نوع کالا و ... هم داخلت داشته باشد. البته شورای کارگری کارخانه حتما باید بر امور مالی کارخانه نظارت داشته باشد تا کارفرما نتواند مانند سابق بدخواه خود، سود ببرد. بلکه شورای کارگری باید بداند که کارخانه چقدر فروش و چقدر خرید دارد تا در این جریان، حق کارگران پایمال نشود.

در مقابل توطئه های کارفرما کارگران باید پشتیبان شورا باشند!

۲- در صورتیکه کارفرما میخواهد کارخانه را تعطیل کند، یا کارگران را اخراج کند یا اداره کارخانه را به شورا واگذار کند، شورای کارگری باید از هر وسیله ای برای رساندن این توطئه کارفرما بگوش دولت و مردم استفاده کند. شورای کارگری در این راه باید دست به هر نوع مبارزه ای از قبیل تحصن نشستن در محیط کارخانه، در وزارت کار، در خانه کارگر، در دادگستری، در رادیو تلویزیون، در نخست وزیری و ... بزند. همچنین راهپیمایی، ارتباط گرفتن با کارگران سایر کارخانه ها و کمک خواستن از آنها از جمله راههایی است که شورای کارگری کارخانه باید برای رسیدن به حق و حقوق کارگران از آنها استفاده کند.

اینکه بقول معروف گلیم خود را از آب بیرون کشیده، شورای کارگری راهم در نزد کارگران از اعتبار انداخته و در نهایت کارگران را از داشتن تشکیلات واقعی خودشان محروم میکند.

اینها رویاهاهایی است که کارفرما درواگذار کردن اداره کارخانه و تولید آن به شورای کارگری کارخانه درسمیپرورواند. کارفرمایان مسئله تعطیل کارخانه، نرسیدن مواد اولیه، فروش نرفتن کالاها و ... را با هدفهای موبدیان دیگری هم مطرح میکنند. آنها با این وسیله میخواهند کارگران را همیشه در بیم و هراس اخراج و بیکاری و در پردی نگهدارند. آنان از یکطرف بدی وضع بازار را به رخ کارگران می- کشانند و از طرف دیگر انبوه کارگران بیکاری را که برای پیدا کردن کار روز شماری میکنند و بدین ترتیب کارگران خود را و میدارند با حقوق اندک و مزایای کمتری همچنان بسمه استثمار شدن ادامه دهند و برنیاورند.

و اما وظیفه کارگران و شورای کارگری کارخانه در مقابل این توطئه ننگین کارفرما چیست؟

۱- شورا های کارگری که تا بحال بوجود آمده اند، اولیه هیچوجه از حمایت دولت برخوردار نیستند. ثانیاً هنوز این شوراها آنقدر رشد و گسترش پیدا نکرده اند تا از درون آنها شورای سراسری بوجود آمده باشد، و این شورای سراسری که رشته های مختلف صنعتی را شامل میشود از طریق ارتباطات مابین شورا های رشته های مختلف، مشکلات آنها را از لحاظ تهیه مواد اولیه و بازار فروش و ... حل کند.

با این ترتیب شورا های کارگری در شرایط فعلی بهیچوجه نباید گول حقه های کارفرمایان را خورده و حاضر شوند که اداره کارخانه و تولید را در دست گیرند. بلکه اگر کارفرما به علی نمیخواهد کارخانه را اداره کند، باید هیئتی از طرف دولت اداره کارخانه را در

۳- در این راه، کارگران باید از هرگونه... حمایت و پشتیبانی از شورای واقعیشان خود... داری نکنند و با تمام نیرو و همگی در پشت سرشورا جمع شده و آنها در مبارزاتش یاری کنند. کارگران کارخانه باید همیشه از کارها و فعالیتهای شورا خبر داشته و در جریان آن

باشند تا اگر یک موقع لغزش یا انحرافی در شورا دیدند، بلافاصله جلوی آنها بگیرند. تنها در این صورت است که میتوان تو... طئه، خائنه و کثیف کارفرمایان را خنثی کرده و شوراها را کارگری با قدرت هرچه بیشتری، به حیات خود ادامه دهند.

پیش بسوی بر ملا کردن و خنثی کردن توطئه های ضد کارگری کارفرمایان!
پیش بسوی حمایت و پشتیبانی هرچه فعالتر از شوراها و واقعی کارگری!



کارگران باید بوسیله شورا بر امور مالی و استخدامی کارخانه نظارت داشته باشند!

سرمایه داران همیشه دستمزد کارگران را در پایین ترین حد نگه میدارند و بهانه میآورند که اگر دستمزدها بالا برود ضرر خواهند کرد. در حالیکه حقوقهای گرانی به مدیران، مهندسان و عدهای از کارمندان پرداخت میشود.

کارگران شاق ترین کارها را انجام میدهند و تولید کارخانه بر دوش آنها قرار دارد ولی کمترین دستمزد را دریافت میدارند که حتی کفاف زندگی بخور و نمیر آنها را نیز نمیکند.

اما سرمایه داران افرادی را بعنوان سرپرست و فرس انتخاب میکنند تا بر کار کارگران نظارت داشته باشند و کوچکترین حرکات آنها را گزارش دهند و همچنین هرچه بیشتر از کارگران کار بکنند و سود بیشتری برای کارفرما تولید کنند. در مقابل این خونخواری آنها، حقوق گرانی نیز بآنها پرداخت میکنند. وظیفه شورای کارگران است که اینگونه افراد اضافی را که هیچقشی در تولید ندارند، بکار تولیدی وادارند و از پرداخت حقوقهای گرانی به مهندسان، مدیران و... جلو گیری کنند.

اداره، نظم کارخانه باید بعد از خودشوراها باشد تا در هر قسمت بکنفر از کارگران را با حقوق برابر با سایر کارگران، مأمور حفظ نظم کارگاه کنند.

شورای کارگران باید بر تمام مدارک خرید و فروش کارخانه نظارت داشته باشند تا بتوانند از دردیها و رشوه خوارهایی که همیشه بوسیله مقامات کارخانه انجام میشود جلوگیری کند و مقدار سود کارخانه برای کارگران روشن باشد.

شورای کارخانه باید بر اخراج کارگران نظارت داشته باشد تا از اخراج کارگران مبارز بوسیله کارفرما جلوگیری شود.

پیروز بیاد مبارزات طبقه کارگر
" سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر "

اسفند ۱۳۵۷

نراکت شماره ۳۴

تورم و تاثیر آن بر زندگی کارگران

رفقای کارگر!

مسائلی را که ما در این قسمت از نشریه و تحت عنوان "درسهایی از اقتصاد دوسویالیستی" مطرح میکنیم و شرح میدهیم، مسائلی هستند که مربوط به زندگی روزانه کارگران بوده و هر کاری در هر لحظه از زندگی با آنها روبرو میشود. از آنجاکه رهایی کارگران از قید و بند سرمایه داران و نجات کارگران از زورگوییها و حق کشیهای که در هر لحظه از زندگی شان به آنها میشود، جز از راه آگاه شدن، متشکل شدن و مبارزه برای نابودی نظام سرمایه داری امکان پذیر نیست. از همین جهت، ما در این نشریه، دو قسمت مهم را همیشه دو مورد، یعنی آگاه شدن و متشکل شدن کارگران اختصاص داده ایم. طبقه کارگر تا از ریشه دردها و رنجهایی که میکشد، آگاه نشود و نداند که سرچشمه اصلی بدبختیها و نابسامانیهای او از کجاست، طبقه کارگر تا وقتی که بوسیله یک مبارزه انقلابی، عامل اصلی محرومیتهاش را که همانا نظام سرمایه داری است، نابود نکند، لحظه ای نخواهد توانست روی آسایش و راحتی را ببیند. ما در این بخش سعی مان برای این است که تا آنجا که میتوانیم، ریشه مشکلات و رنجهای طبقه کارگر را شرح داده و بعلاوه آن سیستم و حکومتی را هم که در صورت روی کار آمدن در جامعه میتواند باین مشکلات خاتمه دهد، شرح دهیم.

در مقاله ای که در این شماره تحت عنوان "تورم و تاثیر آن بر زندگی کارگران" آغاز میکنیم، هدف ما شکافتن ریشه این مساله و سپس نشان دادن آن راه حل عملی و اساسی است که میتواند کارگران را برای همیشه از دست آن خلاص کند.

تعریف تورم

بطور خلاصه، "تورم" یعنی "کم شدن ارزش پول" تورم یعنی: "اضافه شدن و زیاد شدن پول در دست مردم، بدون اینکه جنس دریا زار اضافه شود و این پول اضافی عمل نتواند مشکلی را حل کند".

مثلا ما در زندگی روزانه خود میبینیم که با مقدار زیادی پولهای ریز و درشت برای

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دستمزدها نشان مبارزه میکردند. سرمایه‌داران مکار و جنایتکار از یکطرف میدیدند که نمیتوانند هرقدر که دلشان می‌خواهد از مزدکارگران کم کنند، و از طرف دیگر حرص جمع کردن پول هرچه بیشتر لحظه‌ای آنها را راحت نمیگذاشت و دائماً در این فکرند که از هراهی که ممکن است سود بیشتری به جیب بزنند. سرمایه‌داران وقتی مجبور میشدند در مقابل مبارزات کارگران مقداری به مزد آنها اضافه کنند، برای جبران آن، بیبانه‌های مختلف مثل بالارفتن مزدها، بالارفتن هزینه تولید (که مزدهم جزو آن حساب می‌کنند) بالارفتن مصرف دربار و... قیمت کالاها را زیاد میکردند. که این بالارفتن قیمتها از یکطرف اضافه دستمزدی راهم که کارگران گرفته بودند، بی‌خاصیت میکرد و از طرف دیگر چون کارگران مجبور بودند که اجناس را بقیمت بیشتری بخرند تنه‌زبانی به سودسرمایه دارنمیزند بلکه گاهی آنها بیشتر هم میکنند، یعنی هم از طریق استثمار کارگران درکارخانه و هم از طریق دیگری، یعنی از راه بالا بردن قیمت کالاها، کارگران را میچاپیدند.

عامل اصلی تعیین ارزش کالاها، میزان کاری است که بر روی آن میشود تا کالا ساخته شود.

سرمایه‌داران برای بالا بردن قیمت کالاها از هراهی استفاده میکنند. مثلاً کالاها را انبار میکنند و نمیگذارند که اجناس به اندازه کافی وارد بازار شود. کمبود کالاها در بازار باعث میشود که خریداران زیاد شده و مردم ناچار شوند که برای خرید آن پول بیشتری بپردازند. یا از آنجا که سرمایه‌داران همیشه به "سود" فکر میکنند، و به هیچوجهی در فکر بر آوردن و تامین نیازمندیهای مردم نیستند،

خریداجات خود به بازار میرویم. ولی چون اجناس موردنیازمان در بازار کم و خیلی گران است، عملاً نمیتوانیم وسایل موردنیاز خود را بخریم. علت این مساله چیست؟

مردم خودشان علت این مساله را خیلی خوب تعریف میکنند. آنها وقتی نمیتوانند بسیاری از وسایلی را که بآنها احتیاج دارند، بخرند، میگویند: "ای بابا، پول هم دیگه بی ارزش شده" و یا "برکت پول از بین رفته...". چندسال پیش وقتی یک دانه نون لواش می خریدیم، اندازه اش خیلی بزرگتر از حالا و قیمت آن هم فقط ۵ ریال بود. ولی حالا همون نون لواش کوچکتر شده، تازه قیمتش هم ۸-۷ ریال شده. "پول ارزش نداره" درست هم همین است چون ارزش پول کم شده، در نتیجه برای خرید مقداری کالا باید پول بیشتری بدهیم. همین کم شدن ارزش پول را "تورم" میگویند.

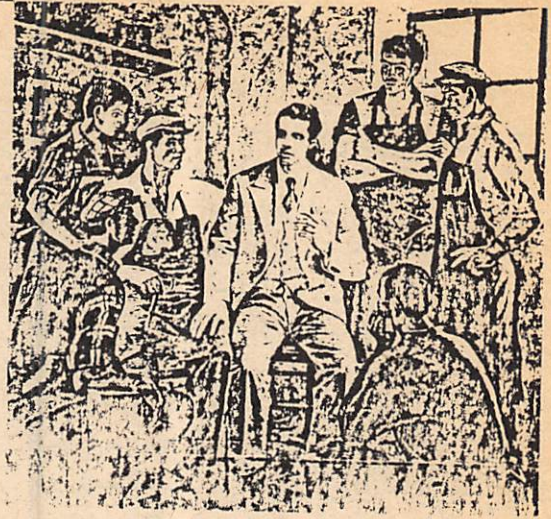
اما برای اینکه از تورم بیشتر سبب در بیاریم و بفهمیم که اصلاً تورم چگونه بوجود می‌آید، باید قدری عقب برگردیم و برای این که ما می‌خواهیم این مساله را در نظام سرمایه‌داری بررسی کنیم، از ابتدای نظام سرمایه‌داری به بررسی آن میپردازیم.

در سالهای اولیه‌ای که ماشین و صنعت جدید بوجود آمد و در نتیجه تولید کالاها به تدریج بجای اینکه با دست صورت بگیرد، به وسیله ماشین انجام میشد، نظام ارباب و ورعیتی نتوانست دوام بیاورد، انقلابها و تحولات باعث شد که فئودالها (اربابها و زمیندارها) جای خود را به سرمایه‌داران و صاحبان کارخانه‌ها بدهند.

سرمایه‌داران همیشه سعی میکرده اند که مزدکارگران را هرروز به بهانه‌های مختلف کم کرده، تا سود خودشان اضافه کنند. در مقابل کارگران نیز آرام نمی‌نشستند و هرروز و هر ساعت با مبارزات پیگیر خود، جلوی کم شدن دستمزدها و خود را می‌گرفتند و همیشه برای افزایش

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

ژاكت ميبافتا در زمستان بمصرف اعضاى خانواده برسد. اين ژاكتها كالا نيستند. ولى اگر همين خانواده ژاكتها را براى فروش به بازار بياورد، و آنها را براى كسب سود و تبديل آنها به پول بفروشد، اين ژاكتها ديگر "كالا" هستند. پس "كالا" دوتوع ارزش دارد. يكي ارزش مصرف و ديگرى "ارزش"، در جامعه سرمايه دارى، سرمايه داران كالاهاى توليديشان رانه بخاطر ارزش مصرف، بلكه به خاطر سود و كسب "ارزش" توليد ميكنند. ما هم محبتمان روى همين "ارزش" نوع دوم است. چه چيزى ارزش يك كالا را تعيين ميكند؟



سرمايه شان را فقط در جائي بكار مياندازند كه سود بيشتري برايشان داشته باشد. بهمين دليل ما بطور دائم با اين مساله روبرو هستيم كه امروز يك كالا در بازار فراوان است و كالاى ديگر پيدا نميشود و قيمت گراني دارد و فردا يك كالاى ديگر ...

اين سئوال است كه شايد براى خيلى زكارگران مطرح باشد. آيا اهميت و فايدهء يك كالا ارزش آنرا معين ميكند و ما هر قدر بيك كالا بيشتتر احتياج داشته باشيم، بهمان نسبت هم ارزش آن كالا گرانتراست. اما آيا واقعاً همينطور است؟ مسلمانها! چون براى بشر هوا، نان و آب بيشتتر از هر چيزى اهميت دارد. ما اگر طلا و جواهرات نداشته باشيم، هيچ طوري مان نميشود. در صورتيكه اگر چند روز آب و نان نخوريم و يا چند دقيقه هوا بمان نرسد، از گرسنگي و تشنگي ميميريم و يا خفه ميشويم. پس مى - بينيم كه اهميت هوا، نان و آب براى ما خيلى بيشتتر از طلا و جواهرات است. در حاليكه مى بينيم ارزش يك كيلومتر طلا و ارزش يك كيلومتر هوا كه اصلاً با هم قابل مقايسه نيستند. يا مثلاً هوا كه اصلاً ارزشى ندارد.

اما ببينيم چرا اصولاً ارزش پول كم ميشود؟ و چطور ميشود كه ما در مقابل زياد شدن قيمت كالاها ميگوئيم "پول هم ديگه بى ارزش شده". براى روشن شدن اين مساله، اول بايد معنى كالا، ارزش و "پول" را بفهميم و بدانيم كه كالا، "ارزش" و "پول" يعنى چه؟

كالا و ارزش

از مثال هوا ميتوانيم باين نتيجه برسيم كه بعضى از چيزها در حاليكه ارزش مصرفى حياتى دارند، ولى "ارزش" پولسى ندارند. خيلى از كالاهاى ديگر هم هستند كه اگر چه براى ما اهميت بسيار زيادى دارند، اما ارزش آنها خيلى كمتر از كالاهاىي است كه براى ما اهميت چندانى ندارند. مثلاً ارزش يك كيلو گوشت، يك كيلووات برق، يك كيلومتر، يك كيلوچاي و ... از ارزش يك تلويزيون، يك

وقتي يك فرد يك شىء را براى رفع نيازهاى خود و خانواده اش توليد ميكند و آنرا بمصرفى رساند، اين شىء هنوز كالا نيست. ولى وقتى كه فرد يا خانواده و يا كارخانه دار اشياء را براى فروش در بازار و تبديل آنها به پول و سرمايه توليد ميكند، اين اشياء را كالا ميگوئيم. مثلاً يك خانواده از پشم گوسفندان، تعدادى

ارشيو اسناد سازمان پيكار در راه آزادى طبقهء كارگر

تا بلوی نقاشی و... خیلی کمتر است. در حالیکه اولیها برای ما اهمیت خیلی بیشتری زد و میها دارند.

پس می بینیم که این اهمیت و میبازان احتیاج ما بیک کالانیست که ارزش آنرا تعیین میکند.

آیا کمی وزیادی یک کالا در بازار را ارزش آنرا تعیین میکند؟

در بازار، گاهی مواقع کمبود و تقاضای بیش می آید تا جایی که بزمحت میتوانیم نیم کیلو قند گیریم و بیا کمبود گوشت. در حالی که در همان موقع جای در بازار بسیار فراوان است. در یک چنین موقعی اگر عامل اصلی تعیین ارزش کالا، کم و یا زیاد آن باشد، بطور طبیعی باید قیمت قند و گوشت بیشتر از جای باشد، چون گوشت و قند خیلی کم است و در عوض جای زیاد است. ولی هیچوقت ارزش یک کیلو قند بیشتر از یک کیلو جای نمیشود. یا مثلا در یک زمان در بازار هم شکر زیاد است و هم نمک. اما این به آن معنی است که ارزش و قیمت این دو کالا با هم بیک اندازه باشد؟ می بینیم که هیچوقت اینطور نیست.

پس با این نتیجه میرسیم که وزیادی و کمی مقدار یک کالا هم عامل اصلی تعیین ارزش آن کالانیست. البته مسلم است که اگر کالائی در بازار زیاد شد، قیمت آن کم میشود و یا برعکس، اگر کالائی کم شد، قیمت آنهم زیاد میشود. ولی هرکالا همیشه یک ارزش معینی دارد که گاهی هم ممکنست کمتری یا بیشتر از قیمتش باشد. این ارزش معین را عامل دیگری تعیین میکند.

این عامل که ارزش کالاها بوسیله آن تعیین میشود، چیست؟

اگر به مثالهای بالادقت و توجه کنیم، می بینیم آنچه که عامل اصلی تعیین ارزش اجناس است، میزان کاری است که بر روی آن میشود تا آن کالا ساخته شود و به بازار عرضه گردد.

بعبارت دیگر ما برای ساختن یک کالاهر قدر بیشتر نیروی کار صرف کنیم و بیشتر روی آن وقت بگذاریم، بهمان نسبت هم ارزش آن کالا بیشتر میشود. (البته این مساله نباید این فکر را بوجود آورد که مثلا از بین دو نفر که یک کار را انجام میدهند، یکی تنبل تر و با مهارت کمتر و دیگری زرنکتر و با مهارت بیشتر است، وقتی که هر دو یک کالا را تولید کردند، کالای نفر ارزش بیشتری دارد. چون برای تعیین ارزش یک خدمت متوسط، از مهارت و سرعت کار و... را میگیرند و از روی میزان آن ارزش کالا را تعیین میکنند).

حال وقتی به مثالهای قبلی هم توجه کنیم، بخوبی برایمان روشن میشود که چرا عامل اصلی تعیین ارزش کالاها، مقدار کاری که روی آنها انجام شده میباشد. مثلا آب با

رئالی کارگران جز از راه آگاه شدن، شکل
شدن و مبارزه برانرا بود نظام سرمایه دار امکان پذیر نیست

وجودی که برای انسان اهمیت فراوان دارد، ولی چون بشر برای تولید آن زحمت زیادی نمی کشد، ارزش آن خیلی کم است. اما طلا و جواهرات با وجودی که بشر آنها احتیاجی ندارد، قیمتشان بسیار گران است، چرا که بشر برای استخراج، تصفیه و... آنها بشکر کار زیادی را متحمل میشود. و یا شکر که همیشه گرانتر از نمک است. حتی اگر در یک زمان هر دو به یک اندازه در بازار باشند، چون نمک را براحتی می شود بمیزان زیاد از سنگ نمک و یا دریاچههای شور تهیه کرد و به بازار آورد. در حالیکه برای تهیه شکر باید در مزارع نیشکر کاشته شود و این نیشکر در کارخانه مراحل مختلفی را طی کند تا تبدیل به شکر شود.

این بمعنی این است که ارزش یا عبارت دیگر کاری که برای ساختن یکدست لباس و ۲۰ گرم طلا و یک گلیم انجام شده، مساوی هم هست. اما قیمت همیشه نشانه‌دهنده ارزش حقیقی یک کالا نیست. چون در مورد قیمت و مقدار قیمت کالاهای عوامل دیگری از جمله بازار و کمی و زیادی اجناس در بازار بسیار موثرند. قیمت‌ها همیشه میتواند کمی بیشترین کمترین ارزش واقعی کالاهای باشند. مثلاً یک کیلو قند با توجه به میزان کاری که صرف ساختن آن شده است، کیلوئی ۳۰ ریال تعیین میشود. اما وقتی این قند در بازار کم شود، قیمت آن از ۳۰ ریال بیشتر میشود به ۳۵ یا ۴۰ ریال میرسد. یا اگر مقدار آن زیاد شود، قیمت آن کمتر شده و به ۲۸ یا ۲۶ ریال میرسد.

بهمین دلیل، نوسانات بازار و عرضه و تقاضا است که گاهی ما قیمتی برای کالاهای دهیم که بسیار بیشتر از ارزش آنست و گاهی هم بدلیل فراوانی، قیمت کمتری از ارزش آن میپردازیم که این دومی خیلی خیلی کم اتفاق میافتد. چون سرمایه داران با اعمال نفوذی که دارند، با احتکار و انحصاری کردن کالاها از ورود آنها به بازار جلوگیری میکنند و نمیگذارند که کالاهای ارزان شوند.

پس پولی که ما بابت خرید اجناس می‌دهیم تنها بیان کننده ارزش کالاهای است ولی بهیچ وجه نشانه‌دهنده ارزش حقیقی آنها نیست. و حالا بمسأله پول و اینکه چگونه بوجود آمده است، می‌پردازیم.

پول

پولی که اکنون در خرید و فروشهای خودمان از آن استفاده میکنیم، در ابتدا بهمین

برای اینکه روشن شود منشأ اصلی ارزش کالاست، مثالی میزنیم. یک میز چوبی چگونه ساخته میشود؟ مقداری چوب توسط یک کارگر بریده میشود، رنده میشود، با میخ روی هم سوار میشود و سپس رنگ شده بصورت یک میزدر میآید. بنا براین از ترکیب چوب، رنگ، میخ و کاری که کارگر انجام داده (و این مهمترین قسمت آنست) یک میز تولید میشود. اما خود چوب چگونه بدست آمده است؟ میخ و رنگ چگونه تولید شده‌اند؟... چوب مورد استفاده با بریدن درخت از جنگل بدست آمده. یعنی کارگر با کسار خود یک محصول طبیعی بنام درخت را تبدیل به کالائی بنام چوب کرده است. یعنی تخته، از ترکیب کار و درخت (طبیعت) پیدا شده است. میخ و رنگ نیز همینطور بوسیله کارگر تهیه شده. که کارگر نجات از مجموعه اینها بعلاوه مقدارکاری که روی آنها انجام داده، میز را درست میکند. میزی که دارای ارزش است و در بازار خرید و فروش میشود. بهمین دلیل نیز منشأ اصلی ارزش همان کار است.

بها، ارزش

معمولاً ارزش یک کالا بوسیله پول بیان میشود. و همان قیمت و بهائی است که روی کالاها میگذارد و عبارت دیگر، بها یا قیمت، عبارت است از بیان ارزش بوسیله پول. البته بین ارزش و بها یا قیمت فرق اساسی وجود دارد. ارزش همانطور که دیدیم یک واقعیت اجتماعی است که ناشی از کار اجتماعی میباشد که برای تولید کالاهای انجام میگیرد. کالاهای در رابطه با ارزششان هستند که در بازار با یکدیگر قابل مبادله‌اند. مثلاً وقتی که یکدست لباس را با ۲۰ گرم طلا یا یک گلیم مبادله میکنیم،

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

و نقلش مشکل بود و هم فاسد و خراب میشد ، از فلزات کمیابی مثل نقره و طلا استفاد ه کردند. مثلاً حساب کردند که برای بیرون آوردن یک گرم طلا باید آنقدر کار کرد که مثلاً برای تهیه ۱۰ کیلوگندم و یاسه متر پارچه و از آن زمان دیگر برای خرید گندم پوست گاو نمی دادند، بلکه طلا میدادند. مثلاً :

$$= \left\{ \begin{array}{l} ۱۰ \text{ کیلوگندم} \\ ۳ \text{ متر پارچه} \\ ۲ \text{ کیلو گوشت} \\ ۱ \text{ عدد پوست} \end{array} \right.$$

= یک گرم طلا

در این حالت اگر کشاورزی ۱۰ کیلوگندم اضافی داشت ، دیگر دنبال پارچه فروش و یا ... نمی رفت ، بلکه ابتدا ۱۰ کیلوگندم خود را بکسی که گندم احتیاج داشت میداد و یک گرم طلا میگرفت و بعد خیلی راحت با یک گرم طلای خود ، هر نوع کالایی که احتیاج داشت ، مثلاً سه متر پارچه را میخرید .

با توجه به توضیحات بالا میتوانیم پول را اینطور تعریف کنیم :

پول ، کالایی است که بوسیله آن میتوان ارزش کلیه کالاهای دیگر را نشان داد .

مثلاً وقتی میگوئیم: یک ضبط صوت ، یک سکه طلا میارزد . یعنی ارزش ضبط صوت را ب سه وسیله سکه طلا میسنجیم . بدین معنا که کار لازم برای تولید ضبط صوت برابر است با کاری که لازم است تا یک سکه طلا تهیه شود .

از بحث فوق نتیجه میگیریم که پول فلزی طلا و نقره که وسیله سنجش دیگر کالاها می باشد ، خودش نیز دارای ارزش واقعی میباشد . ممکن است در اینجا این سوال مطرح شود که وقتی ما یک ضبط صوت را در مقابل ۵۰۰ تومان پول کاغذی بدست میآوریم ، آیا یک ورقه ۵۰۰ اسکناس ، ارزشی برابر با ارزش یک ضبط صوت را دارد؟ یعنی برای تهیه یک اسکناس ۵۰۰ تومان ، همان مقدار کاری انجام

شکل نبوده بلکه با شکل دیگر و با نقش دیگری بود که کم و بتدریج تکامل پیدا کرده و به شکل امروزی خودش درآمد .

در هزاران سال قبل ، یعنی وقتی که هنوز "پول" بوجود نیامده بود ، انسانها برای رفع نیازمندیهای خود ، یک کالا را با کالای دیگر عوض و بدل میکردند . مثلاً یک نفر که کاشر کشاورزی بود و گندم تولید میکرد ، چون همه

**اسکناسها بدو نیشپوشان که بوسیدند و تنها سرمایه
دار چرب میشوند ، یکی از اصل اصلی قوم است .**

گندم را خودش نمیتوانست مصرف کند و از طرف دیگری به وسایل دیگری مثل کفش ، لباس و ... احتیاج داشت ، آن مقدار از گندمش را که اضافی بود ، با وسایل دیگر مورد نیازش عوض میکرد . بعدها برای اینکه کار مبادله (عوض کردن) کالاهای آسانتر شود ، یک کالا بعنوان محک و معیار خرید و فروش انتخاب کردند . مثلاً بطور قراردادی یک پوست گاو و راد عرض ۱۰ کیلو گندم و یا ۱ کیلو کره و یا ... انتخاب کردند این قرارداد را مردمان آن سالها قبلاً داشته و مثلاً برای خرید یک فرش ، ۵۰۰ پوست گاو میدادند . یا برای خرید ۳ متر پارچه ، یک عدد پوست گاو میدادند . بعبارت ساده تر پوست گاو در آن زمان ، همان نقشی را بازی میکرد که امروز پول بازی میکند .

این قرارداد بطور اتفاقی نبود . یعنی مردم همینطور بدلقوا خودشان آنرا درست نکرده بودند . مردم آن زمان حساب کرده بودند که برای تهیه یک پوست گاو و باید آنقدر کار کرده برای تهیه ۱۰ کیلوگندم و یاسه متر پارچه .

ولی بعدها که بشر توانست فلزات را از دل زمین بیرون بکشد ، بجای پوست گاو که هم حمل

ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

ادارهٔ امور دولت و نگه داری وزارتش و پولیس و... افرادی را که در تولید نقشی نداشتند و هزینه‌های اضافی جنگها و... را جبران کنند برای اینکه احتیاجشان را به پول تأمین کنند، شروع به چاپ اسکناسهایی که پشتوانه ای در خزانه و تولید نداشت، کردند. بدین ترتیب ماشینهای چاپ اسکناس بکار افتاد و مقدار زیادی اسکناس چاپ کردند که هیچ پشتوانه "ای" نداشتند. درست از همین موقع و باین دلایل بود که ارزش پول بتدریج کم میشد. چرا که میزان پول چاپ شده بیشتر از میزان طلای ذخیره شده بود. دیگر ما اگر در مقابل ۵۰۰ تومان پول میتوانستیم یک دستگاه ضبط صوت بخریم، حالا دیگر ناچار بودیم با ۸۰۰ تومان ضبط صوت را خریداری کنیم. در صورتیکه ارزش واقعی ضبط صوت بخاطر کاریکه روی آن میشد، در هر دو موقع یکسان بود، ولی ارزش پول ما کم شده بود. در نتیجه ناچار بودیم در مقابل خریدن همان کالا، پول بیشتری بپردازیم.

مثال دیگری میزنیم. وقتی رفیق کار- کری مثلا در سال ۵۴ به بازار میرفت تا یک کیلو برنج بخرد، ۶ تومان میداد. اما آنجا که بتدریج ارزش پول کم شده و در مقابل بالارفتن مصرف، تولید اضافه نشده و پول اسکناس بدون پشتوانه هم چاپ شده، اکنون همان یک کیلو برنج را باید ۱۲ تومان بخرد. میزان کاری که برای تهیه این برنج در سال ۵۴ و حالا انجام میشده، فرقی نکرده. شاید بدلیل پیشرفت ابزار کار کمتر هم شده باشد. اما مزدی که رفیق کارگر ما در سال ۵۴ دریافت

گرفته است که برای تولید یک ضبط صوت انجام گرفته است؟

مسلماً جواب منفی است. پس چرا ایند و بیا یکدیگر مبادله میشوند؟ برای اینکه جواب این سؤال را بدهیم باید قدری به عقب برگشته و تاریخ تبدیل طلا به پولهای سکه ای و اسکناس را بررسی کنیم.

قبلاً گفتیم که طلا و نقره در خرید و فروش کالاها، بعنوان پول بکار میرفتند. کم کم به علل مختلفی از جمله سائیده شدن سکه‌ها، سنگینی سکه‌ها و مشکل حمل و نقل آنها و... بعضی از دولت‌ها بجای طلا و نقره پول کاغذی را به جریان انداختند. بدین ترتیب که آمدند و پولهای طلا و نقره را در جایی بنام "خزانه" جمع کردند و بعضی آن، کاغذهای دست مردم دادند که روی آن مقدار طلا و نقره‌ای که به خزانه داده شده بود، نوشته میشد. مثلاً بجای ۵ گرم نقره، کاغذی در دست مردم بود که رویش نوشته شده بود، این کاغذ معادل ۵ گرم نقره ارزش دارد.

ابتدا پولهای کاغذی کاملاً قابل تبدیل به طلا بودند و هر کس هر وقت میخواست، میتوانست اسکناسهای خود را بخزانه طلا و جواهرات برده و به همان اندازه طلا و یا نقره دریافت کند.

از این زمان به بعد، اسکناسها اگر چه خودشان کاغذ بودند و ارزشی نداشتند، ولی میتوانستند با کالا مبادله شوند. مثلاً در مثال ما یک اسکناس ۵۰۰ تومانی از آنجا که نماینده همان مقدار طلا است، قابل مبادله با یک دستگاه ضبط صوت میباشد.

تا موقعی که دولت‌ها با اندازه مقیدار طلای موجود، اسکناس چاپ میکردند، در نتیجه همه اسکناسهای چاپ شده، قابل تبدیل بطلا بودند، هیچوقت ارزش پول کم نمیشد ولی بعدها بتدریج که دولت‌ها بزرگتر شدند، سرمایه داری رشد کرد و دولت‌ها مجبور شدند برای

* اعلام همبستگی گروه کارگران معدن مس سرچشمه کرمان با کارگر، پیش * *

در شرایطی که ماههاست واحدهای مختلف تولیدی تعطیل شده و میلیونها کارگر میهن ما ماههاست حقوقی دریافت نکرده اند، این مبلغ برای ما ارزش معنوی بس والاگرا نقدی دارد. کمک و اعلام همبستگی گروهی از کارگران مبارز معدن مس سرچشمه کرمان، نشانه دهنده اینست که "کارگر، به پیش" توانسته است تا حدودی در واقعهی کارگران میهن ما را منعکس کند.



بدنبال توقیف نشریه "کارگر، به پیش" شماره ۲، تعدادی از کارگران مبارز معدن مس سرچشمه کرمان، عمل توقیف نشریه را محکوم کردند. رفیق کارگری که به نمایندگی از طرف این کارگران به تهران آمده بود، همبستگی گروهی از کارگران این معدن را با نشریه "کارگر، به پیش" اعلام نموده و مبلغی پول را که بوسیله این کارگران جمع شده بود، بعنوان کمک مالی، در اختیار سازمان گذارد.

دستمزد کارگران بالا رفتن هزینه ها باید افزایش یابد!

در نظام سرمایه داری هزینه زندگی، قیمت مواد خوراکی و پوشاک و... مرتبا بالا میرود. در عین حال کارفرمایان سعی میکنند که حقوق کارگران را ثابت نگه دارند و فریبکارانه وانمود میکنند که افزایش دستمزد کارگران موجب افزایش تورم میشود. در حالیکه عیش و نوشها و ولخرجیهای سرمایه داران غارتگر بیش از هر چیز به افزایش تورم دامن میزنند.

کارگران خواهان بالا رفتن دستمزد متناسب با افزایش هزینه زندگی می باشند تا بدینوسیله از فقر روزافزون خود جلوگیری کنند.

مستحکم باد اتحاد و همبستگی کارگران!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تراکت شماره ۲۹

۰۷/۱۲/۱۳

نکنیم، قدرت خرید وی ۵٪ کم شده و به نصف رسیده است. معنی تورم هم دقیقا همین است. رفقای کارگر!
حال که تا حدودی معنی "تورم" را فهمیدیم از شماره دیگر نشریه، به شرح علل اساسی بوجود آمدن تورم پرداخته و عوامل مختلف را که در جامعه موجب میشوند تورم بوجود آید بررسی میکنیم!
بیروزیاشید.

میکرد، با مزدی که اکنون دریافت میکنند، فرق میکند. یعنی ۶ تومان پولی که این کارگر ۴ سال پیش میداد تا یک کیلو برنج بخرد، حالا دیگر شش تومان ارزش ندارد، بلکه در واقع فقط باندازه ۳ تومان سابق ارزش دارد. بهمین جهت هم هست که این کارگر ناچار است برای خرید برنج دو برابر پول بپردازد. بعبارت دیگر، اگر افزایش دستمزد ناچیز این کارگر را در طی ۴ سال اخیر حساب

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

قطعاً مرگ کارگران نانواپی تاقموتن بر تهران

برادران کارگروزمحتش!

روز سه شنبه ۲۲ اسفند تمام برادران کارگرما درسندیکای مرکزی خبازیههای تاقموتنی برای دومین بار اجتماع کردند تا اعضای شورای موقت خود را انتخاب کنند با رأولی که تمام کارگران برای انتخاب اعضای شورای موقت در محل سندیکا جمع شده بودند، عدهای از کارفرمایان و اعضای هیئت مدیره سندیکای شاهنشاهی (علی رسولی رئیس هیئت مدیره و محمدهاشمی و اکبرجوشهخانی کارفرما و بقیه اعضای این هیئت مدیره، که یا کارفرما هستند و یا دست نشانده آنها) جلسه را بهم زدند. اعضای هیئت مدیره در طول سالهایی که درسندیکای ما فعالیت میکردند، بجز خیانت به کارگران و خوردن حق آنها و خدمت کردن به کارفرماها و دولت و ساواک و شاه مزدور کار دیگری نکردند. این خائنین کوچکترین حرف و اعتراض ما را به ساواک و اربابانش گزارش میکردند و کارگران مبارز را بعنوان اخلالگرو عامل استعمار سرخ و سیاه از کار اخراج و حتی در زندان ساواک شکنجه میکردند. و حال که کارگران می خواهند سندیکای ضد کارگری شاهنشاهی را منحل کنند و نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند، کارفرمایان زالوصفت یکمک هیئت مدیره سندیکای ضد کارگری و کارچاق کنهایشان میکوشند از هر طریق که شده مانع کارما شوند.

اعضای خائن سندیکای ضد کارگری تا دیروز جاوید شاه میگفتند و با اسم کشیف شاه جلاد بر کارگران مسلط شده بودند و ما را استثمار میکردند، امروز هم که مبارزه کارگران و زحمتکشان میهن ما باعث فرار شاه خائن و روی کار آمدن دولت موقت با رزگان شده است این خائنین می خواهند دوباره به نام امام خمینی، ما را استثمار کنند و بر ما مسلط شوند و تشکیلات کارگری ما را غصب کنند. آنها که میدانند اگر نمایندگان واقعی کارگران، تشکیلات خودشان را بوجود آورند، با انگلهای کشیف مثل آنها احتیاج ندارند و آنها دیگر نمیتوانند مثل سابق خون و حق ما را بخورند، میکوشند تا با ایجاد اخلال و بی نظمی نگذارند کارگران از میان خودشان مبارزترین و فهمیدهترین و باایمانترین کارگران را انتخاب کنند. در جلسه اول ماه محمد گوهری و محسن پل سنگی که کارگرفریب خورده و جیره خوار کارفرما میباشند، با همراهی کارفرماها و هیئت مدیره سندیکای ساواکی جلسه ما را بهم زدند. در این جلسه نمایندگان کمیته امام خمینی مسجد امام حسین و دونفر از اعضای وزارت کار هم حضور داشتند.

ما برای بار دوم روز سه شنبه ۲۲ اسفند ۵۷ تمام کارگران را دعوت کردیم تا در محل سندیکا جمع شوند، اما اعضای خائن و خود فروخته سندیکای شاهنشاهی و کارفرماها درسندیکا رابسته بودند و به کمیته امام اطلاع داده بودند که عدهای کمونیست می خواهند سندیکا را اشغال کنند. طبق دعوتنامه، کارگران ساعت ۲ روز سه شنبه در محل سندیکا جمع شدند و توی راهرو در حضور اعضای کمیته امام، پنج نفر از کارگران را برای نمایندگی شورای موقت انتخاب کردند. ورقه نمایندگان اعضای شورای موقت را اکثریت کارگران و اعضای کمیته امام و نمایندگان سه سندیکای دیگر نواستی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تافتونی امضا کردند و کمیته مرکزی امام خمینی هم انتخابات ما را تایید کرد. روز چهارشنبه ساعت ۹ صبح اعضای شورای موقت برای تحویل گرفتن سندیکا به آنجا آمدند، ولی اعضای خائن سندیکای ساواکی دوباره با ایجاد اخلال و بی‌نظمی مانع کار ما شدند. یکی از کارگران هم به کمیته امام گزارش داد. ما به ما مورین کمیته امام جریان انتخابات را گفتیم و اضافه کردیم که امروز میخواهیم سندیکا را تحویل بگیریم، اما ما مورین کمیته امام گفتند انتخابات شما رسمی نیست و نمیتوانید سندیکا را تحویل بگیرید. وقتی ما باین حرف ما مورین کمیته امام اعتراض کردیم، آنها گفتند فقط کارگران، زحمتکش نیستند، ما کارفرماها نمی‌داریم که از کارگرها خیلی فعالیت‌های کمتری و مؤمن تر هستند. در شورای کارگری، نمایندگان کارفرما هم باید شرکت کنند، چون اینها برای سندیکا زحمت کشیده‌اند. حرفهای ما مورین کمیته امام باعث تعجب ما شد، چون نمایندگان سندیکای ساواکی خیلی زحمت کشیده‌اند، ولی برای کی؟ آنها با پول ما کارگران برای کارفرما، ساواک و شاه آمریکا زحمت کشیده‌اند. آنها کوچکترین قدمی بِنفع ما برنداشتند آنها همیشه حق ما را خوردند و توی سرما زدند. ما هیچوقت زحمتی را که آنها برای استثمای روس‌کوب ما کشیده‌اند از ما دنی می‌بریم. از ما دنی می‌بریم که چگونه این خائنین ضد کارگردار جشنهای ۲۵۰۰ ساله ۲۸ مرداد و ۶ بهمن و چهارم و نهم آبان با دست‌رنج ما کارگران، برای کارفرماها و شاه خائن زحمت میکشیدند. آیا ما مورین کمیته امام بخاطر همین زحمتها میخواهند این خائنین را دوباره بر ما مسلط کنند؟ در طول این یکسال اخیر ما کارگران لحظه‌ای از مبارزه دست برنداشتیم، هم نان شب و روز مردم را پختیم و هم با مشت‌های گره کرده در خیابانها به جنگ ارتش ضد خلقی شاه خائن رفتیم. در حالیکه نمایندگان "زحمتکش" سندیکای فرمایشی ساواکی آرزوی نابودی ۳۴ میلیون "اخلالگر" و بازگشت شاه خائن را داشتند. چرا ما که بیشتر از همه مبارزه کردیم، باید کمتر از همه از انقلاب سهم داشته باشیم و حق حرف زدن را نداشته باشیم. ما میخواهیم کوچکترین حرفی بزنیم، فوری بماند بر چسب کمونیست و اخلالگر میزنند و به کمیته امام گزارش میدهند. ما هزاران شهید دادیم که دوباره مثل دوران اخلالگری آریا مهری در فقر و نکبت زندگی کنیم و حق حرف زدن نداشته باشیم. ما از همه برادران کارگر و زحمتکش میخواهیم کارفرماها و عمالشان را محکوم کنند و از نمایندگان شورای موقت ما پشتیبانی کنند. ما میخواهیم که:

- ۱- همه سندیکاهای ضد کارگری شاهنشاهی منحل شود.
- ۲- سندیکاهای و شوراهای واقعی کارگری ایجاد شود.
- ۳- قانون کار شاهنشاهی الغاء شود.
- ۴- بوسیله شوراهای کارگری، قانون کار انقلابی ایجاد شود.
- ۵- نمایندگان منتخب و واقعی کارگران در شورای انقلاب و دولت موقت و مجلس مؤسسان شرکت کنند.

کارگران نانوائیهای تافتونی تهران

۵۷/۱۲/۲۳

بابازهم سب از ره خوا، میسم کرد

من سالها پیش کارگر بودم .

چون فرش زیرپایمان را فروختم .

من با کارگران دیگری شده بودم .

ما میگفتیم :

"با یاد مبارزه کرد ،

تا آسوده شد "

و ما مبارزه کردیم .

و حالا !

من امسال هم کارگرم .

من امسال هم رنج میکشم .

من امسال هم زیاده کار میکنم .

من امسال هم ماهی ۸۰۰ تومان گزایه خانه میدهم .

اما من امسال ،

بابازهم از زن و بچه هایم ،

خجالت میکشم .

وقتی آنها بدستهای خالی نگاه میکنند .

و من امسال ،

همان کارگر سالهای پیش هستم .

دیروز زنم میپرسید :

"آیا سالهای دیگر هم تو همین خواهی بود؟"

و رفیقم در جوابش گفت :

"بابازهم مبارزه خواهیم کرد ،

تا آسوده شویم ،

تا سالهای دیگر اینگونه نباشیم "

من سالها پیش کارگر بودم ،

من رنج میکشیدم ،

من خیلی کار میکردم ،

- ۱۲ ساعت در روز -

من ماهی ۶۰۰ تومان گزایه خانه میدادم ،

من از کارگران خانه مینوهم بیشتر پول میگرفتم ،

اما خیلی زشبها در خانه موقع خوردن شام ،

زنم از خجالت سرش را بزمیر میانداخت .

چون شام فقط نان و سیب زمینی داشتیم .

من روزهای جمعه هم کار میکردم .

اما روزها گاه از کارخانه میآمدم ،

و بچه هایم جلوی در حیات با استقبال میآمد ،

و به دستهایم نگاه میکرد ،

من خجالت میکشیدم .

چون او انتظار میوه و شیرینی داشت .

و من دستم خالی بود .

من پارسال هم کارگر بودم .

من پارسال هم رنج میکشیدم .

من پارسال هم زیاده کار میکردم .

و ماهی ۸۰۰ تومان گزایه خانه میدادم .

و من پارسال هم جلوی زن و بچه هایم ،

خجالت میکشیدم .

من پارسال اعتنا بکردم .

من دو ماه سرکار نرفتم .

و از زن و بچه هایم ،

آرشیو انستاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تجرباتی از شورای کارکنان ارج

کارگران مبارز!

تا کون بدلیل اختناق و دیکتاتوری حاکم بر مین ما امکان ایجاد تشکیلات واقعی و انقلابی کارگری که مدافع دلسوز و پیگیر ما باشد نداشته ایم. سرمایه داران زالو صفت و دولت پشتیبان آنان رژیم جنایتکار پهلوی همواره جلو حرکت مبارزاتی کارگران را سد میکردند. و کارگران مبارز و حق طلب را شناسائی کرده و آنها را اخراج و یا روانه زندانها و شکنجه گاهها میکردند. بر همه ما روشن است که رژیم سرمایه داری وابسته و نوکر صفت سابق تمام قوانین را بنفع خود وضع کرده و در اس کارها عوامل خود فروخته وابسته به امپریالیسم قرار داشتند که تمام سیاستها و قوانین را بخاطر منافع کثیف و ضد مردمی خود وضع میکردند. ولی کارگران و زحمت کسان مین ما حق هیچ گونه تصمیم گیری و اظهار نظر در مورد طرح و اجرای قوانین و سیاست کشور نداشتند. در شرایط فعلی مبارزات قهرمانانه خلق ما ضربه سختی به امپریالیسم و سرمایه داران وابسته زده است. عده ای از دشمنان خونخوار ما یعنی سرمایه داران وابسته به امپریالیسم فرار کرده و سنگرها را خالی نموده اند. اگر سنگرهای خالی شده دشمن را با جدیت هرچه تمامتر پرت کنیم چه بسا که آنها دوباره بجای اول خود برگردند و دوباره به سرکوب و مکیدن شیر جان ما مشغول شوند. به این ترتیب ما باید برای مقابله با حیل های سرمایه داران فوراً اقدام کنیم و برای تامین منافع خود لازم است قوانینی را که بوسیله زحمتکشان و کارگران تعیین شده بجای قوانین ضد خلقی گذشته بگذاریم. اولین قدم در این راه ایجاد یک تشکیلات مستحکم و یا برجائی است که بتوانند مبارزات ما کارگران را رهبری کرده تا بتوانیم پس از

بهترین شکل از حقوق صنفی-سیاسی خود در مقابل سرمایه داران زالو صفت دفاع کنیم. سلاح ما کارگران در مقابل سرمایه داران زالو صفت و تنها وسیله رسیدن به حقوق صنفی و سیاسی ما همیمن تشکیلات انقلابی است. در حال حاضر بهترین شکل تشکیلات مستقل و مستحکم که شایستگی نمایندگی ما کارگران را داشته باشد همان شوراهای کارگری است.

شوراهای کارگری یعنی جمعی از کارگران مبارز و آگاه که توسط کارگران بدقت انتخاب شده اند و در شرایط فعلی که کارگران سندیکاهای فرمایشی قانون کار و سایر قوانین کهنه شده و ضد خلقی گذشته را اصلاً قبول ندارند در مورد مسائل کارگری چه صنفی و چه سیاسی با مشورت و هم فکری یکدیگر تصمیم میگیرند.

برای توضیح بیشتر چگونگی تشکیل شورا و وظایف آن تجربه تشکیل شورای کارخانه ارج که به وسیله کارگران مبارز آن کارخانه تشکیل شده مورد بررسی قرار میدهیم و سعی میکنیم به اختصار محاسن و اشکالات و نواقص را که در این شورا بچشم میخورد نشان دهیم تا این بررسی هم به کارگران مبارز این کارخانه کمک کند تا بتوانند اشکالات و نواقص آنرا برطرف سازند و هم اینکه کارگران دیگر کارخانه ها از این تجربه در جهت تشکیل شورای کارخانه خود و یا تصحیح و تکمیل آن درس بگیرند.

از مهمترین دروسهای انقلاب اخیر این بود که مردم را بقدرت عظیم خودشان آگاه ساخت و به آنها آموخت که با همبستگی و اتحاد هرچه تمامتر از یکدیگر بیاموزند و تجربه های خود را به یکدیگر بیاموزانند. مردم هم معلم بودند و هم شاگرد. آنچه نمیدانستند

از دیگران می‌آموختند، و هر آنچه میدانستند به دیگران می‌آموختند. این دستاورد بزرگ را مردم

قهرمان ما هیچگاه از یاد نخواهند برد و همواره آنرا بکار خواهند بست.

شورای کارخانه‌ها چگونه تشکیل شد؟

تشکیل شورا باین ترتیب بود که در یک مجمع عمومی با شرکت کارگران و کارمندان یکی از کارکنان دربارهٔ ضرورت تشکیل شورا صحبت کرد. بدنبال این سخنرانی کارگران و کارمندان نمایندگان خودشان را انتخاب کردند. انتخاب نمایندگان باین ترتیب بود که هر ۸ نفر از کارگران یک نماینده انتخاب کردند. اول پیشنهاد شد که از هر قسمت یک نماینده انتخاب کنند. ولی چون تعداد کارگران قسمت‌های مختلف فرق میکرد، کارگران یک یا دو قسمت با هم یک نماینده انتخاب کردند. این شورا در واقع شورای مشترک نمایندگان کارگران و کارمندان است که به نسبت جمعیت نماینده‌های خود را انتخاب کرده‌اند. البته چون عده کارگران بیشتر از کارمندان است میبایست نمایندگان بیشتری در شورا داشته باشند. تعداد نمایندگان کارمند حدود ۱۰ نفر و نمایندگان کارگر ۲۲ نفر هستند. (*)

نمایندگان ابتدا ۲ نفر را بعنوان هیئت مدیره شورا انتخاب نمودند که در واقع قدرت رهبری را در دست داشت. انتخاب هیئت مدیره را رای اشکالات زیر بود:

۱- از آنجا که کارها بیشتر در دست هیئت مدیره بود، هنگامیکه عده‌ای از افراد خود فروخته و عوامل کارفرما در آن انتخاب شدند، این عده نمیتوانستند از قدرت و نفوذ خود در هیئت مدیره بنفع کارفرما و خود، سوءاستفاده کنند و خواستهای برحق کارگران را منحرف نمایند. علت انتخاب این

عوامل خود فروخته عمدتاً "نداشتن شناخت درست نمایندگان از این عوامل بود.

۲- چون همه کارها در دست هیئت مدیره بود، آنها فرصت رسیدگی به تمام وظائف را نداشتند و عملاً "بسیاری از وظائف شورا بعقب می افتاد.

عده‌ای از نمایندگان آگاه و مبارز شورا که باین نواقص و اشکالات پی برده بودند، پیشنهاد منحل شدن هیئت مدیره را دادند. نمایندگان با این پیشنهاد موافقت کردند و پس از آن وظایف شورا بین چند کمیته تقسیم شد و یک کمیته هماهنگی نیز ایجاد گردید که برای سرعت بخشیدن بکارها و جلوگیری از نفوذ عوامل خود فروخته و تقسیم کار در میان کمیته‌ها اقدام میکند.

وظایف شورا مجموعاً "به هفت کمیته محول شد و در رأس هر کمیته یک نفر از نمایندگان مبارز و با تجربه بعنوان مسئول قرار گرفتند. هفت نفری که در رأس هر کمیته هستند، کمیته هماهنگی را تشکیل میدهند. اعضاء کمیته‌ها فقط در کمیته خود قدرت اجرایی دارند و در امور بقیه کمیته‌ها نمیتوانند دخالت نمایند. در نتیجه هیچیک از اعضاء شورا قدرت اجرایی فوق‌العاده ندارند و اگر احتمالاً یکی از عوامل خود فروخته به سرمایه داران بخواهد قدرت را در کمیته‌ای در دست بگیرد، نمیتواند سد راه سایر کمیته‌ها گردد. برای آنکه از استعدادها و تجارب و مهارت نمایندگان بخوبی استفاده شود و ثمرات کار شورا افزایش یابد، هر نماینده مطابق مهارت و استعداد خود در کمیته‌ای که بهتر میتواند فعالیت کند عضو شد. بعضی از نمایندگان که در کمیته

(*) - ۵ نفر از کارمندان بوسیله کارگران بعنوان نماینده آنان انتخاب شدند.

۵- کمیته کنترل و نظارت بر تولید - وظیفه این کمیته نظارت بر تولید از دو نظر میباشد. اولاً نظارت بر مرغوبیت تولید و جلوگیری از سوءاستفاده های کارفرما، و در ثانی باید محصولی تولید شود که مورد استفا ده بوده و جزء ما یحتاج عمومی باشد.

۶- کمیته سیاسی (جمع آوری اطلاعات) - این کمیته مهمترین وظیفه را بعهده دارد. اعضای آن از افرادی تشکیل میشوند که از آگاهی سیاسی بیشتری نسبت به سایرین برخوردار بوده و بتوانند حتی الامکان مسائل سیاسی را جهت بالا بردن آگاهی کارگران به صورت نشریه و یا اعلامیه در آورند، یک نشریه خبری و آموزشی برای کارگران تهیه کنند، کتابخانه در کارخانه تشکیل دهند، جلسات سخنرانی و بحث و گفتگو ترتیب دهند تا کارگران مسائل و گرفتاریهای خود را مطرح کنند. از دیگر وظایف کمیته سیاسی بدست آوردن اطلاعات مختلف از مسائل پشت پرده سرمایه داران و کارفرمایان (مثلاً بازرسی مدارک قسمت حفاظت و نحوه فعالیت ساواک و عوامل سرسپرده سرمایه داران در میان کارگران و...) میباشد.

۷- کمیته نظارت بر فروش - وظیفه این کمیته رسیدگی به تولیدات انبار شده و نظارت بر فروش تولیدات در جهت تامین منافع کارکنان میباشد.

بررسی اشکالات نواقص طرح

اقدام کارگران در مورد تشکیل شورا حرکتی آگاهانه و انقلابی بوده است. اما نواقص و کمبودهایی در تشکیل شورا و کار آن دیده میشود که دارای اهمیت است از جمله نفوذ بعضی از عوامل نوکر صفت وابسته بکارفرما میباشد که قصد دارند مبارزات کارگران را منحرف کنند و از منافع کارفرمای غارتگر دفاع نمایند. مسئله دیگری وجود کارمندان و سرکارگراها و بخصوص سرپرست ها در شورا است. کارگران باید تشکیلات کارگری خود را مستقل از کسانی که در کارگر را مثل خود او نمی فهمند، بوجود آورند. البته این بمعنای همکاری نکردن با کارمندان و مبارزات آنها نیست. ما شاهد هستیم که کارمندان

صلاحیت عضو شدن داشتند، در هر دو جا بانجام وظیفه مشغول شدند.

در راس کمیته ها عناصر مبارز و با تجربه ای گمارده شدند و هیچ فرد خود فروخته ای نتوانست در کمیته هماهنگی نفوذ کند. علتش این بود که انتخاب مسئول کمیته ها با مشورت زیاد نمایندگان انجام شده بود و بهمین جهت امکان نفوذ افراد سرسپرده بسیار کم شد.

کمیته ها و وظایف آنها بدین شرح است:

۱- کمیته امور مالی - وظیفه این کمیته رسیدگی به دریافت ها و پرداخت های کارخانه است. کمیته موظف است پرداخت های غیر ضروری را مشخص نماید و به شورا گزارش دهد تا جلو سوء استفاده های کارفرما و عوامل او گرفته شود. بعنوان مثال در صورتیکه رشوه یا حقوق گزاف بکسی پرداخت شود و یا خرید های بی مورد

در حال حاضر بهترین شکل تشکیلاتی که بتواند منافع کارگران را تامین کند همان شورا ای کارگری است

انجام گیرد، کمیته موظف است این مسائل را کنترل کرده و به اطلاع شورا برساند و از انجام این کار جلوگیری کند.

۲- کمیته امور صنفی - وظیفه این کمیته رسیدگی به مشکلات صنفی و رفاهی کارکنان از قبیل دستمزد، سود ویژه، بیمه، بهداشت محیط کار، ایمنی و... می باشد.

۳- کمیته تعاونی و صندوق - وظیفه این کمیته رسیدگی به وضع شرکت تعاونی و دائر کردن صندوق اعتصاب و صندوق پرداخت وام و صندوق کمک بکارگران اخراجی و... میباشد.

۴- کمیته حفاظت - وظیفه این کمیته نظارت و حفظ اموال و تاسیسات کارخانه و آمادگی در مقابل حمله نیروهای ضد انقلاب میباشد. این کمیته باید به کارگران آموزش نظامی دهد تا همواره در برابر هجوم عوامل ارتجاع آمادگی کامل داشته باشند.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

متحدۀ کارگران) است. شوراهای کارخانه‌های یک رشته در مرحله اول با هم ارتباط گرفته و شورای مشترک تشکیل میدهند. در مرحله بعد رشته‌های مختلف صنعتی شورای سراسری بوجود آورده و مسائل عمومی کارگران را بوسیله این شورا حل میکند، که از همین طریق نمایندگان منتخب شورای متحدۀ کارگران بخاطر تامین مصالح و منافع طبقه کارگر، در حکومت شرکت مینمایند.

مبارزی در کارخانه‌ها کار میکنند که میتوان از آگاهی آنها استفاده کرد. فقط کارمندان مبارزی که در عمل ثابت کرده‌اند که حامی منافع کارگرند، حق ورود به شورا را دارند. سومین اشکال شورانبودن کمیته ارتباطات میباشد که یکی از مهمترین وظائف یعنی برقرار کردن ارتباط با سایر کارخانجات را بعهده دارد و وظیفه این کمیته متحد کردن مبارزات کارگران سراسر ایران و ایجاد تشکیلات سراسری کارگران (شورای

اعضای شورا باید دارای خصوصیات باشند!

رفقای کارگر

از آنجا که مسئله منافع همه ما مطرح است، باید آگاه باشیم و تحت تاثیر عوامل کارفرما قرار نگیریم. باید با قاطعیت تمام عوامل کارفرما را شناسائی کرده و کنار بگذاریم. روی افرادی که کارفرما و عوامل او از آنها حمایت میکنند، بایستی دقت و توجه زیادی مبذول داشته و با احتیاط زیاد به انتخاب چنین افرادی دست بزنیم. چون مسلماً این افراد دارای ضعف‌هایی هستند که کارفرما از آن ضعفها بفرصت خود استفاده میکند و باید خلاف این گفته به کارگران ثابت شود و سپس دست به انتخاب این افراد بزنند.

اگر به هر علتی عوامل ضد کارگر توانستند در شورا نفوذ کنند و کارگران آنها را در جریان کارشورا شناختند، باید فوراً این افراد را اخراج کنند. اگر نمایندگان در انجام وظایف خود کوتاهی نمایند، باید به آنها تذکر داده و قاطعانه اشتباهات آنها را افشاء نموده تا بتوانند خود را اصلاح کنند و بیا کار بروند.

برای کنترل بیشتر کارشورا بوسیله کارگران و شناختن آن از تک تک اعضا، شورا باید صورتجلسه جلسات خصوصی خود را در اختیار کارگران قرار دهد. در

چون رهبری مبارزات ما کارگران در دست این شورا میباشد، باید در انتخاب اعضا نهایت دقت را بکار ببریم و کارگرانی را انتخاب کنیم که مبارز و صادق باشند و در کارها پیشقدم، در اعتصابات و اعتراضات فعال بوده و زیر بار زورگوییها و اجحافات کارفرما و عوامل مزدورشی نرفته باشند. باید توجه بسیار داشته باشیم که افراد دور و جرب زبان که فقط در حرف دم از مبارزه میزنند و برای منافع شخصی خود را بکارفرما فروخته و به منافع کارگران خیانت میکنند انتخاب نکنیم. از آنجا که اغلب سندیکارها در گذشته مورد قبول کامل سازمان کارگران و در خدمت رژیم سابق و کارفرمایان بوده‌اند و وظیفه شکستن اعتصاب و دستگیری و آزار کارگران را از طرف ساواک و کارفرما بعهده داشتند، حتی الامکان باید از انتخاب اعضای سندیکاهای گذشته خودداری کنیم و اگر در میان آنها افرادی هستند که در گذشته مبارزه کارگران را به سازش کشاندند ولی اکنون چهره طرفدار کارگر بخود میگیرند، باید سابقه آنها را برای همه کارگران روشن کنیم. اینها کسانی بودند که وقتی کارگران با اعتصاب متحدانه خود کارفرما را به وحشت می‌انداختند، بعنوان نماینده کارگران سعی در شکستن اعتصاب کرده و مبارزات حق طلبانۀ کارگران را بسازش میکشاندند.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مبارز در اعتصابات تهیه کرده و به اربابان جنایتکار خود تحویل داده بودند و باعث دستگیری و شکنجه کارگران شده بودند. همه این مدارک برای آگاه شدن کارگران از توطئه های کارفرمایان در اختیار کارگران قرار گرفت. همچنین مدارکی کشف گردید که ثابت میکند مدیر کارخانه از عوامل سازمان جنایتکار امنیت بوده است.

۶- تصمیم در مورد اخراج مدیر عامل ساواکی و ضد کارگر کارخانه بوسیله شوراهای فعال بوسیله کمیته اطمینان از اینکار جلوگیری شده است.

۷- رسیدگی به خواست کارگران که خواهان برکناری سرپرست مزدور خود بودند. این سرپرست فرومایه و ضد کارگر از مقام خود خلع شد.

۸-.....

وظایف شوراهای انجام دهنده شرح ذیل است:

- ۱- نظارت کارگران و کارمندان بر انتخاب مدیران، انتخاب مدیران مربوط به کارمندان توسط کارمندان، انتخاب سرپرستان توسط کارگران.
- ۲- نظارت بر تولید و فروش
- ۳- شناسایی عناصر ضد کارگر و افشای آنها، برکناری سرپرستهای طرفدار کارفرما، اخراج عناصر ارتشی یا غیر ارتشی مزدور و جاسوس که باعث اخراج و زندانی شدن کارگران مبارز شده اند.
- ۴- جلوگیری از اخراج کارگران.
- ۵- لغو آئین نامه انضباطی و هر نوع جریمه.
- ۶- ایجاد صندوق اعتصاب.
- ۷- بهبود وضع بهداشت و وسائل ایمنی کار.
- ۸- اجرای ۴۰ ساعت کار در هفته (دو روز تعطیل)
- ۹- بدست گرفتن اداره شرکت تعاونی کارخانه.
- ۱۰- نظارت بر آشپزخانه و رستوران.
- ۱۱- تدارک برگزاری جشنهای کارگری، ملی، مذهبی.
- ۱۲- ایجاد مسجد و کتابخانه برای کارگران.

این صورتجلسه باید نظر همه افراد شورا در مورد مسائل مطرح شده در شورا مشخص باشد که مثلاً "در مورد فلان تصمیم چه کسانی مخالف بودند و چه کسانی موافق و... تا از این طریق کارگران بتوانند نمایندگان شوراهای بیشتر شناخته و در مورد اخراج یا ابقای آنها در شورا تصمیم بگیرند.

کارهای عملی شورا

شورا با وجود یک تازه تشکیل شده است، برنامهای قابل تحسینی را در جهت تامین منافع کارگران و افشای کارفرمای زلوصفت و ساواک باجرا در آورده است. کارهای عملی شورا به ترتیب از ابتدای تشکیل تا کنون در پائین آورده شده اند:

۱- برگرداندن کلیه کارگران زحمتکشی که به وسیله کارفرمای ضد کارگر در جریان انقلاب اخراج شده بودند.

۲- افشای توطئه های فریبکارانه و ضد کارگری نماینده کارفرما بوسیله یکی از اعضای شورا.

۳- تشکیل کمیته حفاظت مسلح برای حفاظت از تاسیسات کارخانه و جلوگیری از دزدی و غارتگری بیهای کارفرمای فراری از مواد اولیه و سایر وسائل کارخانه.

۴- پس از تشکیل و مستقر شدن شورا، نمایندگان ضمن مذاکره با نماینده خود فروخته کارگران او را وادار به استعفا نمودند تا راه را برای حرکت سریع و یکپارچه خود در جهت تامین منافع کارگران باز نمایند.

۵- بازرسی و تفتیش دفتر کارفرما، مدیر عامل، قائم مقام مدیر عامل، حفاظت (ساواک) کارخانه و کشف یکسری اسناد و مدارک ضد کارگری از محل ساواک از جمله نقشه ها و توطئه های کارفرما وزارت کار و ساواک بر علیه کارگران در موقع اعتصاب، برنامه های جاسوسی کارفرما بوسیله عوامل خود فروخته، گزارشاتی که جاسوسان ساواک و کارفرما بر علیه کارگران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر





- ۲ - افزایش حقوق مطابق با افزایش نرخ تورم .
- ۳ - لغو مالیات
- ۴ - لغو حق بیمه کارگری و برقراری خدمات درمانی مجانی برای کارگران از محل درآمد نفت .
- ۵ - تامین مسکن مجانی برای کارگران .
- ۶ - قطع نشدن حقوق در موقع بستری شدن .
- کارگرانیکه بستری میشوند بایستی حقوقشان بطور کامل توسط بیمه پرداخت شود و کارخانه نباید از سود و مزایای کارگران بیمار و بستری کم کند .
- ۷ - ایجاد یک درمانگاه نسبتا مجهز در کارخانه برای مواقع ضروری و حوادث بخاطر درمان فوری .
- ۸ - لغو آئین نامه انضباطی و هر نوع جریمه .
- ۹ - تعطیلات رسمی مطابق با تقویم و یکماه مرخصی سالانه .
- ۱۰ - کاهش سن بازنشستگی به ۵۰ سال یا بازنشستگی پس از ۲۵ سال کار .
- ۱۱ - پرداخت مزد مساوی به زنان کارگر در مقابل کار مساوی با مردان .
- ۱۲ - ایجاد تاسیسات فرهنگی و آموزشی برای کارگران ، واگذاری اداره ورزشگاهها و خانه ها و تاسیسات کارگری به خود کارگران .
- ۱۳ - قانونی بودن اعتصابات و تظاهرات با دریافت حقوق .
- ۱۴ - آزادی اجتماعات کارگری ، آزادی بیان و اظهار عقیده .
- ۱۵ - ایجاد اتحادیه های سراسری کارگری .
- ۱۶ - دخالت نکردن نیروهای مسلح در مسائل کارگری
- ۱۷ - ایجاد نشریه سراسری کارگری یا مدیریت کارگران .

- ۱۲ - افزایش حق اولاد .
- ۱۴ - وقت نهار جزء ساعات کار باشد .
- ۱۵ - لغو شب کاری .
- ۱۶ - نظارت بر پرداخت سود ویژه . مقدار سود ویژه با توافق شورا و کارفرما تعیین میشود .
- ۱۷ - رسیدگی به امور استخدای و حقوق کارگران .
- ۱۸ - شورا وظیفه دارد هر مورد مشکوکی که مشاهده کرد ، دفاتر معاملاتی کارخانه را بازرسی کرده و جریان را به اطلاع کارگران برساند .
- ۱۹ - تماس با شوراهای سایر کارخانجات و هماهنگ کردن مبارزات سیاسی و اجتماعی کارگران با سایر کارخانجات .
- ۲۰ - جمع آوری اخبار کارگری از کارخانه های تهران و شهرستانها و انتشار آن در یک روزنامه دیواری یا هر نوع نشریه دیگر و دادن آن به کارگران .
- ۲۱ - دادن گزارش دقیق از فعالیت های شورا به کارگران از طریق اعلامیه .
- ۲۲ - ایجاد کلاسهای پیکار با بی سوادی .
- ۲۳ - شورا باید با توجه به خواستها و نظرات کارگران هر هفته ۲ ساعت مجمع عمومی تشکیل دهد .
- ۲۴ - شورا باید صورتجلسات خود را بطور دقیق نوشته و در اختیار کارگران قرار دهد .
- ۲۵ - تعیین محلی (سالن) برای اجتماع کارگران (مجمع عمومی و ...)
- علاوه بر وظایف بالا ، طبقه کارگر ایران خواسته های زیر را از دولت جدید میخواهد . و شوراها موظفند بعنوان نماینده هر کارخانه در راه بدست آوردن آنها تلاش کنند :
- ۱ - تدوین قانون جدید کار با شرکت نمایندگان واقعی کارگران .

توطئه های کارفرما بر ضد شورا

شورای نمایندگان زدند ، تا این شورا را از هم بپاشند و از متحد شدن کارگران جلوگیری کنند . این مزدوران مرتبا جلساتی تشکیل میدادند و با هم مشورت میکردند

پس از اخراج مدیرعامل ساواکی بوسیله شورا ، این فرد و سایر مدیران ضد کارگر که منافع خود را بطور جدی در خطر میدیدند بیکار ننشسته و دست به توطئه بر علیه

ایجاد کند تا کارفرمای جنایت کار بتواند از آب گل- آلود بنفع خود ماهی بگیرد .
از جمله موارد دیگر این شایعه پراکنی ها ، به وسیله کسی صورت میگرفت که باصلاح نماینده کارگران هم بود . این نماینده مزدور نیز سابقه کثیفی دارد . در شرایطی که کارگران در زیر فشار خونبار

عوامل کارفرما با نفوذ و شورش را میخواستند از طرف منافع کارفرما منحرف کنند .

حکومت نظامی قرار داشتند و دست به اعتصاب یک پارچه ای زده بودند ، این مزدور خود فروخته بارها با روشن کردن دستگاهها و اعمالی از این قبیل سعی میکرد کارگران مبارز را وادار به شکستن اعتصاب نماید . در حالیکه کارگران مرتب از جانب کارفرما ، وزارت کار و مأموران مزدور رژیم سابق تهدید میشدند ولی حاضر به عقب نشینی نبودند ، او بعنوان سخنگوی کارفرمای زالو صفت ، به تضعیف روحیه کارگران می پرداخت . زمانیکه چکمه پوشان رژیم سابق برای سرکوبی کارگران آمده بودند ، کارگران اعلام کردند که تا بدست آوردن خواستهای خود محل کارخانه را ترک نخواهند کرد . این نماینده مزدور با بدست گرفتن بلندگوی مز دوران رژیم از کارگران مصرانه خواست که کارخانه را ترک کنند تا خود او از راه مذاکره با کارفرما و وزارت کار مسئله را حل کند و باین ترتیب کارگران با زور سر- نیزه روانه خانه شایشان شدند . البته سابقه این افراد مزدور برای کارگران روشن بود و فریب این کارها را نمی خوردند ولی کارفرما هم فقط به این حيله ها قناعت نمیکرد . سرپرستهای خود فروخته مرتباً با کارگران صحبت میکردند که مدبران گفته اند: " اگر مکی (مدیرعامل ساواکی) را اخراج کنید ما هم می رویم و آنوقت کسی نیست به کارگران حقوق و ... پرداخت کند و کارخانه عملاً تعطیل میشود و اگر سرپرست بالای سر کارگر نباشد ، کارگر کار

که چند سینه ها و حيله هائی بر علیه شورای انقلابی کارگران بکار بیندند . در این جلسات سرپرست های نوکر صفت و مزدور نیز شرکت داشتند و کارفرمایان از طریق سرپرستها در بین کارگران دست به تبلیغات و شایعه پراکنی های کثیف میزدند تا در دل کارگران وحشت ایجاد کنند و صفوف متحد آنها را بهم زده و خودشان مثل سابق برگردد کارگر سوار شده و بر اوضاع مسلط شوند . مدیرعامل ها بهترین وسیله برای نابودی و درهم ریختن شورا را در امن زدن به اختلافات عقیدتی و مذهبی کارگران تشخیص دادند ، آنها بوسیله عوامل مزدور خود بر علیه شورای نمایندگان شایعه پراکنی میکردند و اعضای شورا را به کمونیست بودن متهم میکردند . عوامل کارفرما همواره در پی بهانه جوئی بودند تا بهر وسیله کارگران را نسبت به شورا بد بین کنند . قائم مقام مزدور مدیرعامل (مارکاریان) با اعلام همبستگی با انقلاب در واقع قصدش این بود که دست- ورد های انقلاب خونین مردم را بخود و سرمایه داران سر- سپرده امپریالیسم نسبت دهد و با حيله گری کارگران مبارز را به افزایش تولید و استثمار بیشتر دعوت کرده بود . ولی این مردم فریبی بوسیله یکی از کارکنان مبارز افشاء شد . پس از بی نتیجه ماندن این اقدام ، مدیران کارخانه با تبلیغات ضد کمونیستی و شایعه پراکنی دست به تبلیغات بر علیه شورا زدند و با اینکار تا حدودی توانستند ذهن کارگران را مفلوس نمایند .

توطئه دیگر کارفرما پخش اعلامیه های تحریک کننده ضد کمونیستی بوسیله عوامل خود در کارخانه بود . یکی از نگهبانان که از عوامل دست نشاند و مزدور کارفرما است ، مرتباً چنین اعلامیه هائی را به در و دیوار کارخانه می چسباند . این مزدور کسی بود که تا قبل از انقلاب در دوره شاه خائن و بختیار سرسپرده مرتب در کار- گاهها برای جمع آوری اعلامیه های آگاه کننده کارگری میگشت و شعارهائی که توسط کارگران نوشته میشد فوراً پاک میکرد . او همواره در سرکوب و دستگیری کارگران مبارز نقش فعالی داشت . بر همه روشن است که چنین مزدوری دلش بحال کارگر و منافع کارگر نسوخته است بلکه با شایعه پراکنی میخواهد صفوف متحد کارگران را بهم بریزد و چند دستگی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

فرد مخالف بودند ، نسبت به حرفهای او اعتراض کردند . سخنرانی این فرد باعث افشای ماهیت سرسپرده وی گردید .
بعد یکی از کارگران آگاه و مبارز که درشورا انتخاب شده بود ، در رابطه با شایعات و دسیسه های کارفرما برای ایجاد جو ضد کمونیستی صحبت

کارگران، خواستار مرگ دزد کارخانه دار وابسته با پریا لیم شدند.

نمود و دعت : "عوامل کارفرما میخواهند در صفوف ما تفرقه اندازی کنند و کارگران را نسبت به شورا بدبین نمایند . تا بحال از راههای مختلف سعی کرده اند اتحاد ما را برشم بزنند ولی ما فقط پشتیبانی شما را میخواهیم و با پشتیبانی شما تمام خواستهای خود را میگیریم . از سود ویژه گرفته تا حق تولید و ... هنوز دو هفته ای بیشتر نیست که شورا تشکیل شده ، ولی عده ای میگویند شما کار نمی کنید و میخواهند کارگران را نسبت به شورا دل سرد کنند . ولی ما با اتحاد و همبستگی کامل خود جواب دندان شکنی به همه آنها میدهیم و فریب شایعات آنها را نمیخوریم " کارگران از سخنان این کارگر مبارز به گرمی پشتیبانی کردند .

سپس فردی که از طرف کمیته امام آمده بود شروع به صحبت نمود که : " شنیده ام که شما کارهائی کرده اید و نمایندگانی انتخاب کرده اید . من امید انم شما چه کارهائی کرده اید و کسانی را که صحبت میکنند نمی شناسم . برای اینکه بدانیم کارگران این نمایندگان را قبول دارند یا نه ، بخودشان مراجعه میکنیم . حالا يك سوال میکنم . آیا کارگران این شورا را قبول دارند یا نه ؟ " کارگران شمه گفتند آری قبول داریم . نماینده کمیته امام ادامه داد : " افرادی که انتخاب شده اند چه مرامی دارند ؟ چکاره هستند ؟ عقیده شان چیست و جزء چه گروهی هستند ؟ ما باید اینها را

نمیکنند و تولید میخوابد و ... " ولی کارگران آگاه و مبارز فریب این شایعه پراکنی ها و تهدیدها را نخورده و جواب دندان شکنی به کارفرما و عوامل نوکر صفتش دادند . کارگران می گفتند : " همه مفتخوران و غارتگران و عوامل ضد کارگر باید اخراج شوند و چه بهتر که سایر مدبران مزدور و ضد کارگر هم از کارخانه بروند . تولید به وجود کارگر بستگی دارد و نه به کارفرما . مدیر و کارفرما و سرپرست نمه زانند و وجود یا عدم وجود آنها دردی را دوا نمیکند . بارها دیده شده که سرپرستها و ... در کارخانه نیستند و کارگر همچنان بکار خود ادامه میدهد و آب از آب نمی جنبید . " وقتی کارفرمای مکار و عواملش با چنین روحیه ای روبرو شدند ، به آخرین حربه برای در هم ریختن شورا متوسل شدند . آنها بوسیله عوامل ظاهرآ " متدین و مذهبی خود که با مقدس مآبی به فریب کارگران می پردازند به کمیته امام گزارش دادند که کمونیستها در کارخانه نفوذ کرده اند و خود سرانها کارها را پیش میبرند و از کمیته امام دعوت بعمل آوردند که بیایند و کارخانه را از وجود این عوامل پاک کنند . پس از آن کمیته امام اجتماعی در کارخانه تشکیل داد که شرح آنرا در پائین می آوریم .

اجتماع کمیته امام تشکیل داد

ابتدا کارگران شیفت صبح و بعد از ظهر را در محلی جمع نمودند و یکی از اعضای خود فروخته و ضد کارگر که متاسفانه در شورا انتخاب شده است (*) ، صحبت نمود که : " ما انقلاب کرده ایم که در جامعه سازندگی کنیم و معنای تحول و انقلاب اینست که ما قبلا " ۳۰۰ یخچال تولید میکردیم حالا ... یخچال تولید کنیم . ما باید در راه سازندگی و افزایش تولید قدم برداریم " . کارگران که با روشهای بشیرمانه این

(*) - این فرد کترلچی است . بیشتر بخاطر ناآگاهی و عدم شناخت کارگران از او ، انتخاب شد .

سخنان این فرد بین کارگرانی که از آگاهی زیادی برخوردار نیستند موثر واقع شد و وعده ای قبول کردند که روز سه شنبه ۲۳ اسفند مجدداً انتخابات برگزار شود. پس از آن یکی از کارگران خواست در باره خواسته‌های کارگران از شورا صحبت کند که نماینده امام مانع شد و گفت که الان موقع نیست و این صحبتها در همان روز انتخابات گفته شود. قبل از آن نماینده کمیته امام گفته بود که ما حتی حاضریم یک شبانه روز اینجا باشیم و بد حرفها وارد دلهايتان گوش بدهیم ولی حالا کمبود وقت را بهانه آورده و از سخنرانی این کارگر مبارز جلوگیری میکردند. کارگران همه خواستار صحبت این کارگر شدند و او در باره اخلاص کارفرما و عواملش در صفوف متحد کارگران صحبت کرد و گفت: «اینها میخواهند با شایعه پراکنی بین ما تفرقه بیندازند و...». این کارگر سپس خواسته‌های کارگران را از شورا چنین مطرح کرد:

- ۱- پرداخت فوری سود ویژه.
 - ۲- شورا هر هفته ۲ ساعت کارگران را جمع کرده و گزارش کار خود را به کارگران بدهد و کارگران هم در آن اجتماع خواسته‌های خود را مطرح کنند.
 - ۳- ایجاد کتابخانه و نمازخانه برای کارگران.
 - ۴- جلوگیری از سوءاستفاده‌های مدیران کارخانه و رفع تبعیض و برقراری تعادل حقوقی کارکنان.
- ...-۵

در پایان یکی از عوامل کارفرما که سنگ کارگر و مذهب را به سینه میرد صحبت کرد و گفت: «ما انقلاب کردیم بخاطر دین، نه بخاطر مادیت، سود ویژه و... ما نباید سرخود مدبرعامل را دست بند بزنیم. همین کار درست نیست». او با این حرفها بیش از پیش ماهیت ضد کارگری خود را برملا ساخت. در پایان این فرد برضد کمونیستها حرفهای زرد، سخنرانی او در مجموع باعث افشای ماهیت سرسپرده این فرد شد و کارگران نسبت به حرفهای او نظر خوبی نداشتند.

جلسه در اینجا خاتمه یافت و ادامه آن به ۲۳ اسفند موکول شد.

بشناسیم. اینها همیشه از پشت بما خنجر زده اند. چه دوره صدق و چه... بعد هم گفتند اشتباه کردیم. همانطور که دوستان اول گفت ما انقلاب کرده ایم بخاطر سازندگی و تحول و طبق گفته رهبرمان برای این سازندگی باید تولید را افزایش دهیم... یک سری کارها عمده شما کردید امید که باین صورت درست نیست و اگر هر کارخانه ای بخواهد خود سرا نه کار کند شیرازه کارها از هم میاشند و هرج و مرج در کشور ایجاد میشود. مثلاً شنیده ام که شما مدبرعامل را بدلیل اینکه از نظر شما ساواکی بوده میخواهید اخراج کنید. بدون اینکه دلایل کافی برای این کار داشته باشید و بدون اینکه به کمیته امام اطلاع بدهید، دست باین اقدامات زده اید. باید صبر داشته باشید، کم کم کارها درست میشود (۱) باید این کارها را بدولت واگذار کنید خودش باینها رسیدگی میکند و... بهر حال ما باید اختلافات گذشته را کنار بگذاریم و در راه سازندگی قدم برداریم. اگر تا دیروز بین کارگر و کارمند جدائی بود، ازین کارگر و مدبرعامل جدائی بود، اینها همه دسیسه‌ها و برنامه‌های رژیم بود که ما را از هم جدا میکرد. امروز باید همه دست بدست هم بدهیم و با افزایش تولید در نوسازی کشور بکوشیم. کارگران انتظار چنین جوابی را از طرف کمیته امام نداشتند و همگی با اخراج مدبرعامل موافقت کامل داشتند، زیرا طبق تمام مدارکی که از حفاظت کشف شده، مدبرعامل وابسته به ساواک است. ولی کمیته امام به خواسته حق طلبانه و همگانی کارگران جواب رد داد و کارگران را دعوت به اتحاد با مدیرعاملهای زالوصفت و خونخوار نمود. مزدوران کارفرما بر علیه عده ای از کارمندان مبارز که عضو شورا بودند شایعه پراکنی کرده و آنها را متهم به کمونیست بودن کرده، گزارشاتی از این قبیل به کمیته امام داده بودند. نماینده کمیته امام تحت تاثیر این گزارشات مطرح کرد که: «نماینده کارگران باید حتماً کارگر باشد و کارمندان نمیتوانند نماینده باشند. ثانیاً نماینده باید دلسوز و معتقد به مکتب اسلام باشد». او مطرح کرد که انتخابات شورا باید دوباره انجام شود.

ارسال اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

قطعنامه کارگران متحد ذوب آهن



ما کارگران ذوب آهن اصفهان گشتار و زخمی نمودن گروهی از کارگران بیکار و بیگانه اصفهان را که برای احقاق حقوق حقه خود و نیز برای رسیدگی بوضع نابسامان شان در محوطه استانداری اصفهان اجتماع کرده و درکمال نظم و آرامش منتظر جواب مقامات مسئول بوده اند که مورد حمله نا جوانمردانه اعضای کمیته با صلاح انقلاب اصفهان قرار گرفته و اجتماع حقه آنها را از هم پاشید و منجر به شهادت و زخمی شدن عده ای از کارگران شریف گردید محکوم مینمائیم. آیا کارگری که از دولت میخواهد وضع او را سامان دهد و جواب "فرصت بده" میشنود زمانی که این جواب را بخوانده گرسنه اش میدهد، جواب "من گرسنه ام" را میشنود، باید کشته شود؟ آیا کارگری که مدت ها ست بیکار شده و چیزی جز فروش نیروی با زوی خود ندارد و برای اینکه صدایش را که همیشه از طرف کارفرمایان و سر - مایه داران جلاد خاموش شده و در طلوع آزادی!! بگوش مسئولین برساند، باید مورد حمله قرار گیرد؟ آیا سایه شوم سرمایه داران گذشته را نمی بینیم؟

ما کارگران متحد ذوب آهن، این رفتار ضد کارگری مسئولین و کمیته ها را بشدت محکوم کرده و ضمن اینکه خواستار رسیدگی فوری و معرفی مسئولین کشتار کارگران بیکار شده و بیگانه میباشیم، بعنوان همدردی و همبستگی با کارگران بیکار شده سراسر ایران قطعنامه خود را باین شرح اعلام میداریم:

- ۱- رسیدگی فوری به وضع کارگرانی که در مبارزه با رژیم سابق بیکار رگشته و یا در زمان دولت کنونی از کار برکنار شده اند،
- ۲- اخباری بگوش میرسد که سرپرستان جدید کارخانه ذوب آهن تصمیم با خراج گروهی از کارگران ساختمانی و بهره برداری و رانندگان را دارند. چنین تصمیمی را بشدت محکوم مینمائیم. زیرا این گروه سالها ست در این واحد زحمت کشیده اند و نباید خراج شوند.
- ۳- روز جمعه ۱۷ فروردین در محوطه سوپرمارکت محله A3 پولادشهر شخصی که مشغول فروش کتاب و روزنامه کارگری بوده، توسط اعضای مسلح کمیته دستگیر شده که نمونه ای از جلوگیری از رشد فکری کارگران است که در گذشته اعمال میشد و متاسفانه دولت انقلاب!! نیز همین شیوه را پیش گرفته. ما هرگونه سانسور را بشدت محکوم مینمائیم.

کارگران متحد ذوب آهن
"گروه پیشناز"

خندگمگم در باره شورائی کارگری

رفقای کارگر!

در رابطه با شوراهای کارگری چند نکته را لازم دیدیم که برای روشن شدن ذهن شما کارگران، توضیح بدهیم:

ب- علاوه بر کمیته‌هایی که نام برده‌ایم، باید دو کمیته دیگر را هم به کمیته‌های شورا اضافه کنیم:

۱- کمیته حفاظت

این کمیته وظیفه نگهداری از کارخانه را برعهده دارد و از طرف شوراهای اینکمیته‌نگهبانی قبلی کارخانه منحل اعلام می‌شود، مجدداً نگهداری جدیدی بوجود می‌آید که کاملاً تحت فرمان و رهبری شورا انجام وظیفه می‌کند علت انحلال نگهداری قبلی اینست که در بسیاری از کارخانه‌ها معمولاً سرمایه‌داران کسانی را بعنوان نگهداری و حفاظت کارخانه انتخاب می‌کنند که کاملاً گوش بفرمان کارفرما بوده و هرچه او بگوید بکنند. و طبیعتاً چنین آدمهایی بزرگواران و دفاع از محل کار کارگران نمی‌خورند. البته شورا می‌تواند با صلاحیت کارگران کارخانه در صورتیکه لازم ببیند بعضی از نگهداریان قبلی را که آدمهای خوبی بوده‌اند و بزرگواران، برای کارفرما خوش خدمتی نمی‌کرده‌اند، همچنان باقی‌بگذارند.

۲- کمیته زنان

این کمیته معمولاً در کارخانه‌های تشکیل می‌شود که دارای کارگران زن باشد. ما در مقاله‌ای که در شماره قبلی همین نشریه با نام "نقش زنان مبارز در پیروزی انقلاب" آورده‌ایم، در مورد ضرورت و لزوم تشکیل کمیته مخصوص زنان کارگر مفصلاً صحبت کرده‌ایم.

فرق کمیته زنان با سایر کمیته‌های شورا در اینست که اعضای آن کمیته‌ها از طرف

الف- ما در شماره قبلی "کارگر، به پیش"، ضمن شرح لزوم تشکیل شوراهای کارگری گفتیم که وظایف شوراهای کارگری عبارتست از تشکیل کمیته‌های مختلفی برای انجام این وظایف. این کمیته‌ها عبارتند از:

۱- کمیته سیاسی که آموزش سیاسی کارگران را برعهده دارد،

۲- کمیته ارتباطات که وظیفه ارتباط گیری شورای یک کارخانه با سایر شوراهای بعهده دارد.

۳- کمیته نظارت بر تولید و توزیع که کار آن نظارت و کنترل جریان تولید کالا و توزیع و فروش آنست،

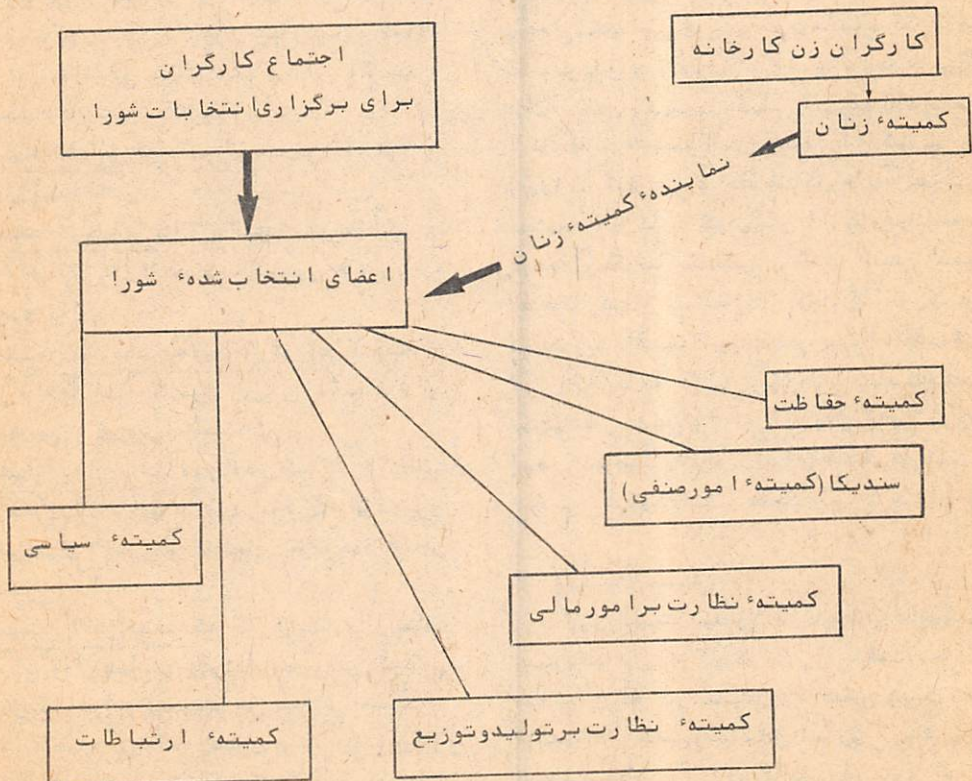
۴- کمیته نظارت بر مالی که کارش نظارت و کنترل امور حسابداری و مالی کارخانه برای جلوگیری از دزدی و کلکهای سرمایه‌داران است.

۵- کمیته امور صنفی که کارش دفاع از منافع صنفی و اقتصادی کارگران و روشن کردن ذهن کارگران نسبت به مسائل است. این کمیته در واقع همان سندیکای کارخانه است که از تشکیلات کارگری‌ای است که بوسیله شورا اداره می‌شود. این سندیکا وظیفه اداره شرکت تعاونی کارگران کارخانه و تشکیل و اداره صندوق اعتصاب را هم برعهده دارد. آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

نظر بدهند. اما چون در حق کارگران زن ظلم و ستم دیگری غیر از ستمی که به مردان می‌آید وارد می‌شود، آنها لازم است کمیته‌ای بوجود آورند که از این کمیته هم نماینده‌ای انتخاب شده و بشورافراستاده می‌شود. ما در مورد ستم دیگری هم که بزنان کارگر وارد می‌شود و از این لحاظ بیشتر از مردان مورد فشار و سختی هستند، در همین مقاله‌ای که در بالا نام بردیم، مفصلاً صحبت کرده‌ایم.

ج- در زیر طرح تشکیلاتی شوراهای کارگری این که مساله را واضحتر نشان داده باشیم، می‌آوریم.

شورا و باصلاحدید کارگران انتخاب می‌شوند. در حالیکه اعضای این کمیته، کلیه زنان کارگر کارخانه هستند که از میان خود چند نفر را بعنوان گرداننده کمیته انتخاب می‌کنند و از میان این گردانندگان کمیته، یک نفر نماینده برای شرکت در شورا، انتخاب می‌شود. اما توضیح دیگری که باید بدیم اینست که کارگران زن هم حق شرکت و انتخاب شدن در شورا را دارند و این انتخاب شدن جدا از کمیته زنان کارگر است. یعنی چون کارگران زن از نظر منافع و خواسته‌های کارگری با کارگران مرد فرقی ندارند، طبیعتاً آنها هم باید کاملاً مثل مردان در شورا شرکت داشته و



در راه ایجاد و تقویت شوراهای کارگری بکوشیم

شیو اسناد سازان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

پیش‌تاز، نشریه کارگران مشروطیت نفت جنوب

رفقای کارگر!

سومین شماره "پیش‌تاز" نشریه کارگران پیشرو صنعت نفت، بتاریخ نیمه دوم اسفندماه ۵۷ منتشر شد. رفقای کارگر صنعت نفت در این نشریه با زبانی ساده و کارگری به بیان دردها و مشکلات طبقه خود می‌پردازند.

اهمیت این نشریه بیشتر از آن جهت است که بوسیله خود کارگران اداره می‌شود که آگاهی سیاسی کارگری را کسب کرده‌اند، از همین جهت هم وظیفه خودشان میدانند که این آگاهی را بسایر کارگران نیز منتقل کنند. هدفی که کارگران مبارز صنعت نفت از انتشار این نشریه دارند، بالابردن سطح آگاهی‌های صنفی و سیاسی کارگران و ایجاد اتحاد و تشکل هرچه بیشتر در میان کارگران است.

رفقای کارگر صنعت نفت در این نشریه که هر شماره آن نسبت بشماره قبل پربارتر و پخته‌تر میشود، از مسائل مختلفی صحبت میکنند و در آخرین شماره آن از مسائل سیاسی روز در رابطه با منافع کارگران، درباره سندیکا، مستقل کارگران نفت، درباره آزادی و... مطالب مختلفی نوشته‌اند. ما امیدواریم که این رفقای کارگر بتوانند روز بروز نشریه خود را وسیع‌تر کرده و مسائل بیشتری از کل طبقه کارگرایان را در آن مطرح کنند.

آنطور که از مطالب "پیش‌تاز" برمیآید یکی از اساسی‌ترین مسائلی که در حال حاضر برای خود کارگران صنعت نفت مطرح است، کارگری کردن تشکیلاتشان میباشد. "سندیکا، مشتری" که تا کنون وجود داشته، سندیکا، ترکیبی مرکب از کارگران و کارمندان و... میباشد و آنجا که کارگران بطوریکه دست‌آوردست ندارند، طبیعتاً نمیتوانند کاملاً منافع کارگران را در نظر گرفته و صادقانه در این راه فعالیت کنند.

ما بارها در "کارگر" به پیش "این مسئله را مطرح کرده‌ایم که درجا معاذ منافع طبقات رنجبروز حمتکش تنها کسان می‌توانند دفاع کنند که خود نیز رنجبروز حمتکش باشند. در دکان کارگران فقط کارگر می‌تواند بفهمد نه فلان کارمندی که در زندگی هرگز با نداشتن یک کارگر در ورنج نکشیده. ما همیشه شاگردان بوده‌ایم که کارمندان، مهندسی و... در زندگی شغلیشان، همیشه کمتر از کارگران کار میکنند، کارشان ساده‌تر و کم‌تر هست، و در عوض حقوقشان خیلی بیشتر از کارگران است و تازه مهم‌تر از همه اینها، نوع تولید کارگران با نوع تولید کارمندان، مهندسی و... از زمین تا آسمان فرق دارد. نقشی که کارگران در تولید اقتصادی کشور دارند و در بخش‌های اقتصادی کشور با دستهای حمتکش آنها می‌چرخد، به‌هیچوجه با نحوه تولید و شغل کارمندان، مهندسی و... قابل مقایسه نیست.

با این ترتیب چگونه میتوان انتظار داشت که یک کارمندی مهندس هم بتواند دلش بهمان اندازه که بحال خودش و منافع خودش میشود، بحال کارگر هم بسوزد. ما بارها در اعتمادات دیده‌ایم که کارمندان همینقدر که بحق و حقوق خود رسیده‌اند، دیگر کارگران را با میدخدا رها کرده‌اند و اعتماد را شکسته‌اند. از همین جهت بارها گفته‌ایم، "باز هم می‌گوئیم، که در تشکیلات کارگری از قبیل شوراهای سندیکاها و... تنها و تنها باید کارگران شرکت داشته باشند. بعلاوه خود کارمندان کارخانه هم میتوانند برای خود سندیکا، بی‌وجود آورده و سپس سندیکاها را کارگری و کارمندی کارخانه، بایکدیگر در موارد لازم، همکاری داشته باشند.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مختصر کارگرانشهردار آمل

■ کارگران بخشهای ساختمانی، باغبانی و رفتگران شهرداری آمل، از صبح روز دوشنبه ۲۰ فروردین در محل فرمانداری دست به تحصن زدند. علت تحصن، ترتیب اثربندان به پرداخت مطالبات کارگران از طرف مقامات مسئول بود. طبق قانون اضافه دستمزد مورخ ۲۵ مهر ۵۷، میبایستی بکلیه کارگران شهرداری مبلغی

بمیزان ۷۵۰۰ ریال بصورت فوق العاده پرداخت گردد که تاکنون عملی نشده است. کارگران ضمن مراجعات پی در پی نزد شهردار و شهرداری استان به نتیجه ای نرسیده بودند، پس از تحصن، مقامات شهرداری تا روز ۲۵ فروردین مهلت میخواهند تا خواسته های کارگران ترتیب اثر بدهند.

- ۱- پرداخت اضافه دستمزد،
- ۲- پرداخت پاداش مستمر،
- ۳- اخراج حسن پژوهی حسابدار.

مبارزه ای هم که کارگران پیشرو صنعت نفت هم اکنون پیش میبرند، کاملاً در همین جهت است. تماماً تلاش آنها اینست که بجای "سندیکای مشترک" که مخلوطی از کارگر و کارمند و... میباشد، تشکیلاتی بوجود آورند که اعضای تشکیل دهنده آنرا صرفاً کارگران آگاه و مبارزی تشکیل دهند که امتحان صداقت و فداکاری خود را در طی مبارزات مختلف کارگری واجتماعی بشیوت رسانیده باشند.

ما پشتیبانی کامل خود را از این تلاش کارگران پیشرو صنعت نفت، در جهت کارگری کرد ر تشکیلات خودشان، اعلام داشته و ایمان داریم که همانطور که کارگران مبارز صنعت نفت در مبارزه عظیم خود بر علیه رژیم وابسته و دیکتاتور منش پهلوی همچون کوهی، استوار ماندند و لحظه ای عقب ننشستند، در رسیدن به این هدف طبقاتی و محققان شان با وجود تمام مشکلات و موانعی که وجود دارد، پیروز خواهند شد.

برقرار باد اتحاد کارگران صنعت نفت در تشکیلات واقعا کارگری!
هرچه گسترده تر باد اتحاد دستاوری کارگران ایران!

پیروز کارگر، شرکت "متر" در راه است

■ از مدتی پیش، کارفرمای شرکت "پل سنگ پول" دستمزد و حقوق کارگران را نمیداد و وقتی کارگران حق خود را میخواستند، جواب میداد که "ندارم". همه کارگران خوب میداند که وقتی سرمایه داران میگویند پول نداریم، یعنی چه. یعنی برای کارگران پول ندارند و گرنه گسا و صندوقشان همیشه پراز پول است.

بهر حال، روزیستم فروردین، کارگران شرکت که دیگر کاسه صبرشان لبریز شده بود، همه دور هم جمع شده و دستجمعی نزد کارفرمایان روئند و با و اخطار میکنند که اگر حقوق عقب مانده شان را نپردازد، از فردا در محل شرکت تحصن

خواهند کرد. لازم بتذکر است که تعداد کارگران این شرکت حدود ۱۵۰ نفر میباشد.

کارفرما که از این اخطار کارگران جا خورده بود، در مقابل اتحاد کارگران ناچار از عقب نشینی شده و با میانجیگری یک نماینده دولت قبول کرد که تمامی درخواستهای آنها را انجام دهد.

"لنگانی درباره سخنان وزیر کار"

آیا شورای کارگران حقوقی است (مزدآور) مستند؟

آقای فروهر از آن دم میزند، اگر سیاست انقلابی ملی کردن اموال امپریالیستها و دلان داخلی آنها همچنان فراموش شود بیشتر جیب گشاد سرمایه داران را پرپول تر میکند و این افزایش تولید، که به بهای درد و رنج هر چه بیشتر کارگران زحمتکش میهنمان تمام می شود، نفعی برای این کارگران زحمتکش ندارد. سازندگی ای که کارگران شبش رانداشته باشد، از نظر آقای فروهر چه معنایی دارد؟ با وجود همه اینها و با وجود تمام اجافات و ستمهایی که در حق کارگران میشود و وقتی کارگر مبارزی از شرکت اکباتان در وزارتکار میگوید:

"ما شبها بدون لحاف روی زمین میخوابیم هیچ پولی برای خرج کردن نداریم، اینجا هم که میآیم، ما را برمیگردانند".
در چنین شرایطی که حیات و زندگی کارگران ما به سیاستهای انقلابی وابسته است، دولت ایشان چه کرده اند؟

آیا سازندگی جزاینست که دولت موقت می بایست بانکهای امپریالیستی و دلان ایرانی آنها را ملی میکرد، که نکرده؟ جزاینست که اموال تمام سرمایه داران دلال و سرمایه داران چپا و لگر خارجی را بفتح خلق مصادره میکرد، که نکرده و...؟

سازندگی ای که با زحم بهای مکیدن شیره جان کارگر و ریختن دسترنج آنها در جیب همان سرمایه داران وابسته قبلی باشد، کجا میتوان اسمش را سازندگی گذارد؟ این سازندگی، عمدتاً برای کیست؟ برای کارگران برای روستائیان، برای سایر زحمتکشان جامعه ما یا نه، این سازندگی بیشتر در خدمت سرمایه داران و کارفرمایان است و زندگی آنها

آقای داریوش فروهر، وزیر کار و امور اجتماعی در دیدار نوروزی با کارگران، سخنانی خطاب به آنها ایراد کرده که برای روشن شدن هرچه بیشتر گفته های ایشان، لازم دیدیم قسمتهایی از صحبت های آقای وزیر را در این جا بیاوریم. آقای داریوش فروهر در اول صحبتش میگوید:

"انقلاب ما وارد مرحله جدیدی شده است و دوره سازندگی را آغاز کرده است مرحله سازندگی ایجاب میکند که با همه نیرو به کار بپردازیم و این، یک کار انقلابی است که نیاز به نظم و فداکاری دارد."

وقتی آقای فروهر صحبت از سازندگی میکند باید دید این سازندگی چه معنایی دارد و در خدمت چه طبقه ای قرار میگیرد؟ آن وقت است که میتوان کارگران را بطور فعالانه دعوت به کار کرد و آن وقت است که کارگران هم آگاهانه باین ندا، پاسخ مثبت میدهند.

از موقعی که طبقه کارگر بوجود آمده است، دشمن سرسخت و آشتی ناپذیر کارگران در همه جا، سرمایه داران چپا و لگرو بوده اند. در ایران، مبارزات دلیرانه کارگران با سرمایه داران سرسپرده، هر لحظه اوج بیشتری گرفته و میگیرد. با توجه باین مطلب که دشمن طبقاتی کارگران، سرمایه داران هستند و همه میدانیم که اغلب کارفرمایان خونخوار و سرسپرده رژیم سابق، همچنان در کارخانه ها سر جای خود مانده اند و کارخانجات آنها هیچکدام ملی نشده است و تمام منافع و سودآوری کارخانه ها بجنب همان غارتگران سابق میروند که رژیم شاه را نمایندگی خود میدانستند، با این ترتیب، افزایش تولید و سازندگی ای که

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

که از جانب امپریالیستها و دلان داخلی آنها در حق کارگران میشود، از بین برده و وضع زندگیشان را بهتر کند. کارگران با شرکت فعال در انقلاب و صدمات زیادی که در این مدت به زندگی آنها وارد آمد، بنحوی که هم کارشان را از دست دادند، هم ۶۵ ماهست که حقوقی دریافت نکرده اند، حلافقیرتروبی چیز تر از گذشته شده اند. آنوقت وقتی که کسی بدادشان نمیرسد و خودناچار میشوند برای رساندن فریاد حق طلبانه شان به گوش دولت، دست به راه پیمائی، تحصن و اعتراض بزنند، بلافاصله از طرف سخنگوی دولت به آنها مارک "ضد انقلابی" "اخلالگر" و ... زده میشود.

آیا واقعا نتیجه انقلابی که کارگر و روستائی و زحمتکش شهری در راه آن فداکاری ها کردند و جانها باختند، باید این باشد؟ آنوقت همین دولتی که هنوز یک قدم اساسی برای برچیدن کامل استثمار امپریالیستها و دلان داخلی آنها برنداشته، وزیرکارش از آنها میخواهد که از توقعاتشان کم بکنند! و بر عکس بیشتر کارکنند!!

براستی، کارگر از کدام توقعش کم کند؟ کارگری که زندگیش در حال از هم پاشیدن است و چندماهست که حقوق نگرفته و کارگری که شبها با شکم گرسنه و یانیم سیرو باغم و اندوه بیکاری میخواهد، چگونه میتواند از توقعات خود بکاهد؟ اصولا از کدام "توقع"؟ آیا خواستن حق و حقوق چندماهه اخیر، "توقع" است و نشانه پرتوقعی کارگر است؟



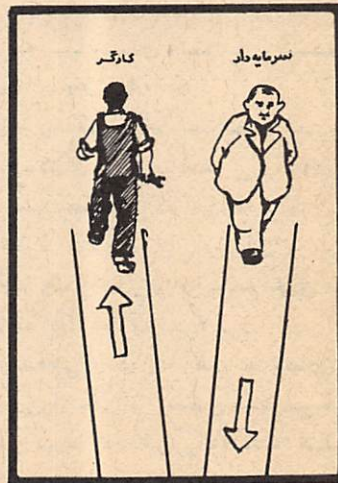
از صحبتهای آقای وزیر کار چنین برمیآید که دل ایشان به حال اقتصاد کشور و تولید کشور میسوزد. در ظاهر ممکن است این دلسوزی چیز بسیار خوبی هم بنظر بیاید ولی اگر یک کمی با خودمان فکر کنیم، میبینیم که اصطلاحا اقتصاد کشور و تولیدات واحدهای تولیدی برای چیست؟ مگر نه اینست که اینها همه باید در خدمت

را بهبود میبخشد و موقعیت سیاسی آنها را تحکیم میکند و شرایطی را برای زندگی هرچه مرفه تر آنها فراهم میسازد؟

داریوش فروهر سپس میگوید:

" ما نباید فراموش کنیم که در پایان یک جنگ هستیم و در همه جا، چنین وقتی، کمربندها را سفت ترمی بندند و توقعات را میکاهند و نیروی کار را میافزایند و حتی زندگی جیره بندی سختی را پشت سر میگذارند".

این درست است که مادر پایان یک جنگ هستیم و در عین حال در این جنگ، از تمامی طبقات و اقشار خلق از قبیل کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان شهرو روستا شرکت فعالانه داشتند. اما مسئله ای که مهم است، اینست که نتایج این جنگ عمدتا بِنفع چه کسانی تمام شده؟ و در پایان آن، چه طبقاتی برمسند قدرت تکیه زده اند؟ آیا از نمایندگان انقلابی کارگران نیز کسی در رأس قدرت هست یا نه؟



کارگران ما تا قبل از انقلاب، زندگی بسیار سخت و مشقت باری داشتند و شرکت آنها در این انقلاب با این خاطر بود که حکومت بعدی که سرکار میآید در اولین قدم استثمار و اجافی

ارسیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

قرار باشد ذر حکومت فعلی هم، همان مدیریت گذشته در کارخانه‌ها سرکار باشد، آنوقت دیگر چه فرقی با گذشته کرده است؟ اینجاست که باین نتیجه میرسیم که وقتی وزیر کار این قدر دلسوزی اقتصاد کشور را میکند، این دلسوزی در نهایت بنفع چه کسانی تمام میشود. راه انداختن کارخانه‌ها و کارگاه‌هایی که وابسته بر رژیم قبلی و وابسته بخارج هستند، تنها از یک طریق میتواند واقعاً بنفع کارگران و تمام خلق باشد و آن اینست که دولت فعلی شوراهای کارگری را برسمیت شناخته و ضمن ملی کردن این کارگاهها و کارخانه‌ها و کوتاه کردن دست صاحبان و مدیران سابق شوراهای کارگری را در اداره امور تولید و فروش کارخانه‌ها دخالت بدهد.

در اینجا بیک چشمه دیگر از سخنان آقای فروهر میرسیم. ایشان میگویند:

منافع مردم و زحمتکشانی بکاربرده شود که نقش اصلی را در تولید اجتماعی کشور دارند و اقتصاد کشور را در واقع همانها میسازند؟ اگر جواب مثبت است، پس آنوقت این سؤال پیش میآید که وقتی آقای فروهر میگوید:

"ما باید کوشش کنیم حتی آن کارگاهها و کارخانه‌هایی که مدیریت آن، با نظام فاسد گذشته و استبدادگر گذشته بستگی داشته است، به شکل شده بکار ببندازیم!" راه انداختن این کارگاهها و صنایع با آن مدیریت سابق و بدون اینکه سیاستی در جهت ملی کردن تمام صنایع وابسته وجود داشته باشد، عملاً بنفع چه کسانی تمام میشود؟ خوب، مادر گذشته شاهد بودیم که چگونه مدیریت و مالکیت کارخانه‌ها طوری بود که منافع آنها تمام و کمال بحیب سرمایه داران و رژیم خونخوار پهلوی میرفت و برای کارگر فقط بدبختی و در بدری اش باقی میماند. آنوقت اگر

قانون کار باید از دل خواستهای کارگران بوجود آید!

قانون جدید کار باید تا مین کننده، منافع واقعی کارگران را تجدیده و ستمکش میهن ما باشد. بدین جهت این قانون نمیتواند بوسیله عوامل سرمایه داران را الوصف و یا کسانی که هیچگونه ارتباطی با درد و رنج زحمتکشان ندارند تنظیم شود. قانون کار باستانی بوسیله خود کارگران تنظیم گردد. بدین ترتیب که شورای هر کارخانه خواستهای کارگران کارخانه را جمع آوری کرده و بعد این خواسته‌ها را به شورای متحد و سراسری کارگران که از متحد شدن شوراهای رشته‌ها و صنفهای مختلف بوجود میآید، ارائه میدهد. در این شورای متحد سراسری روی خواسته‌های کارگران سراسر ایران بحث میشود، و از میان اینها، خواسته‌های همگانی کارگران ایران بدولت ارائه میگردد و بر اساس این خواسته‌ها قانون جدید کار در مجلس مؤسسان با نظارت مستقیم کارگران تصویب میگردد.

مستحکم باد اتحاد و همبستگی کارگران!
"سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

اسفند ۱۳۵۷

تراکت شماره ۳۷

بهرحال، ما دیدیم که این شوراها ، بتدریج که حکومت شاه ضعیفتر میشد و بیشتر از هم میپاشید، بیشتر بوجود میآمدند و رشد پیدا میکردند. این شوراها را خود مردم و با فکر دستجمعیشان بوجود آورده اند و به هیچوجه خلق الساعه (من درآوردی) نبوده و از طرف کسی بآنها تحمیل نشده است. این شوراها در شرایط فعلی، مهمترین وظیفه شان فشار آوردن به دولت است تا دولت را وادارند هرچه بیشتر منافع زحمتکشان و توده های مردم را بر آورده کند.

آنوقت رفقای کارگر! دیگر خودتان قضاوت کنید که مخالفت با این شوراها و مسخره کردن آنها در خدمت چه کسانی قرار میگیرد؟ و کسیکه میخواهد مبارزات و تشکل کارگران را به سندیکاها که تشکیلاتی فقط صنفی هستند و در خدمت مسائلی از قبیل مزد و سودویژه و اضافه کاری و... قرار دارند، محدود کند و در واقع آنها را از شرکت در مسائل سیاسی بازدارد، کارش بِنفع چه کسانی غیر از سرمایه داران و به ضرر چه کسانی غیر از کارگران تمام خواهد شد؟

باید از آقای فروهر بپرسیم: مگر همین کارگران نبودند که نقش اصلی را در بزاندن آوردن رژیم پهلوی و امیرالایسم داشتند؟ مگر همین کارگران مبارز نفت نبودند که موجب قطع شدن نفت، این شاهرگ حیاتی رژیم شاه خائن شدند؟ مگر همین کارگران نبودند که سالهای طولانی بمبارزات سیاسی خود با رژیم ضد خلقی شاه ادامه دادند؟ پس چرا ایشان میخواهند آنها را از رسیدن بحق طبیعی خود یعنی شرکت در سرنوشت سیاسی کشور، محروم کند؟ آیا این مسخره نیست که مردمی که خودشان حکومت کشورشان را عوض کردند، حالا در حکومت بعدی سرشان را پائین بیندازند و فقط بفکر تامین زندگی زن و بچه شان باشند و بی

"تنهاراه و تنها وسیله دفاع کارگر از حقوق خود، داشتن سندیکا های سالم است و بس. تکیه به شورا های خلق - الساعه (*)، تکیه به کمیته های با اصطلاح انقلابی، که هنری جز از کار با زدا شدن کارگران ندارد، هرگز مفید نیست".

و بدین ترتیب، ایشان با مسخره کردن شورا های کارگری و مخالفت با آنها، کارگران را از شرکت در سرنوشت سیاسی کشورشان و دفاع از منافع طبقاتیشان محروم کرده و در نتیجه قدمی دیگر در راه قدرت دادن هرچه بیشتر به سرمایه داران و دور کردن هرچه بیشتر کارگران از صحنه قدرت بر میدارند.

همانطور که ما بارها در "کارگر، به پیش" شرح داده ایم، شورا های کارگری و اصولا همه شورا های خلقی اعم از شورا های محلی، اداری، دانشگاهی و... همگی سازمانهایی بودند که خلق را متشکل و متحد میکردند و بتدریج که رژیم شاه قدرت را از دست میداد و دیگر مانند سابق نمیتوانست بر مردم حکومت کند، این شوراها بوجود میآمدند و قدرت را در هر محله و در هر محل کسب و کاری در دست می گرفتند و در نتیجه بجای رژیم خائن شاه، خود مردم بر خودشان حکومت میکردند. درست است که در حکومت فعلی (کمیته ها و دولت و...) نمایندگان شورا های خلقی شرکت دارند، اما حکومت فعلی نماینده کامل این شوراها نیست. مخالفت های مکرر و همیشگی که از جانب بخصوص دولت (نخست وزیر، سخنگوی دولت و وزیرکار و سایر مقامات دولتی) با شورا های کارگری، محلی، اداری، دانشگاهی و در انتقاد به جنبه های مثبت این شوراها صورت میگیرد، بهمین علت است.

(*) "خلق الساعه"، معمولا به چیزی میگویند که یکباره و بدون هیچ علتی بوجود آمده باشد و بگوید قول معروف "من درآوردی" باشد.

که چگونه شبهارا پاسداری میدادند و زندگی مردم را سوسامان می‌بخشیدند و مهمتر از این، مبارزات مردم را بر علیه رژیم خائن شاه، متشکل و متحد میکردند. آری، آنوقت آقای فروهز این شوراها را مانع کار دانسته و هنر آنها را فقط در این میدانکه از کار جلوگیری میکنند.

براستی در این میانه، چه چیزی است که از انجام کارها در جهت منافع مردم جلوگیری میکند؟ آیا این شوراهای خلقی هستند که به تجربه امتحان خود را پس داده‌اند و نشان داده‌اند که چگونه به بهترین وجهی میتوانند منافع زحمتکش‌ترین اقشار و طبقات جامعه را بر آورده کنند، یا حرف‌ها و سنگ اندازیهای وزیر کار است که با مخالفت با شوراهای کارگری و جلوگیری از رشد شوراهای هم ریش و هم قیچی را بدست سرمایه داران میدهد و در نتیجه موجب میشود که کارها به نفع آنها انجام شود؟

در شرایط فعلی کارگران ما بخوبی پی برده‌اند که دیگر نباید مانند گذشته مبارزات خود را فقط به مسائل صنفی محدود کنند. و از همین جهت است که برای دفاع از حقوق سیاسی خود، دست به تشکیل شوراهای کارگری زده‌اند. کارگران پیشرو همین ما، پی برده‌اند که فقط به وسیله شوراهای میتوان به درخواستهای سیاسی و همچنین صنفی رسید.

و براستی وقتی کلیه این مسائل را در نظر میگیریم، آنوقت می‌بینیم که این حرف وزیر کار که میگوید: "شوراها هنری جز از کار بازداشتن کارگران ندارند و هرگز مفید نیستند" تا چه حد ضد انقلابی است. شوراهایی که تاکنون تنها در بخش صنایع، موجب شده‌اند تا کارگران برخی از مزایا و حق و حقوقهای خود را از کار فرمایان نشان پس گرفته و مهمتر از آن در امور کارخانه‌شان نقشی فعال داشته باشند. شوراها - هائی که در محلات مختلف شهرها شاهد بوده‌ایم

شورای کارخانه جای کارگران مبارز است!

کارگران مبارزی که در طول سالهای گذشته بر ضد سرمایه‌داران و رژیم جنایت کار پهلوی مبارزه کرده‌اند، کارگرانی که بحقوق اولیه و مسلم کارگران آگاهند و در پی کسب آن مبارزه کرده‌اند، در اعتمادات گذشته نقش فعالی داشته و بارهبری آنرا عهده داشته‌اند، چنین کارگرانی بدون توجه به عقیده و مرام و مذهبشان باید در شورای کارخانه شرکت کنند.

کارگران باید هشیار باشند و اجازه ندهند که عوامل کارفرما، کسانی که تا دیروز آشکارا بر ضد کارگران و نفع کارفرما کار میکردند، امروز خواسته‌های بحوک کارگران را با تحریف بکشانند. این عوامل خود فروخته با هر عقیده و مرامی، دشمن کارگران هستند. کارگران مبارزی که تمام سعی و کوشش خود را برای متحد کردن طبقه کارگر و بدست آوردن حقوق از دست رفته آن صرف کرده و میکنند، خدمتگزار واقعی کارگران هستند و عقیده آنها هرچه باشد برای طبقه کارگر فرقی نمیکند و تنها شرط شرکت در شورا " مبارز بودن" است نه عقیده و مرام.

مستحکم باد اتحاد و همبستگی کارگران!

" سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر "

تراکت شماره ۳۸

اسفند ۱۳۵۷

رژیم مزدکارگران و کارفرمای کارخانه‌ها

۲۶ اسفند مبلغی جزئی سود به کارگران پرداخت شد بطوریکه به هر کارگر برای ۶ ماه حدود معادل ۱۰ تا ۲۰ روز حقوق سود پرداخت شده در حالیکه میبایست طبق قوانین خود شان لااقل معادل ۲ ماه حقوق سود میدادند. کارگران که تنها از این چندرغاز سود ویژه میتوانند حداقل احتیاجات شب عید خود را تامین کنند و هم اکنون با این گرانی سرسام آور که حتی نسبت به قبل از قیام هم قیمتها خیلی بیشتر شده است دیگر حتی قادر به تامین حداقل مایحتاج زندگی نیستند، تا چه رسد به خرید شب عید. بر روی این مسئله کارگران شدیداً از این چپاول کارفرمای زالو صفت به خشم آمده و دسته جمعی به طرف اتاق مدیران مزدور رفتند وقتی مارکاریان (قائم مقام مدیرعامل) مزدور با اعتراض کارگران روبرو میشود میگوید " همینکه هست هر کار میخواهید بکنید. " و حرفهای این مزدور نمک بیشتری بر زخم کارگران غیور پاشید. کارگران مبارز و خشمگین تاب تحمل این همه بیشرمی و وقاحت مارکاریان را نیاورده و برای تنبیه این مزدوران بیشرم، مارکاریان و مکی (مدیر امور اداری و عامل ساواک) و چند مدیر دیگر را بشدت کتک میزنند. مارکاریان با همدستی دو تن از عواملش فرار را برقرار ترجیح میدهد و با وجودیکه کارگران مبارز در کارخانه را با زنجیر بسته بودند ولی این خائن برای نجات جانش بشدت با ماشین آخرین سیستم به در بسته میگوید و در را از جا میکند و دو نفر از کارگران مبارز را هم زیر میگیرد که بشدت زخمی میشوند و با وجودیکه کارگران خشم آلود لاستیک ماشین را با چاقو پاره میکنند باز هم از معرکه میگریزند. پس از اینکه مکی (مدیر اداری) کتک مفصلی میخورد بوسیله چند نفر در اتاقش را میبندند و او را نجات میدهند. مکی این مزدور ساواک قبل از اینکه نوبت کتک خوری او بشود در



مستراح مخفی شده بود که مجهز به تلفن بود بعد کارگری در مستراح را باز کرده بود و مکی کشیف پرسیده بود اینجا چکار داری؟ دوست کارگر گفته بود دنبال تو میگشتم که پیدايت کردم. بعد او را هم کتک مفصلی میزنند و وقتی در اتاق از پشت بسته میشود کارگران که از فشار ظلم و ستمی که به آنها شده بود بجان آمده بودند مرتب به اتاق این مزدور و انصافی مزدور دیگر حمله میکردند و قصد جان

- ۱- شورا هر هفته ۲ ساعت کارگران را جمع کرده و گزارش کار خود را به کارگران بدهد و متقابلاً کارگران هم حرفهای خود را مطرح نمایند .
- ۲- ایجاد کتابخانه و نمازخانه در کارخانه .
- ۳- جلوگیری از سوءاستفاده مدیران .
- ۴- تمام کسانی که بجرم همکاری با ساواک شناسائی شده اند با مدرک تحویل کمیته امام داده شوند .
- ۵- علت پرداخت نشدن سود با اطلاع ما برسد .
- ۶- يك نفر از طرف کمیته امام مامور شود تا به تمام کارهای کارخانه رسیدگی کند .
- ۷- در مورد عیدی پاداش و اضافه حقوق کارکنان بطور عادلانه تصمیم گرفته شود .

۰۰۰-۸

کمیته امام از اخراج مدیر عامل ساواکی جلوگیری کرد و کارگران را به امتحان دعا و دعوت کرد!

سپس کارگر دیگری در مورد کمبود سود ویژه صحبت نمود و گفت سود ما نباید کمتر از ۶ ماه باشد و کارگران او را تایید کردند . چند کارگر دیگر هم در دل‌هایشان را مطرح نمودند . سپس کارگران از مکی (مدیر اداری) این عامل کثیف ساواک خواستند بیاید و در حضور همه به سوالات کارگران جواب بدهد و محاکمه شود که چرا به خواست کارگران توجهی نکرده است و ... که ابتدا این مسئله با مخالفت کمیته امام روبرو شد که اگر مکی اینجا بیاید امنیت ندارد شلوغ میشود و ... ولی کارگران مبارز دست بردار نبودند و همچنان اصرار داشتند که مکی کثیف را چند نفر مسلح برای سخنرانی آورند . مکی با سرو صورت خراشیده همچون موش حیل‌گرس شروع به صحبت نمود . این مزدور حرفهایش را بانام خدا شروع کرد و گفت که من برای شما خیلی کارها کرده‌ام ما به شما حق مسکن دادیم و ... وقتی که هیچ کارخانه ای حقوق نمیداد و همه جا تعطیل بود ما یک روز حقوق شما را به عقب‌نیزنداختیم و به موقع پرداخت کردیم . حالا

این دو مزدور را داشتند که با وساطت یکی از نمایندگان مبارز و برای جلوگیری از بیاشوبی و خونریزی کارگران آرام گرفتند و به این ترتیب از شدت خشونت کاسته شد . یکی از اعضاء شورا گفت که این مزدوران را تحویل کمیته می‌دهیم و از آنها میخواهیم همانطور که نصیری را محاکمه و مجازات کردند باید اینها را نیز محاکمه و مجازات کنند . این نظر مورد توافق قرار گرفت و بعد به کمیته امام و وزارت کار اطلاع داده شد و از کمیته و وزارت کار افرادی آمدند . ابتدا دو نفر از کمیته امام صحبت نمودند که نباید عجله داشت و باید صبر کرد و ...

سپس یکی از کارگران خواستها را مطرح کرد و مورد تأیید کارگران قرار گرفت . بعد یکی دیگر از کارگران خواستهای دیگری را مطرح نمود که این خواستها بعد از توافق کلیه کارگران به کمیته امام داده شد .

خواستهای که کارگر اول مطرح کرد بدین شرح بود

- ۱- ما خواستار اخراج فوری و محاکمه شدیدی مدیران مزدوری که بر ضد کارگران کار کرده اند هستیم
- ۲- ما خواستار انتخاب مدیران لایق و ... با نظارت کمیته امام هستیم .
- ۳- باید شورای کارکنان بر خرید و فروش نظارت داشته باشد .
- ۴- ما خواستار رفع تبعیض بین کارگران و کسار-مدان هستیم .
- ۵- ما خواستار ملی کردن کارخانه های وابسته به امپریالیسم از جمله کارخانه ارجمند هستیم .
- ۶- به سبب آنکه کارفرما بر علیه شورا توطئه چینی کرده است لذا ما خواستار تثبیت شورا هستیم .
- ۷- کارفرمای غارتگر به بهانه عدم تولید سود ما را دزدیده است ولی ما خواستار حق از دست رفته خود هستیم .
- ۸- ما خواستار محاکمه مارکاریان که رفقای ما را زیر گرفته است هستیم .

سپس یکی دیگر از کارگران سایر خواستها را بدین شرح مطرح نمود :

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

و ضد کارگری کارفرما خوابیده است و نباید به بهانه خوابیدن افشاش و آشفتگی در کارخانه شورا از هم بپاشد، در حالیکه قضیه از جای دیگری آب میخورد. همه آمدند تا شورا را در هم بریزند ولی آنچه تضمین کننده بود و مانع در هم ریختن شورا شد یکپارچگی و حمایت کامل کارگران از شورا بود. سپس در مورد اینکه نباید عجله داشت و کارها یک شبه درست نمیشود صحبت نمود. مگر ما حرفهای آقای بازرگان را نشنیدیم که میگفت باید صبر کرد تا کارها را درست کنیم. در واقع ما با این کارمان بر مشکلات دولت می افزاییم و این کار شما درست نبوده و... و ایشان کلاً این برخورد هارا تقبیح نمودند. تعدادی از کارگران به سخنرانی او اعتراض کردند و خواستار قطع صحبت او شدند و گفتند ساکت شو. این فرد عصبانی شد و ادامه داد که ممکن است من برخلاف میل شما حرف بزنم ولی شما گوش کنید ببینید چه میگویم. ولی کارگران رنجبر دیگر تاب تحمل حرفهای او را نداشتند.

روز بعد هم آقای آمد و صحبتهایی نمود و هدفش فقط این بود که تبلیغاتی بر علیه شورا بنماید و بطور غیر مستقیم دست به حملاتی بر علیه شورا میزد که اینها فلان کردند، خنجر از پشت زدند و... در آخر هم عوض پاسخگویی به نیازهای فوری کارگران آنها را به صبر و حوصله دعوت نمود و در این میان دشمن اصلی که سرمایه داران وابسته و غارتگرند، از یاد برده شد. در حالیکه دشمن اصلی و واقعی کارگران چپاولگران و استعمارگران هستند و کارگران از هر کسی که از منافع واقعی شان حمایت کند پشتیبانی میکنند. ولی ایشان حمله و مبارزه شان را متوجه مدافعین واقعی طبقه کارگر کرده بودند. آنچه از مجموع گفته های ماموران دولت موقت وزارت کار کمیته امام و... بر می آید اینست که مرتب و دائماً مردم و بخصوص کارگران را به صبر و حوصله دعوت میکنند و در مقابل خواسته های بحق کارگران به وعده و وعید متوسل میشوند و... و برای آنکه از پاسخگویی به درخواستهای حق طلبانه کارگران طفره روند به زندگی حضرت علی و تحمل سختی ها از جانب ایشان

هم اشتباهی شده جبران میشود... بجدم ما به نفع شما کارهای زیادی انجام دادیم... و یک سری ابا-طیل دیگر ذکر کرد.

بعد یکی از اعضای شورا جوابش را داد که "لازم نیست جانماز آب بکشید. ماهیت شما بر همه روشن است. شما شیکه جاسوسی بر علیه کارگران بوجود آوردید و دست به شکار کارگران مبارز میزدید و حالا دم از دفاع از حقوق کارگر میزنید..."

سپس یکی دو نفر دیگر از کارگران هم در مقام جواب گوئی به این خائن برآمدند و ماهیت ضد کارگری او را بخوبی افشا نمودند.

بعد آقای اصلانی که بازرس وزارت کار بود شروع به صحبت نمود و هدفش در واقع بر هم زدن شورا و انتخاب مجدد بود. چون در این شورا افراد مبارزی انتخاب شده بودند که دقیقاً از منافع و حقوق کارگران دفاع میکنند و در ادامه صحبت هایش گفت که برای اینکه جلوی این شلوغیها گرفته شود و نظم و آرامش در کارخانه برقرار شود ما آمده ایم تا مجدداً انتخابات نمایم.

آقای اصلانی غافل از این بود که در قطع نامه ای که چند دقیقه قبلش خوانده شد کارگران بر لزوم تشییع شورا تأکید نمودند و همه کارگران به خواست آقای اصلانی جواب رد دادند و گفتند "ما همین شورا را قبول داریم". آقای اصلانی باید توجه داشته باشند همان طور که میدانند اشکال کار و ایجاد تشنج از شورا و نمایندگان نیست بلکه همه چیز در ماهیت سرسپردگی



و مشکلات کارگران رنج دیده، میهنمان توجه شود. در همین جریان زد و خورد بخوبی شاهد بودیم که وقتی میگفتی فلان مقام دولت چنین گفته و باید به حرقش توجه کرد کارگران خشم آلود و ستم دیده پاسخ میدادند که آنها اگر به خواست ما توجه نکنند ما آنها را قبول داریم. این حرفی بود که از مضمون گفته های صدها کارگر غیور برمی آمد. بله کارگر اگر صبر ایوب هم میداشت طاقتش طاق میشد. بعد آقای اصلانی نماینده وزارت کار میگوید شما که چند سال صبر کردید یکی دو ماه دیگر هم صبر کنید. قبلاً هر طور زندگی میکردید حالا هم بکنید تا کارها درست شود.

درست است که کارگر سالها زیر فشار دیکتاتوری و خفقان صبر کرده ولی حالا که مبارزه کرده و خون داده و آزادی را بدست آورده است چرا لب بر لب بگذارد و دم بر نیآورد و خواسته های خودش را مطرح نکند؟ و شما این مسئله را هم در نظر نمیگیرید که قبلاً اگر زندگی کارگر نابسامان بود و رو به وخامت شدید میرفته ولی لاقط آن موقع وسائل اولیه زندگی و مواد غذایی به این شدت گران

و... متوسل میشوند که باید ما هم مثل آنها زندگی کنیم و مبارزه سختی دارد و... همه میدانند مبارزه سختی دارد و... ولی آیا کسیکه میخواهد مبارزه کند باید از حداقل معاش زندگی برخوردار باشد تا بتواند به حیات خود ادامه دهد، یا نه؟ کارگران بسیاری هستند که اگر به حقوق روزمره خود اکتفا کنند زن و بچه آنها از گرسنگی تلف میشوند و اغلب مجبورند مقداری از مواد غذایی خود را از دهات و... تامین کنند. آیا کارگری که ۴۲ تومان دستمزد میگیرد و ۴۰ تومان کرایه میدهد و با زن و بچه در این شرایط چگونه قادر است به زندگی خود ادامه دهد. و آیا باز هم برای چنین کارگری صبر کردن امکان پذیر است؟ کارگری که زندگیش در حال از هم پاشیدن است و بسمت خانه خرابی و نابسامانی پیش میرود واقعا حق هم دارد و باید با چنگ و دندان از منافعی دفاع کند. و در چنین شرایطی وعده و وعید و توسل به رهبر و... و عقب انداختن خواسته های بحق کارگران نتیجه ای ندارد جز آنکه کارگر را بیشتر به آنها بی اعتماد میکند، مگر آنکه به عمق خواسته ها

سود ویژه امسال نباید کمتر از سالهای گذشته باشد

در حالیکه کارگران بی از ماهها اعتصاب و بیکاری و اجراج و تخریب حقوق چندین ماه خودبیش از هر طبقه و دسته دیگر لطمه مالی دیده اند، در حالیکه چندین میلیون کارگر را خطر بیکاری و سدسال آن بی پولی تهدید میکند و در حالیکه سال نو فرا میرسد و کارگران نیز همچون تمامی مردم عموماً نیاز به پول بیشتری جهت خریدهای عید دارند، کارفرمایان خونخوار و سیرجیم خواهند به بهانه های مختلف از پرداخت سود ویژه بمقدار سالهای پیش خودداری کنند، آنها تعطیلات کارخانه ها و واحدهای صنعتی و میزان تولید و فروش را بهانه این عمل ضدکارگری خود قرار داده اند، حال آنکه همه کارگران بحوسی میداند سود ویژه ای که تا طول تمام این سالها کارفرما حق مسلم کارگران را خورده است و واقعی خود کارگران نبوده است، و در طول تمام این سالها کارفرما حق مسلم کارگران را خورده است و اکنون هم وقاحت و سبخرسی است که لاقط سود ویژه را بمقدار سالهای قبل پرداخت نکند، کارگران مصرأ خواهان پرداخت سود ویژه لاقط بمقدار سالهای قبل هستند. ما همبستگی خود، مقاومت کارفرمایان را در هم شکستیم.

بسرور ساد مبارزات طبقه، کارگر!
" سازمان بیکار در راه آزادی طبقه، کارگر"

آرشیو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه ۱۳۸۷/۱۲/۲۵

میکنند . حرفهایشان را در دهان شما می گذارند . آنچه اینها میکنند و آنچه خارجی می کند ، نمیخواهند ملت ایران مستقل و آزاد و بیدار شود . آلت دست اینها نشوید"

در پایان از مردم فرصت و وقت میخواهند و توصیه میکنند که حوصله داشته باشید سازشکاری نداشته باشید

بله آقای بازرگان شما مطرح میکنید: "کارگران دستبازان را گرفتند ولی آن بازاری بیچاره"
اولاً آنهائیکه دستبازان را گرفتند همه کارگران نبودند و بودند بسیاری از کارگران که اخراج شدند و ماهها حقوق نگرفتند و هنوز هم بیکار هستند . مگر کارگران کاشی سعدی نبودند که چهار ماه متوالی

هیچ دستمزدی دریافت نداشتند ؟ چطور شما میگوئید کارگر دستمزدش را گرفته است ؟ همه کارگران ، مبارزه بازاریها و را کاملاً تائید میکنند و قبول دارند که آنها هزار درد و رنج

را تحمل کرده اند . ولی اگر صادقانه با مسائل و واقعیات برخورد کنیم قبول می کنیم که هیچ طبقه و قشری به اندازه طبقه کارگر ستم نکشیده است . آن بازاری که شما نام بردید لاقبل برای چند ماه زندگی پس انداز داشت . ولسی کارگری که یکروز حقوقش دیرشود قادر نیست زندگی روزمره اش را تامین کند ، در سخت

ترین دوران ، شب و روز گرسنگی و سرما و ناراحتی و مرضی فرزندانش را تحمل کرد و حاضر نشد اعتصابش را بشکند و بالاخره رژیم مغفور پهلوی را به زانوسد آورد و حالا بعد از اینهمه مبارزه و سختی کشیدن شما چطور به خود اجازه میدهید اعتراضات حق طلبانه کارگران را تقبیح کرده و آنها را به صبر و حوصله دعوت کنید ؟ صبر و حوصله برای چه ؟ برای آنکه مبادا کارفرمایی که میلیونها و میلیارد ها تومان پس انداز و سرمایه و دارد دلخور شود و دیناری از این ثروتش که از مکیدن خون کارگران بدست آمده به کارگران برسد .

کارگران قهرمان ما مبارزه نکردند که شما دست و پایشان را ببوسید . آنها نه برای شما بلکه برای آزادی مردم غیور ایران مبارزه کردند و حال نمیخواهند از گرسنگی بمیرند ، در حالیکه سرمایه داران ثروشان

نبوده است . آن موقع همان گوشت بیخ زده کیلویی ۱۳ تومان گیر می آمد ولی الان کارگر همان گوشت بیخ زده گیرش نمی آید و مجبور است حقوق یک روزش را بدهد یک کیلو گوشت بگیرد و ... همه اینها را می بینیم در حالیکه حقوق کارگر کاملاً ثابت مانده است و حتی بسیاری از کارگران اخراج شده اند و حقوق دریافت نکرده اند و زندگیشان در حال تلاشی و از بین رفتن است . باز هم میگویند صبر کنید . صبر همدی دارد . شما ماهی ۱۶ هزار تومان حقوق می گیرید زندگی تان کاملاً تامین است و واضح است که از درد گرسنگان بی خبرید . مثلاً معروفی است که میگوید "آنکس سیر است گرسنه را دیوانه پندارد ."

در همین جایی مناسب نیست به سخنان آقای بازرگان در روز چهارشنبه ۲۳ اسفند توجه کنیم: "خیلی از برادران کارگر ما میگویند که ما اعتصاب کردیم و خودتان هم میگویید که اعتصاب کارگران باعث پیروزی شد ، حرف هم درست است . میگوئیم که درست است شما اعتصاب کردید . دستتان و پایتان را هم میبوسیم . اما شما دستمزدتان را گرفتید . آن بازاری بیچاره آن صاحب دکان ، آنها که چند ماه دکانشان بسته و از مایه خوردند و در بعضی شهرها حتی دکانشان را غارت کردند و از بین بردند و جان و مالشان را نابود کردند . ما از آنها خجالت می کشیم و در قسمت دیگری از سخنانشان چنین میگویند که: " ... اما اینها میگویند مرغ یکپا دارد و حربه قوی هم درست دارند . حربه اعتصاب و اجتماع . می آیند مثلاً اداره کار را تصرف میکنند . کارمندان و رؤسا را توقیف میکنند و تا دینار آخر پولشان را میخواهند . قسمت دیگر سخنانشان چنین است که: " اطلاعاتی داریم که افرادی از خارج راه افتاده اند ، در داخل هم هستند ، البته قلیل هم هستند ... اینها در دسته های شما می آیند ، میان کارگران میروند ، ظاهراً دلسوزی میکنند . اطلاع داریم که کسانی از دانشجو - یان میروند در دهات و کارخانه ها ، عوض اینکه بروند سرکلاشان . آنها از اجتماعات سوء استفاده

می کنند و می گویند اینها بنفع خارجیان کار می کنند. دانشجویان مبارز در جریان انقلاب بارها و بارها به کمک همزمان خود در کارخانه ها شتافته اند و به درد و رنج آنها پاسخ گفته اند و در بحرانی ترین شرایط با کمک یکدیگر دستمزد خود را از سرمایه داران زلوصفت بزور گرفته اند و در جهت بالا بردن آگاهی سیاسی کارگران گامهای موثری برداشته اند و آنها را به حقوق خود آشنا کرده اند و به آنها کمک کرده اند که چگونه حق خود را بگیرند و کمک کرده اند که به نقش اصلی خود در انقلاب واقف شوند و خود را به عنوان پیشروترین و پیگیرترین طبقه بشناسند. مگر همین دانشجویان نبودند که در بسیاری از کارخانه ها از جمله بنز خاور، الیاف، زامیاد، تکوکار، جنرال صنعتی ایران گاو، کابل سازی ایکو، چیت سازی ممتاز و... به حمایت و پشتیبانی کارگران مبارز شتافتند؟ بعد شما چگونه بخود اجازه می دهید آنها را تحریک کننده و عامل خارجی بدانید. مگر آنها کاری جز بالا بردن سطح آگاهی کارگران و گرفتن حقوق حقه کارگران از دست سرمایه داران استمارگر کرده اند که شما آنها را عامل خارجی میدانید؟ آیا کارگری که نان شبش را ندارد و در وزارت کار متحصن میشود و حقوق از دست رفته اش را از شما مطالبه میکند، چطور شما این ستم دیدگان را تحریک شده میدانید. ایستادگی و مقاومت شما در مقابل خواسته های حق طلبانه کارگران است که آنها را خشمگین و تحریک میکند.

آقای بازرگان وقتی که شما تحمل شنیدن حرف حق و درد و رنج کارگران و زحمتکشان را نداشته باشید چگونه میتوانید خواسته های توده های مردم را عملی کنید؟ و مهمتر از آن وقتی شما تاب تحمل کوچکترین انتقاد حتی از جانب آیت الله خمینی را ندارید و فریاد اعتراض بر میدارید که ما را "کلافه" کردید و دست و پای ما را "در پوست گردو قرار دادید"، آیا خواهید توانست یک قدم در راه تامین خواسته های بحق مردم که خیلی عمیق تر از اینهاست گام بردارید؟!

پیروز باد مبارزات طبقه کارگر

۱۲۹ سفند

ارسیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

قابل شمارش نیست و هنوز هم دارند به ریش کارگران و زحمتکشان ما میخندند. بجای دست و پا بوسییدن نره ای به فکر زندگی این زحمتکشان باشید. بقول خود شما وقتی که شما بنز آخرین سیستم سوار میشوید مسلماً نبایستی از دل کارگران که ه ریال پول کرایه اتوبوس برای آنها یک وعده صبحانه است خبر داشته باشید و در نتیجه به آقای خمینی اعتراض میکنید که چرا گفته اند اتوبوس باید مجانی باشد. یا افراد کم بضاعت پول آب و برق ندهند.

بجای اعتراض به آقای خمینی و به کارگران زحمتکش برای اینکه قدری سختی زندگی کارگران زحمتکش ستمدیده برایتان روشن شود، بهتر است یک روز و لا اقل یک روز حساب کنید که خرج و هزینه زندگی یک خانواده ۴ نفری با این گرانی و تورم سرسام آور چقدر میشود تا ببینید که کارگران زحمتکش ما با این دستمزد اندک چگونه زندگی میکنند.

کارگران غیور ما که همواره در گرسنگی بسر میرند و دیگر حاضر نیستند همین حداقل حقوقی را هم که موجب میشد فرزند ان آنها دست کم زنده بمانند از دست بدهند و صبر! نمایند و دیگر صبر و حوصله به بهای مرگ تدریجی خود و خانواده شان تمام میشود. این فشارها آنچنان آنها را به تنگ آورده که واقعا هم حق دارند این مزدوران بیشرم را زیر مشت و لگ خود نابود سازند. مزدورانی که دولت آنها را آزاد گذاشته که باز هم خون کارگران را همچنان بکشد. اگر قانونی نباشد که آنها را مجازات کند کارگران خود درد آگاه. های مردمی آنها را مجازات و محکوم خواهند نمود. آیا کارگری که تمام عرصه ها بر او تنگ شده است حق ندارد دست به هر کاری بزند و روسا و مدیران را زیر مشت و لگ بگیرد؟ واقعا هم که حق دارد.

وقتی شما حتی یقتم در راه تامین خواسته های بحق مردم و کارگران برنمیدارید و هر روز بر مشکلات آنها افزوده میشود چگونه آنها را به صبر و حوصله دعوت می کنید؟

در آخر هم می گویند عده ای از خارج آمده اند و با عده ای از دانشجویان، شما کارگران را تحریک

جواب دیدگاه سنج کارکنان جنرال موتورز



جنرال موتورز ایران (شرکت سهامی خاص)

GENERAL MOTORS IRAN, LTD.

Registration No. 16832

Karadj Road, Km. 14

Tehran - Iran.

Telephone : 668365-7

Telex No. 212765 GMIH IR

P. O. BOX 34-251

شماره ثبت ۱۶۸۳۲

جاده مخصوص کرج - کیلومتر ۱۴

تهران - ایران

تلفن : ۶۶۸۳۶۵-۷

تکس : ۲۱۲۷۶۵

مدير طرحه بلکس درمافتي از آفای کس مدير عامل جنرال موتورز ایران

موضوع ۲۹ اسفند ۱۳۵۷

به : کلیه کارکنان شرکت جنرال موتورز ایران

از جانب جنرال موتورز و سایر اعضای هیات مدیران خارجی جنرال موتورز تیریکات خود را بمناسبت فرارسیدن نوروز به کلیه کارکنان جنرال موتورز ایران و خانواده های آنان اسلاخ مداریم.

آن عده از ما که بالاچار در خارج از ایران شاهد توسعه و پیشرفت های ایران بوده ایم تنها میتوانم تحسین خود را در نیال روشی که شما و یادر خدمت تمام ایرانیان ندان وسیله بر مشکلاتان فائق آمده اند ابراز داریم.

مدیریت جنرال موتورز همچسین ساس خود را بخاطر ادامه خدمات مادامه شما با وجود مشکلات حاضر در شرکت جنرال موتورز ایران تقدیم مدارد.

امیدواریم قادر باشیم که هرچه زودتر به شما ملحق شده و بتوانیم وظیفه سازمانی خود را متفقاً در شرکت جنرال موتورز ایران انجام دهیم. مسکاً بآردیکر تیریکات خود را بمناسبت فرارسیدن سالی برار کاماسی و موفقیت به یکایک شما اسلاخ مدارد.

جرالد کس

مدير عامل

به آقای گسن/مدیرعامل فراری جنرال موتورز ایران

۱- از جانب کارگران از شما سؤال میکنیم که شب عید گجا بودید؟ حقوق و سود ویژه ما را چه کسی باید میپرداخت؟ آتزمان که خانواده‌های ما منتظر یک جفت کفش بودند، دسترنج یکساله ما را شما و آن اخوان دزد، بجیب‌زده و فرار را برقرار ترجیح داده بودید.

۲- آن عده از شما که صنعت ما را بالاجبار وابسته به بیگانگان کرده‌اید، همیشه از پلیس و ساواک هم برای سرکوبی مبارزه استفاده میکردید. شما بسه یاری‌نوکر حلقه بگوشان، شاه فراری، میخواستید ما ایرانیان را درزنجیر اسارت و بردگی حفظ کنید.

۳- مدیریت جنرال موتورز همیشه از خدمات صادقانه ما برای پرکردن جیب‌گشاد خود و اربابانش استفاده کرده و اکنون نیز قصد دارد که با ایجاد مشکلات و موانع در راه ادامه تولید، دوباره بردوش ما سوار شود.

۴- امیدواریم قادر باشیم که هرچه زودتر شمارا پیران بازگردانیم. البته نه بعنوان مدیر عامل، بلکه برای تسلیم کردن شما به دادگاه. ضمناً باردیگر به اطلاع شما میرسانیم که ملت ایران دیگر با مثال شما سواری نخواهد داد.

عده‌ای از کارگران

تذکر به شورا:

ما از نمایندگان خود میخواهیم که از این ببعده، خیلی فوری این نوع توطئه‌ها را رسوا نمایند. چون یکی از وظایف اصلی شورا، خنثی نمودن توطئه‌های کارفرما بوده است.



کارگران مبارز!

نامه دیگر جوابیست که عده‌ای از کارگران مبارز کارخانه باین سرمایه دار جناحیتکار نوشته‌اند. هستند کارگران مبارزی که از همین کارخانه کارشان بساواک و زندان کشیده شده. این سرمایه دار خونخوارمانند بسیاری دیگر از همکارانش وقتی باخشم انقلابی مردم قهرمان کشور ما روبرو شد، با کمک نماینده و شریک مزدوش "اخوان" پولهایی را که از دسترنج کارگران بجیب‌زده بودند، برداشتند

نامه‌هایی که ملاحظه میکنید، یکی از آنها عین ترجمه نامه‌ایست که از طرف یکی از سرمایه داران غارتگر و تجاوزکار آمریکائی نوشته شده است. اوسالیان دراز در رژیم وابسته ایران با وحشیانه ترین شکلی، هزاران کارگر را استعمار میکرد و کوچکترین اعتراض و مبارزه حق طلبانه آنها را بکمک ارتش و پلیس مزدور رژیم شاه سرکوب می نمود.

و فرار کردند.
آرشیو اسناد سازمان پیگاز در راه آزادی طبقه کارگر

که تنها بازگشت آنها میتواند بوضع بیکاری و رکود اقتصادی پایان ببخشد.

ما به کارگران هشدار میدهم که با دقت و پیگیری هرچه بیشتر مبارزه با توطئه‌های این جانان بپردازند. در این راه، تکیه اصلی کارگران باید بر روی شورای کارخانه‌شان باشد. اگر این شورا یک شورای کارگری واقعی نیست و نمیتواند در جهت منافع کارگران کار کند، آن را منحل کرده و شورای بوجود آورند که با تمام نیرو در راه هدفهای کارگری مبارزه کند. و اگر این شورا یک شورای کارگری واقعی است، با تمام نیرو در پشت سر آن جمع شده و از آن در مقابل فشارهای دولت، حیلہ‌گریهای کارفرما و کارشکنیهای عناصر مرتجع و غیرکارگرو پشیمانی کنند.

شورای کارگری با تأمین کنترل کارگران بر تولید و فروش کارخانه، بر امور مالی، بر استخدام و اخراج، و سایر مسائل کارخانه و بخصوص با آموزش سیاسی دادن به کارگران و بالا بردن سطح آگاهی کارگران، میتواند بزرگترین مقاومت را در مقابل کارفرما بوجود آورده و تمامی حیلہ‌گریها و کارشکنیهای او را نقش بر آب کند. شورای کارگری کارخانه با کمک کلیه کارگران کارخانه باید با تمام نیرو در مقابل سرمایه داران وابسته و خون‌خواری از قبیل "گن" ایستاده و تا موقعی که دست آنها را بطور کامل از کارخانه کوتاه نکرده‌اند، از مبارزه نشتینند.

اکنون چه شده است که این جانی خون - خوار، برای "کارکنان" جنرال موتورز دُم تکان میدهد!

آیا این دُم تکان دادن نباید هشدار برای کارگران باشد و آنها را متوجه این موضوع مهم بکند که "انقلاب ما" بآن نتیجه قطعی که هدف، خراج گام سرمایه داران وابسته خونخواری مثل "گن"ها را در پیش داشت، نرسیده است؟

آیا این مساله که "گن" بخودش جرئت میدهد که بگوید: "امیدوارم بتوانم هرچه زودتر به کارکنان ملحق شوم"، ناشی از ناتمامی انقلاب نیست؟ و نشان نمیدهد که نتیجه انقلاب بدست دولتی افتاده است که نه تنها نمیخواهد ریشه "گن"ها را از کشور ما قطع کند، بلکه با ادامه کار آنها بصورت سابق هم مخالفتی ندارد؟

بدون شک چرا! و دلیل اینکه آقای "گن" با وجود همه جنایاتی که نسبت به کارگران مرتکب شده چنین جرئتی بخود میدهد، دلیل اینکه بهر طریقی سعی میکند جلوی تولید و ادامه کار کارخانه را بگیرد، دلیل اینکه هنوز هم نوکران مزدور او در مقابل خواستهای بحق کارگران مقاومت میکنند، همه و همه این است که دولت فعلی یک دولت طرفدار منافع کارگران و زحمتکشان نیست. بعلاوه، اینها برای پیشبرد مقاصد پلید خودشان از ضعف دولت هم استفاده کرده و در پیشرفت کار کارگران اختلالگری میکنند، تا بدولت بگویند

تا بودا دتوطئه‌های سرمایه داران جانی تکان

مبارزه را تا قطع کامل نفوذ کارگران خارجی

ادامه دهیم

زنده باد شوراها و واقعی کارگری!

کارخانه‌های وابسته به امپریالیسم باید ملی شوند!

ارشیو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

اعتراف روستا بیاباندار

و حتی شکنجه شان میداد. حق پناه چند محافظ مسلح دارد و یکبار برای اینکه بتوانند گوشمالی خوبی از روستائیان بگیرد، خانه اش را بدست خودش به آتش کشید تا وانمود کند که کاه روستائیان بوده است.

یکی از روستائیان در اجتماع میگفت: "ما خواستار مجازات این جانی هستیم. در حالیکه ما موریین کمیته بجای دستگیری وی ۱۲ نفر از ما را دستگیر کرده اند". اوسپس با صدای بلند و به تندی برعلیه ما موران کمیته سخنرانی کرد. آنان هم پی- محابا شروع به تیراندازی کردند. روستائیان میگفتند:

"آنها بجای اینکه قاتل را دستگیر کنند، ویابوسی او تیراندازی کنند، بطرف ما نشانه میروند. ارتش و پلیس سابق با گاز اشک آور مردم را متفرق میکرد، کمیته- ایها با گلوله (هوائی)".

روز دوشنبه ۲۵ فروردین، حدود ۱۰۰ نفر از اهالی روستای "گلم" واقع در ۶ کیلو- متری ساری، در مقابل دادگستری ساری جمع شده و خواستار مجازات رضا حق پناه میشوند. رضا حق پناه از مالکان عمده این منطقه بوده و حدود ۲۰۰ هکتار زمین دارد. وی ۶ سال پیش به جرم قتل بیرحمانه سه نفر از روستائیان فقط به ۶ سال زندان محکوم شده بود که در سال ۵۷ خود و هم دستش آزاد شدند.

رضا حق پناه زمین دار زورگوئی است که در دوران قبل از زندان، در روستای گلم دهقانان را به بیکاری (کار مجانی) وادار می- کرد و در صورتیکه دهقانان حاضر نمیشدند برای او مجانی کار رکنند، به آزار و اذیت آنها پرداخته

اگر حقوق ارشیمان، با تصویب دولت بختیار!

ثانیا: در شرایطی که دولت برای پرداخت یک واپ ۷۵۰ تومانی در ماه به کارگران، آنچنان شرط و شروطتی میگذارد که عملا کارگر باید از هفت خوان رستم عبور کند تا بتواند به چنین وام کذائیی برسد، آنوقت چگونه است که بهمین سادگی و آسانی، حقوق کارمندان ارتش ناگهان ماهی ۱۰۰۰ تومان افزایش میابد؟ بقول یک ارتشی آگاه:

"معلوم نیست در حالیکه کارگران زیر فشار مخارج زندگی دارند خورد میشوند، چرا بما ۱۰۰۰ تومان اضافه حقوق می- دهند؟!"

مطابق خبرهای رسیده، حقوق کارمندان ارتش هزار تومان در ماه افزایش میابد. وقتی از دولت سؤال شد:

"شما که حتی وام بیکاری به کارگران پرداخت نمیکنید، چگونه حقوق کارمندان ارتش را که خود بخود کفاف زندگیشان را هم میکند، اضافه میکنید؟"

در جواب گفته شد:

"چون لایحه اضافه حقوق به تصویب دولت بختیار رسیده بود!"

شک نیست که دولت با افزایش حقوق کارمندان ارتش، طبعاً میخواهد حمایت آن را به دست آورد. اما نکته قابل توجه اینجاست که این حمایت چرا باید از راه افزایش حقوق کسب شود؟

(اخبار)



راهپیمایی کارگران بیکار تهران

کارگران قرار گذاشتند که اگر تا روز سه شنبه ۲۱ فروردین خبری از جانب دولت نشد، دوباره دست به راهپیمایی دیگری بزنند. در روز سه شنبه تعداد بیشتری از کارگران جمع شده بودند، بنحوی که تعداد آنها به بیش از ۵۰۰۰ نفر میرسید. کارگران از "خانه کارگر" بسمت دادگستری حرکت کردند. در طول مسیر شعار کارگران عبارت بود از:

" حرف بس است عمل کنید، وعده و وعیدتون همیشه تباید کارگران را چگردد، حقوق کارگران پرداخت گردد "

کارگران بیکار تهران که پس از مدت‌ها این در و آن در زدند و رفتن به وزارت کار و اجتماع، در خانه کارگر و... نتوانسته بودند بخواسته‌های برحقشان برسند، ناچار در روز یکشنبه ۱۹ فروردین با تار قبلی در محل خانه کارگر اجتماع کرده و در حالیکه تعدادی از آنها زن و بچه‌هایشان را نیز آورده بودند، بطرف منزل آیت‌الله طالقانی دست به راه پیمایی می‌زنند.

" وعده و وعیدتون همیشه، کار بایا بدیدادیشه " ،
" بازوی هر کارگر، ستون انقلاب است،
بیکاری کارگر، بزرگترین گناه است"
در این روز کارگران شعار بزرگی را هم حمل می‌کردند که بر روی آن نوشته شده بود:
" کشتار و وحشیانه کارگران بیکار اصفهان را محکوم می‌کنیم "
خواسته‌های اساسی که کارگران برای بدست آوردن آنها بوزارت دادگستری می‌رفتند عبارت بود از:

در طول مسیر تعداد زیادی از کارگران به راهپیمایان پیوستند، بطوری که در منزل آیت‌الله طالقانی تعداد آنها به بیش از ۳۰۰۰ نفر میرسید. اما در آنجا جواب درستی به کارگران داده نشد و حتی نماینده آیت‌الله حاضرند پشتیبانی خود را از کارگران بیکار اعلام نمایند.

- ۱- همبستگی با کارگران بیکار سایر شهرهای ایران و محکوم کردن کشتار وحشیانه کارگران اصفهان،
- ۲- رادیو - تلویزیون باید صدای کارگران و زحمتکشان را بگوش ملت ایران برساند،
- ۳- قبول و تصویب طرح پیشنهادی کارگران، در مورد صندوق بیکاری، توسط دولت.

آرشیو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

کارگری (

ماندار شهر، ظهر همان روز قول داد که در عرض یک هفته به کار آنها رسیدگی کند.
دانش آموزان مسجد سلیمان هم از مبارزه کارگران این شهر حمایت کردند و به پشتیبانی از کارگران در اداره آموزش و پرورش این شهر متحصن شدند.

- کارگران خواسته اند که به آنها پاسخی کتبی داده شود، وگرنه از روزشنبه آینه دست به اعتصاب غذای خشک خواهند زد. درخواست های کارگران در قطعنامه، به شرح زیر است:
- ۱- پرداخت یکجای حقوق عقب مانده.
 - ۲- بکارگماردن تمام کارگران بیکار شرکت "پرسیزیون".
 - ۳- استفاده از صندوق بیمه بیکاری تا بکارگماردن کارگران و لغو وام بیکاری.
 - ۴- واگذاری یک ساختمان بعنوان "خانه کارگر".

در مسیر راه، در بسیاری نقاط، کارگران با استقبال مردم مواجه میشدند و این مسئله برای مردم تعجب انگیز بود که چطور در دولت فعلی هم هنوز وضع کارگران مانند سابق است و آنها ناچارند برای کسب حقوق خود، دست به مبارزه بزنند.

کارگران بیکار تهران، پس از رسیدن به وزارت دادگستری، در آنجا متحصن شدند.
رفقای کارگر!

ما گزارش تحصن کارگران بیکار در وزارت دادگستری را در شماره آینده "کارگر، به پیش" به اطلاعتان خواهیم رساند.

اجتماع کارگران بیکار مشهد

در اجتماعی که کارگران بیکار مشهد در تاریخ ۱۵ فروردین در مشهد تشکیل دادند، قطعنامه ای امضا شد. در جریان این اجتماع، ما مورین کمیته امام راحت ننشسته و ۵ نفر را با اتهام ضد انقلابی و خرابکار دستگیر کردند که دو نفر از آنها دانشجوی سه نفر دیگر کارگر بودند. لازم بتذکر است که در گذشته های روز بعد یعنی ۱۶ فروردین کارگران در استان داری هم تعدادی از کارگران به همین اتهامات دستگیر شدند. دستگیرشدگان بعداً بوسیله کوششهای آقای "ظواهر احمدزاده" مبارز خستگی ناپذیر که هم اکنون استانداری خراسان است، آزاد شدند. در حال حاضر، گویا خانه پیشاهنگی مشهد بعنوان خانه کارگر برای کارگران در نظر گرفته شده است.

پیروزی با مبارزات حق طلبانه کارگران!

کارگران مسجد سلیمان متحصن شدند

حدود ۴۰۰۰ نفر از کارگران مسجد سلیمان، ۸ ماه است که حقوق خود را نگرفته اند. تا به حال این کارگران کوششهای زیادی کرده اند تا حقوق حقه خودشان را دریافت کنند ولی تا به حال موفق نشده اند.
روز پنجشنبه ۱۶ فروردین ماه حدود ۵۰۰ نفر از این کارگران دست به تحصن زدند. فر -

بیفتد. یکی از کارگران آگاه هم که با این حیل و
وزارت راه پی برده بود، در حالیکه برگه
ثبت نام را پاره میکرد، با وجودی که ماهها
بیکاری کشیده است، میگفت:

"اگر قرار باشد ما با حقوق کمتری نسبت
به کارگرانی که در آن اداره مشغول
کارند، سرکار برویم، بآنها خیانت کرده ایم"

نکته‌ای که قابل تذکر است این است که
در همین جریانات، وزارت راه تعدادی کارگر
با حقوق روزی ۴۱ تومان استخدام میکرد که
مقدار آن کمتر از مقداری بود که به کارگران
شاغل این وزارتخانه داده میشد. در نتیجه
استخدام کارگران جدید، موجب میشد که موفقیت
کارگران قدیمی شاغل در این وزارتخانه بخطر

و اینک متن کامل قطعنامه:

قطعنامه ۱۳۰۶هـ. ق. کارگران بیکار و مشغول متحصن در راه ۱۳۰۶هـ. ق. ر

چهارشنبه ۱۵ فروردین

ما کارگران، بهمراه دیگر زحمتکشان، در مبارزات حق طلبانه برهبری امام خمینی
شرکت داشتیم و در این راه فرزندان و برادر و خواهرانمان را از دست دادیم. حال که
انقلاب به پیروزی هائی رسیده است، از دولت موقت و آقای استاندار میخواستیم
که بخواسته‌های ما کارگران - که چند ماهی بیکار هستیم - هر چه زودتر رسیدگی شود.

- ۱- دادن کار به تمام بیکاران.
- ۲- دادن حق بیکاری (*) به کارگران مجرد ۹۰۰ تومان و بآنها ای که همسر دارند
۱۲۰۰ تومان.
- ۳- حداقل دستمزدی که باید پرداخت شود، با اندازه قیمت دو کیلو گوشت باشد.
- ۴- محلی را بنام "خانه کارگر" میخواستیم که بتوانیم در آنجا جمع شده تا سندیکا -
های واقعی خود را بوجود آوریم.

این قطعنامه، با امضای بیش از ۴۰۰ نفر رسیده است.

(*) لازم بذکر است که در مورد حق بیکاری، در بند شماره ۲ ابتدا "وام بیکاری" نوشته شده
بود. ولی کارگران آنرا اطلاع کردند. چرا که معتقد بودند باید حق بیکاری بآنها داده شود
نه وام بیکاری.

صبح روز شنبه ۲۵ فروردین، حدود ۳۰۰ نفر
از کارگران بیکار از سه راه آذری بطرف داد -
گستری راه افتادند تا به کارگرانی که در
دادگستری متحصن هستند بپیوندند. اما در بین
راه افراد مسلح زیر نام کمیته امام، بآنها
هجوم آوردند و با تیراندازی و حمله به کار
گران، راهپیمائی آنها را بهم زدند و بزور
آنها را متفرق کردند.

حمله به راهپیمائی کارگران

اعراض و مزایای کارگران معدن گچ "نور" (ترستاق) آمل

بحرق کارگران جواب مثبت دهد. این پیروزی باریگریشان داد که کارگران متحدانه در سنگمبارزه، نه تنها میتوانند خواسته‌های صغی خود را بدست آورند، بلکه میتوانند پشت مرتجعترین و جنایتکارترین رژیم‌ها را هم بخاک برسانند.

متن قطعنامه کارگران معدن گچ "نور" شرح زیر است:

کارگران معدن گچ "نور" در روز ۲۰ فروردین طی قطعنامه‌ای، خواستار برآورد شده شدن مفاد آن گردیدند که اگر تا روز ۲۲ فروردین به خواسته‌های بحرق و اولیه آن‌ها پاسخ مثبت داده نشود، دست با عصاب یکپارچه و تحصن خواهند زد.

کارفرما تحت فشار یکپارچه و متحدکارگران، مجبور شد که در روز موعود به خواسته‌های

بنام خدا

آیا بیشتر آن چیزهایی که در زندگی وجود دارد، با نیروی کارگران تهیه نمیشود؟
آیا این کارگران نبودند که با اتحاد خود بزرگترین ضربه را بدشمن وارد کردند؟
آیا این حق کارگریست که وضع کار روزندگیش بهتر از گذشته شود؟
ما کارگران گچ "نور" (ترستاق) با آگاهی باین مسائل، خواسته‌های ابتدائی و انسانی خود را عنوان میکنیم:

- ۱- ایجاد نمازخانه و نهارخوری و تامین وسایل ایمنی برای کارگران (لباس کار، ماسک کلاه و کفش ایمنی)،
- ۲- پرداخت حقوق ماهیانه در آخر هر برج و پرداخت سودویژه سالانه،
- ۳- قبول نمایندگان انتخابی کارگران از طرف کارفرما،
- ۴- تقلیل ساعات کار به ۸ ساعت در روز و پرداخت اضافه کاری بمیزان دوبرابر دستمزد عادی،
- ۵- مرخصی سالانه طبق قانون کار و پرداخت حقوق تعطیلات رسمی و روز جمعه،
- ۶- گذاشتن سرویس جهت ایاب و ذهاب کارگران،
- ۷- تضمین عدم اخراج غیرقانونی کارگران بهر بهانه،
- ۸- تامین خدمات درمانی و دادن دفترچه بیمه درمانی و احداث چند شاخه دوش آب گرم و سرد،
- ۹- لغو هرگونه کنتراتی که علیرغم تمایل پیمانکاران و کارگران بآنها تحمیل شده است.

ما کارگران جداً خواهیم که خواسته‌های فوق از طرف کارفرما پذیرفته و عملی گردد و تاریخ ۵۸/۱/۲۲ آخرین مهلت برای توافق کارفرما با نمایندگان کارگران قرار می‌دهیم. چنانچه موافقت حاصل نشد، دست با عصاب و تحصن در کارخانه میزنیم.

کارگران معدن گچ "نور" - ترستاق



پیروز شورای کارگران مزدوار

در اسفندماه ۵۷، کارگران کارخانه اتو-مبیل سازی مزد موفقی شدند بپاری تشکلی و اتحادی که در شورای کارگری کارخانه شان به دست آورده بودند، سال ۵۷ بیشتر از هر سال دیگری سودویژه دریافت کنند. کارگران این کارخانه در سال ۵۶ حدود سه ماه سودویژه دریافت کرده بودند که هر ماه ۲/۳ آن پرداخت میشد و ۱/۳ بقیه در آخر سال پرداخت میشد. امدار اسفند ۵۷ کارفرما در اثر فشار شورای کارگری کارخانه که از پشتیبانی سایر کارگران کارخانه برخوردار بود، ناچار شد ۴ ماه سود ویژه بپردازد. صاحب کارخانه سرمایه دار حیل و مژوری است بنام "حاج امان الله سرباز" که در جریان انقلاب، با یکی از پسرانش بنام

"منوچهرخان" که ساواکی هم بود، به لندن گریخت.

این، تنها یکی از شمات کوچک شورای کارگری است. در حالیکه کارگران در سایه شورای کارگری که در کارخانه شان تشکیل میدهند، میتوانند دستاوردها و منافع خیلی بیشتر و بهتری هم کسب کنند. ما در شماره ۲ "کارگر"، به پیش "مفصلاً طرز تشکیل شورای کارگری را برای رفقای کارگر شرح داده ایم.

چندی پیش کارگران آگاه و مبارز کارخانه "جین مد" سندیکای واقعی خود را تشکیل دادند. کارخانه "جین مد" سازنده پوشاک و بخصوص شلوار جین میباشد و اعضای سندیکا ۸ نفر هستند که ۵ نفر از آنها از کارگران زن کارخانه و ۳ نفر دیگر از کارگران مرد کارخانه هستند.

سرمایه دار صاحب کارخانه بنام "فرانک بورکل" دستمزد کارگران را پرداخت نکرده و از ترس روبرو شدن با کارگران، بزدلانه از حضور در کارخانه خودداری میکرد. در نتیجه کارگران مبارز این کارخانه هم بیاری سندیکای واقعی شان، در برابر کارخانه راباز کرده و اجناس موجود در آن را بفروش رسانده و دستمزد های عقب افتاده شان را برداشتند. یکی از کارگران این کارخانه میگفت: "با وجودیکه شلوارهای جین رابه نصف قیمت سابق فروختیم ولی ۷۰ هزار تومان سود بردیم!"

* نتیجه ای دیگر از کارخانه بزمند *

این عمل درست و بجای کارگران "جین مد" میتواند سرمشق خوبی برای کلیه کارگران کارخانه هائی باشد که هنوز دستمزد خود را دریافت نکرده اند. و در صورتی که در کارخانه ای هنوز از اجناس کارخانه موجود باشد، کارگران میتوانند با کمک شورای سندیکای واقعی شان این اجناس را بفروش رسانیده و حق خود را برداشت کنند. حتی در کارخانه هائی که راه افتاده است، با توجه باینکه کارفرمایان از فروش اجناس شان معمولاً سودهای کلانی می-برند، شورای سندیکای کارگری آن کارخانه میتواند کلیه در آمد حاصل از فروش کالاهای آن کارخانه را تا زمانی که حقوق عقب افتاده کارگران بطور کامل پرداخت شود، باین کار اختصاص دهند.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تکلیف‌پذیری کارگران پرورده آلودگی و حومه

سندیکا، از دی ۵۷ شروع شده بود تا اینکه سرانجام در اسفند ماه موفق به گرفتن جا میشوند.

راستی‌گویی کارگران بیکار کرمانشاه

صبح روز جمعه ۱۷ فروردین، حدود ۲۰۰۰ نفر از کارگران بیکار در شهر کرمانشاه، تظاهراتی برپا کردند. شعار کارگران در این راه - پیمائی " ایجاد کار برای کارگران" بود و خواستار رسیدگی بوضع کلیه کارگران بیکار بودند.

بعد از مدتی ما مورین کمیته، اما سررسیده و کارگران را بزور و تهدید، متفرق کردند. خودسریها و اعمال ضدکارگری کمیته‌های اصم همچنان و با شدت هرچه تمام‌تر ادامه دارد و تاکنون کمترین اجتماع یا راهپیمایی یا تحصن کارگری بوده است که با حمله ما مورین کمیته ها روبرو نشده است.

اخراج کارگران بیکار از کارگاه

با وجود وعده و وعیدهای که دولت در مورد حل مسئله بیکاری میدهد، اما همچنان خیرهای از اجراج مداوم کارگران بوسیله کارفرمایان میرسد. مطابق یکی از همین خیرها، از نیمه فروردین، کارفرمای کارخانه "جنرال رهاون" حدود ۸۰ نفر از کارگران کارخانه را اخراج کرده است. این مسئله موجب نگرانی شدید در میان سایر کارگران کارخانه شده و این احتمال هست که کارفرما دست باخراج‌های بیشتری از کارگران بزند.

بدنبال بحران اقتصادی و سیاسی که جامعه ما را فرا گرفته و منجر به تعطیل شدن بسیاری از واحدهای تولیدی و بیکار شدن تعداد زیادی از کارگران گردید، کارگران بی‌کار جنوبی‌فکر ایجاد یک سندیکای مستقل و نیرومند می‌افتند. اولین مشکلی که کارگران با آن روبرو میشوند، نداشتن محلی مناسب برای گردمایی و همفکری کارگران بود. بخصوص این که کارگران، پیمانی و فصلی‌بوده و از هیچ تشکلی برخوردار نبودند.

کارگران ابتدا با انتخاب چند نماینده از میان خود، از طریق مکاتبه و یاری خواستن از کمیته امام، درخواست محلی برای سندیکا میکنند. ولی عملاً کارشکنی‌های کمیته روبرو شده و نمیتوانند جایی بدست آورند. کارگران تصمیم می‌گیرند خودشان دست بکار شوند. از همین جهت بفرکارشغال زندان شهر که خالی از سکنه بوده می‌افتند. ولی در آنجا با افراد کمیته امام روبرو میشوند و در نتیجه در فرمانداری آبادان متحصن میشوند.

در فرمانداری، مقامات دولتی سعی میکنند فکر کارگران را از مبارزه برای تهیه محل سندیکا منحرف کرده و اینکار را بیرون از اختیارات خود میدانند. اما کارگران همچنان با فشاری بر روی خواسته حقیقیانه خود، به تحصن ادامه میدهند و وقتی فرمانداری با قاطعیت و استواری کارگران روبرو میشود عقب نشینی کرده و حاضر میشود محلی را به کارگران واگذار کند.

در اولین گردمایی در آن محل، کارگران "هیئت مؤسس" خود را انتخاب میکنند که این هیئت، مأمور تهیه و تدوین اساسنامه می‌شود. فعالیت کارگران آگاه برای تشکیل

قطعه نامه کارگران اخراجی الکتروالکترونیک

کارگران اخراجی شرکت "ایران الکتروالکترونیک" واقع در کیلومتر ۵ جاده قدیم آمل - بابل که در دیماه ۵۷ بوسیله کارفرما اخراج شده اند، طی اطلاعیه ای باین عمل ضدکارگری کارفرما اعتراض کردند. آنها در اطلاعیه خود نوشته اند: "در فاصله این مدت، بارها با کارفرما بطور جمعی و انفرادی بحث و مذاکره کرده ولی هربار کارفرما از مسئولیت شانه خالی میکرد و اخراج ما را قانونی میدانست. چندبار با مقامات مسئول شهر تماس گرفته ایم، ولی نتیجه مشخصی از آن حاصل نشد".

کارگران اخراجی این شرکت ضمن درخواست از اهالی شریف و مبارز شهر برای پشتیبانی از کارگران، در تاریخ شنبه ۱۸ فروردین در محل کارخانه اجتماع کردند. این اجتماع بمنظور روشن شدن وضع کار کارگران از لحاظ بازگشت بدون قید و شرط بسر کار و همچنین اجرای درخواستهای برحق کارگران بود. در جریان این اجتماع، کارگران قطعه نامه ای تنظیم کردند که متن آنرا در زیر آورده ایم:

بنام خداوند درهم گوینده ستمگران

قطعه نامه

هموطنان مبارز!

خواست ما در درجه اول بازگشت بسر کار و شروع فعالیت مجدد در کارخانه میباشد لیکن کارفرما ما را اخلالگر، ضدانقلابی و غیره مینامد. آیا کارگران که برای درهم شکستن پیکر نظام طاغوتی رژیم جنایتکار و خائن پهلوی، دست از کار کشیده و در جلوی گلوله دژخیمان سینه سپر کرده اند، ضدانقلابی و اخلالگر بوده اند؟

آیا ما که خواستار ابتدائی ترین حقوق خود (یعنی بازگشت بسرکار) میباشیم، ضد انقلابی هستیم یا کارفرما؟

بدینوسیله ما کارگران اخراجی از صبح فردا، تاریخ یکشنبه ۵۸/۱/۱۹ تا رسیدن به خواسته های برحق خود با خانواده هایمان در اداره کار به تحصن می نشینیم. از عموم هموطنان مبارز خواهان همبستگی و اعلام پشتیبانی میباشیم.

کارگران اخراجی کارخانه ایران الکتروالکترونیک

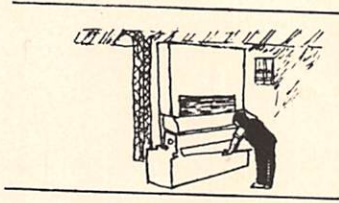
۱۳۵۸/۱/۱۸

ما کارگران اخراجی کارخانه ایران الکتروالکترونیک آمل که از طرف کارفرما با انواع حقه و کلک و اعمال زور، اعم از کمبود مواد اولیه، برق، سرمایه، وادار به اخراج شده ایم، اکنون به پیروی از دستورات امام خمینی برای بازسازی اقتصاد کشور خواهان بازگشت بسرکار خود میباشیم، ولی کارفرما با هزار حيله و نیرنگ قصد تفرقه و جلوس گیری از این اقدام میکند. کارفرما میگوید پول ندارم تا حقوقتان را بپردازم، ولسی چطور دو عدد بولدوزر ۲۴ ساعته دورزمین کارخانه که مال او بوده و قصد کشت و بهره برداری از آن را دارد، مشغول کار است؟ چطور سرمایه گذاری در کار دیگر را دارد، ولی از پرداختن حقوقمان در ازای کار اظہار بی پولی میکند؟

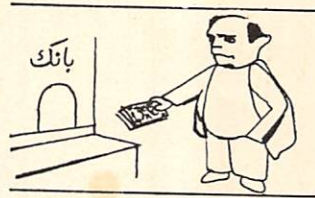
ما با اجتماع در کارخانه در حضور کارفرما به نتیجه نرسیدیم و در جلسه ای که در اداره کار در حضور رئیس و نمایندگان ما و کارفرما هم تشکیل شده بود، به نتیجه ای نرسیدیم.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

کارگر



کارفرما



کار و ... از کارفرما و وزارت کار بخواهند که هر چه زودتر باین اعمال ضد کارگری پایان داده شود.

کارخانه جنرال ورهاوس یکی دیگر از آن کارخانه‌های وابسته‌ای است که حتما باید ملی شده و با همکاری شورای کارگران کارخانه اداره شود. تا بدین ترتیب از انجام این - گونه اعمال ضد کارگری کارفرمایان نیز، جلو-

کارفرمایان تنها اتحاد عمل همه کارگران کارخانه است. بایستی بطور دستجمعی از وی بخواهند که هر چه زودتر کارگران اخراجی را بسرکار بازگرداند و برای اینکار مهلتی تعیین کنند. در صورتی که کارفرما در مهلت معین، کارگران اخراجی را بسرکار باز نگرداند، کارگران مبارزه خود را بر علیه خودسریهای کارفرما پیش برده و با اجتماع در محوطه کارخانه و حتی اعتصاب کردن و تحویل کارخانه به کارگران روزا پیتکار

درگیری آرزوی طبقه کارگر

من، کارگرم

من، یک رنجبرم .

به دستهایم نگاه کن !

کار در پینه‌هایش خوابیده است .

ورنج از آنها به بیرون سر میزند .

ویا زوانم ،

این عصبی سالهای جوانیم ،

که مرا بکار تکیه داد ،

و مرا ببرنج عادت داد ،

و مرا به نان رسانید ،

و شکم بچه کوچکم را با نان آشنا کرده

به چهره‌ام بنگر!

به چین و چروکهای سخن‌گویش ،

که حرف از کار و زور زرنج ،

و نشانی است از سرگذشت من .

به جای پایهایم بنگر ،

بر سنگ‌فرش کارخانه ،

بر سنگ‌ریزه‌های جاده ساوه ،

بر آسفالت خیابان جنوب شهر ،

بر خاک کوزه‌های نازی آبا و دوزخانه ،

هر جا که جای پای من است ،

مهر و نشان کارگرنجدیده است .

و سالیان درازی است که من ،

هرناکجا آبادی را آبا دگرده‌ام .

و بر سر دره‌ها آبادی ،

مهر و نشانم را حک کرده‌ام .

و اکنون مینگرم بر آنچه دارم .

من چه داشتم جز رنج؟

من چه دارم ،

جز رنج ،

جز فقر ،

جز کار؟

من چه یافته‌ام؟

آری ،

من شناختم خودم را ،

و

انسان را .

دوستم را و

دشمنم را .

کارگر را و

سرمایه‌دار را

کار را ،

و عشق را .

مبارزه را و

مبارز را

من مبارزه کرده‌ام .

من مبارزه میکنم .

من کارگرم

من حقی دارم .

من انسانم .

من یک رنجبرم .

من پیروز خواهم شد .

چون که کارگر پیروز است .

و من کارگرم .

از انتشارات سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۵ فروردین ۱۳۵۸

بها : ۲۵ ریال